



## اگر دقیقاً به وظیفه مبارزه با آمریکای جنایتکار ادامه دهیم فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید

در صفحه ۲

### تنهایک معیار...

تشکیل جبهه متحد برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، که از جانب وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد و با استقبال کشورهای مترقی منطقه روبرو شده، از مسائل مهم در سیاست جاری کشور است. نظریات کوناگونی که در ایران از جانب نیروهای انقلابی در این زمینه ابراز می شود، نشان دهنده این واقعیت خرسندکننده است که با اصل تشکیل این جبهه مخالفتی نیست. اکنون بحث بر سر کیفیت تشکیل این جبهه و ماهیت شرکت کنندگان در آنست، که در واقع سرنویست آن را تعیین می کند. باید گفت که اساس تشکیل جبهه متحدی در منطقه برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم تابع این امر است که چه شرایطی برای شرکت کنندگان در آن در نظر گرفته میشود، و بیا به عبارت دیگر، معیار برای برپائی این جبهه چیست؟ بقیه در صفحه ۱۰

### آمریکاهمچنان خواب تجزیه ایران را می بیند!

#### ولی اتحاد شوروی با سیاست اصولی خود این خواب را مرتباً برهم زده است

خریدین مضمون بود: "مارتین گال، نویسنده سیاسی آمریکائی، در کتاب خود پیرامون ایران، فاش ساخته است که در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) توسط اشویت، صدراعظم آلمان فدرال به شوروی پیشنهاد کرد که ایران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شود، بر اساس این پیشنهاد، قسمت شمالی ایران تحت تسلط

چندی پیش - سهشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۰ - خیرحالی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، که برای ساخت "دوایر قدرت" و سیاست هر کدام از آنها نسبت به موجودیت، تمامیت ارضی و استقلال کشور ما دارای اهمیت درجه اول است، ولی، مناسفانه، این خبر در روزنامهها و رادیو - تلویزیون مورد بحث و تفسیر قرار گرفت، بر روی آن انگشت ناکیدی گذاشته شد و در نتیجه در میان انبوه اخبار "گم" شد.

### در باره سیاست خارجی:

### به پیشواز هفته سالگرد جنگ عادلانه برضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۱۳

### در جهان دو جبهه امپریالیستی و ضد امپریالیستی با یکدیگر در نبردند

مصاحبه دیگری با خبرنگار سیاسی "اطلاعات" عمل آورد، که در شماره های اول و دوم شهریورماه ۶۰ این روزنامه انتشار یافت. آقای موسوی در این مصاحبه درباره اظهار نظرهایی که در کانال دیپلوماسی جمهوری اسلامی ایران قرار بقیه در صفحه ۲

بدنبال نخستین مصاحبه مهمی که آقای موسوی، وزیر امور خارجه در زمینه مشی سیاست خارجی عمل آورد (و متن آن در روزنامه های سهشنبه ۲۶ مرداد ۶۰ منتشر شد) و ما در باره برخی نکات مهم آن در "اتحاد مردم" (شماره ۹۲) زیر عنوان "سیاست خارجی مبتنی بر اصل استقلال" اظهار نظر کردیم، آقای وزیر امور خارجه

### در صفحات دیگر

اعلامیه شورای جهانی صلح به مناسبت روز جهانی صلح ۱۹۸۱ صفحه ۱۶

جنبش غیرمتعهدها و نقش آن در مبارزه برضد امپریالیسم صفحه ۱۲

سوسیال دمکراسی و جنبش آزادیبخش ملی صفحه ۱۱

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۱۰) بنی صدر در رأس "جبهه متحد ضد انقلاب" حمله را آغاز می کند صفحه ۵

### توطئه بزرگ نفتی امپریالیسم علیه ایران را خنثی سازیم!

مزمور چنین است: "وزارت صنایع ژاپن اعلام کرد که سیزده کمپانی نفت ژاپنی تصمیم گرفته اند قرارداد های واردات مواد نفتی از ایران را که موعد آن نهاد آخر ماه جاری بسر می رسد، تجدید نکنند. سیزده کمپانی نفت ژاپنی از جمله "ماروزن اویل"، بقیه در صفحه ۱۵

تصمیم جدید ژاپن در مورد خودداری از خرید نفت از ایران و ادامه ساختن مجتمع پتروشیمی در بندر امام خمینی، از یک توطئه بزرگ نفتی امپریالیسم علیه ایران خبر می دهد. قبلاً هر چیز به اصل خبر مراجعه کنیم که در شماره ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ روزنامه "اطلاعات" به نقل از خبرگزاری فرانسه، درج شده است. خبر

### در سالروز جمعه خونین (۱۷ شهریور):

### خلق قهرمان ایران یاد شهیدانش را با شعار "مرگ بر آمریکا" گرامی امام خمینی: از ۱۷ شهریور تا امروز هرگز سستی در اراده ملت انقلابی ایران حاصل نشده است. داشت



درباره سیاست ...

بقیه از صفحه ۱

ندارند، ولی درباره سیاست خارجی اظهارنظر می کنند، تصریح کرده اند که: "کشور ما کشور آزادی است. ... بنظر من (ما) نمی باید تلاش کنیم که جلو این اظهارنظرها را بگیریم، بلکه باید بگذاریم هرکس حرف خودش را در این زمینه بیان کند، ولی در عین حال باید توجه داشت که نظر رسمی جمهوری اسلامی ایران از زبان وزارت خارجه است که عنوان می شود. این گفته آقای وزیر امور خارجه مارا بیش از گذشته تشویق به اظهار نظر درباره امور مربوط به سیاست خارجی نمود، زیرا قبلاً آقای موسوی اظهار نظر-ها را برای آن لازم می دانده که به آن توجه شود، تا اگر مطلب صحیحی در آنها طرح و عنوان شود، در تدوین مبانی و اصول سیاست خارجی کشور ما، مورد بهره-برداری قرار گیرد. پس یا امیدیه این که وزیر امور خارجه، نظرات ما را مورد بررسی و توجه قرار خواهد داد، می پردازیم، می ارائه برخی نظرات نسبت به برخی مطالب مهمی که آقای موسوی در مصاحبه اخیر با روزنامه "اطلاعات" بیان داشته است.



مقدما باید تصریح کرد که آقای وزیر امور خارجه، در این مصاحبه بیانات مشخصی دارد که روشن تر از گذشته بیانگر "خط" اساسی استقلال طلبانه ضد-امپریالیستی فعالیت وزارت امور خارجه است و آن مسبر اصلی حرکتی است که ایران در آن فعالانه گام نهاده و می باید، ضمن پاکسازی هر آنچه از بازم مانده های خط غرب گرای لیبرالها احیا ندارند و کار وزارت امور خارجه باقیست. در آن به پیش حرکت کند. از جمله آقای موسوی این اصل را که ما "با تمام سلطه گران مخالفیم، با تمام زورگویان، با امپریالیسم مخالفیم، با صهیونیسم مخالفیم"، اصلی اعلام داشته اند که "بر روابط ما و جهان حاکم است".

این اصل که از طبیعت انقلاب اسلامی ایران باحتوای ضد امپریالیستی استقلال طلبانه مردمی آن ناشی است، طبیعا حکم می کند که ما دست همکاری به سوی آن کشورهای دراز کنیم که آنها نیز بر ضد امپریالیسم و برای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند. در نتیجه، گفته آقای موسوی: "اگر دقت کرده باشید (ماه سپتامبر) خود دقت کرده ایم - اتحاد مردم (سیاست ایران در قبال کشورهای که مبارزه می کنند با صهیونیسم و امپریالیسم، نسبت به روزهای اول خیلی روشن تر، صریح تر و قاطع تر شده، یعنی بطور عملی موضع خودمان را نسبت به این کشورها داریم روشن می کنیم و بیان می کنیم و حتی بطور عملی با آن مواجه می شویم. وزیر آقای موسوی بدین ترتیب بر روی اصل استقلال، که در شعار "نه شرقی، نه غربی" بیان گردیده و مضمون آن، هم به نظر ایشان، بر همین جلوگیری از "جذب شدن و هضم شدن توسط دیگر قدرتها و ایر قدرتها است انگشت تا کید نهاده اند." بگفته ایشان:

"اگر بطور عمیق و اصولی به سیاست نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی پایبند باشیم و موضع استقلال خود را حفظ کنیم، قادر خواهیم بود جلو این جذب شدن و هضم شدن را بگیریم، و این به نفع تمام بشریت است." از مجموعه سخنان آقای موسوی، در این مصاحبه تا حد و در بیانی به روشنی دیده می شود که اصل استقلال و اصل مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم، دو اصل اساسی و دو اهمی در نظر گرفته شده است که وزارت امور خارجه کشور ما در فعالیت خود به آنها تکیه خواهد کرد و این مورد تأیید و موجب خوشحالی است.



اما آقای وزیر امور خارجه در مصاحبه خود مطالب دیگری نیز عنوان

کرده است، که گاه حالی از ابهام نیستند، و نیز از دیدگاهی به مجموعه جهان نگرین است که نه نظر ما چندان واقع بینانه نیست. نظر به اینکه آقای موسوی چه در این مصاحبه و در مصاحبه ها و اظهارنظرهای قبلی خود، همواره تأکید کرده است که وزارت امور خارجه در فعالیت خود سعی خواهد کرد که "واقعیت" را در نظر بگیرد، لذا ما نیز سعی خواهیم کرد "واقعیت" جهانی را که اکنون ما با آن روبرو هستیم، به نظر خود و در حد حوصله یک مقاله روزنامه ای ترسیم کنیم. آقای موسوی واقعیت جهان را چنین توصیف کرده است:

"ما با جهانی روبرو هستیم که در آن زور، پول، خشونت و سلطه گری و نظائر اینها حاکم است و آنها را بصورت یک واقعیت در جهان لمس می کنیم. در جوار آن با واقعیت دیگری روبرو هستیم و آن آگاهی مردم است که در مقابل این اسارت و زور و نظائر اینها دار دیگرش پیدا می کند. آگاهی مستضعفان جهان در حال گسترش است، این آگاهی و آن واقعیت در یک تضاد عمیق قرار دارند و حاصل این تضاد منجر به رشد و پویایی و ظهور یک جهان تازه ای در آینده خواهد شد."

سپس آقای موسوی فرود دارد که: "منتها از ابعاد دیگری هم می توان به جهان نگاه کرد. در جهان اکنون ابر قدرت های یک نوازن وحشت ایجاد کرده اند تمام جهان مانند یک ماشین حساب شده ای دارد منجر خرد که آخرین پیچها و آخرین جرخ دنده ها کاملان تنظیم شده و عملا هر حرکت مخالفی به یک تحوی جذب ابر قدرتها، که ظاهرا باهم تقابل هم دارند، میشود و به نفع سیاستهای آنها تمام میشود. تصور می کنم (با) انقلاب اسلامی ایران (در) این ماشین که تعادل و نوازن آن بر پایه وحشت است و بر پایه اصلت زور است، ظاهر یک پیچ درز فرشته (این ماشین) را دچارافتگی کرده، انقلاب ما ممکن است در مقابل میلیاردها بشردر مقابل ۱۵۰ کشور و ملت یک واحد کوچک باشد، ولی مسئله این است که انقلاب ما این توازن را بهم زده و بهم می زند ..."

نظر ما بیانات فوق متناقضه انعکاس کامل واقعیت جهانی نیست که ما با آن روبرو هستیم و نیز در این بیانات نقش مهمی که انقلاب ما ایفا نموده چنانکه باید انعکاس نیافته است. مطلب را از بیان این واقعیت عیان آغاز کنیم که انقلاب ما مورد تأیید و پشتیبانی همه کشورهای که با امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می کنند، اعم از سوسیالیستی یا غیر سوسیالیستی، و نیز همه جنبشهای آزادی بخش استقلال طلبانه و همچنین همه احزاب و سازمانها و نیروهای قرار گرفته است که درگیر مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بین المللی، سرکردگی آمریکا هستند. این واقعیت است. اگر ما تمامی جهان (و نه فقط بخشی از آن) را که امپریالیسم بر آن حاکم است) ماشینی تصور کنیم که در آن زور و پول و خشونت و سلطه گری حاکم است و انقلاب اسلامی ایران را نیز "پیچی در رفته" در این ماشین بدانیم، آنگاه تمامی جهان که تعادلش بسبب انقلاب ما بهم خورده می - باست یکجا به مخالفت و به مقابله با انقلاب ما بر می خاست، و حال آن که ما می بینیم که بخشی از این جهان از انقلاب ما بیخبرند و یا به نحوی می کنند و بخش دیگری از آن، (که امپریالیسم بر آن حاکم است) با آن به مقابله برخاسته، برای براندازی آن تلاش می کند.

این واقعیت که بخشی از جهان در موافقت و بخش دیگری از جهان در مخالفت با انقلاب ما موضوع گیری کرده اند خود بیانگر واقعیت دیگری است دائر بر اینکه، انقلاب ما "پیچی در رفته" در ماشین جهانی نیست، بلکه "پیچی در رفته" در ماشین امپریالیسم است، و اگر وقوع آن تعادلی را بهم زده، تعادل ماشین امپریالیسم را در منطقه، به سود مجموعه نیروهای ضد امپریالیستی و به زیان مجموعه نیروهای امپریالیستی بر هم زده است، یا عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران، که در کشوری پهنانور، غنی با موقعیت مهم استراتژیک و جمعیتی سی و چند میلیونی، رخ داده، ضربه فوق العاده سختی به سلطه گری امپریالیسم و

صهیونیسم وارد کرده است، و به همین دلیل نیز دشمن انقلاب ما امپریالیسم و صهیونیسم، سرکردگی آمریکا است و نیز به همین دلیل مورد پشتیبانی تمامی نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان واقع شده است. اگر از در چپ این واقعیت علنا و عملا مشهود به جهان نگریم، یعنی اگر ملاحظه شناخت جهان را رفتار و کردار دیگران نسبت به انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران بسنجیم، متوجه خواهیم شد که مجموعه جهان ماشینی نیست که در آن زور و پول و خشونت و سلطه گری حاکم باشد، بلکه جهان به دو بخش عمده تقسیم شده، که در یک بخش آن زور و پول و خشونت و سلطه گری حاکم است، یعنی بخشی که بر آن امپریالیسم سلطه خود را مستقر ساخته، و بخش دیگر آن بخشی است که رها شده از این سلطه، که برای رهایی بشریت از این سلطه می رزمند. اگر جهان به این دو بخش تقسیم نشده بود، اگر هنوز مجموعه جهان زیر سلطه امپریالیسم می بود، آنگاه هیچ کشوری از انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ما پشتیبانی نمی کرد، و ما در مبارزه علیه سلطه گری امپریالیستی، در مبارزه برای استقلال و آزادی نو سازی کشور خود بسود مستضعفان، یکدسته می بودیم، در صورتیکه چنین نیست.

از سوی دیگر اصطلاح "نوازن وحشت" که در غرب رایج است، نیز بیانگر واقعیت جهان و مبارزه عظیمی که در آن جریان دارد، نیست، واقعیت این است که نیروی امپریالیستی، که هنوز در بخشی از جهان وجود دارد، درصدد باز پس گرفتن آن بخش دیگری از جهان است که از چنگ داده، چه بصورت کشور - های سوسیالیستی، که در آن اساسا حکومت سرمایه و استثمار انسان توسط انسان از بین ریشه کن شده، چه به صورت کشورهای که از زیر سلطه امپریالیسم بدر آمده اند و در کار تحکیم استقلال خویش و نو سازی جامعه خویش بسود مستضعفانند.

بدیهی است که این بخش نجات یافته از چنگ حکومت سرمایه و از چنگ سلطه امپریالیستی، می بایستی برای دفاع از خود در برابر امپریالیسم تجاوزگر، نیروی مسلحی داشته باشد که امپریالیسم را از هوس و وسوسه تجاوز مسلح باز دارد. این نیروی مسلح است پاسدار صلح، کوشا برای جلوگیری از تجاوز امپریالیسم، برای دفاع از استقلال و آزادی، و نه برای "استقرار" توازن وحشت". "توازن وحشت" اصطلاحی است که در غرب رایج کرده اند، تا در پشت این اصطلاح سیاست امپریالیستی ناز اذیت مسابقه تسلیحاتی و جنگ طلبی امپریالیسم را بیوشانند، تدارک جنگ تجاوزی را با تدارک دفاع در برابر این تجاوز دارای سرشت و هدف واحد جلوه دهند، و بدینسان تجاوزگری امپریالیسم و تدارک تجاوز از سوی آن را تشریح و توجیه کنند. در حالی که آقای موسوی خود بدین تنگی گناه سابقه تسلیحاتی را بر عهده امپریالیسم، به ویژه آمریکا، نهاد و حتی درباره سلاح جدید ضد انسانی بمب نوترونی مشخصا اظهار می دارد:

"مانظر خود را اعلام می کنیم. ساختن این نوع تسلیحات و دادن زدن به رقابت های تسلیحاتی به ضرر ملت های جهان است و ما شدیداً با این مسئله مخالف می کنیم و این را نشانه روحیه سبعانه و سلطه گرانه امپریالیسم می دانیم." اما درباره تضاد اصلی کنونی در جهان، که آقای موسوی آن را "آگاهی" گسترش یابنده مستضعفان با جهانی سلطه گری حاکم است" باید گفت که، این نظر، یگانه ما، دچار ابهام است. می - توان با آن موافقت نمود اگر، همانطور که گفتیم، این واقعیت را در نظر بگیریم که، نه در تمامی جهان، بلکه فقط در بخشی از آن هنوز زور و پول و خشونت و سلطه - گری، یعنی امپریالیسم حاکم است، و نیز اگر مفهوم "آگاهی" گسترش یابنده را مجموعه امواج انقلابها و جنبش های ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه، دموکراتیک، مردمی و ضد استثمار بدانیم که از آغاز قرن کنونی در گرفته اند تا اکنون در گروهی از کشورهای منجر به ریشه کن شدن حکومت سرمایه و استثمار شده و در برخی دیگر از کشورهای منجر به استقلال

باین قرن بخواست خداوند قادر قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.

\* آیا عواظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با آمریکا و اسرائیل لازم ترمی شمارند؟

بیاگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکا جنایتکار است، ادامه دهیم فرزندانمان شهید پیروزی خواهند چشید \* جهان عرب بدانند امروز ضربهای که صدام و سادات به آنها زدند چنان دهشتناک است که تنها با اتحاد شان می توانند جبران نمایند.

\* ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه ها و اعلامیه ها، اسرائیل را هم ردیف آمریکا در مستکبری و دنباله اودر تجاوز و غارتگری محکوم کردیم و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف آمریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نشان هر دو کرد. و تعجب نیست که این نغمه مشوم (رابطه) ایران با اسرائیل از گلوئی آمریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک یکین سر داده شد و بوقهای تبلیغاتی آنان خصوصاً آمریکا بطور وسیعی در پخش آن کوشیدند.

چرا که آن ضربه که این دوا از اسلام واقعی خوردند، دیگران نخوردند و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند.

آنها و گزینش راه رشد غیر سرمایه داری گردیده اند و امروز نیز پیروز مندانه گسترش می یابند. بعبارت دیگر، در جهان امروز وجهه ضد امپریالیستی و امپریالیستی در مقابل هم قرار گرفته - اند و باهم در نبردند. در جنبه ضد - امپریالیستی، جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری در کشور - های سرمایه داری رشد یافته، کشورهای مستقل ضد امپریالیستی و جنبش های رهایی بخش ملی در "جهان سوم" قرار دارند، در جنبه امپریالیستی، کشورهای امپریالیستی و دولت های دستیار و دست - نشانده آنها.

این نکته را نیز باید افزود که، آن بخشی از جهان را نیز که در آن زور و پول و خشونت و سلطه گری، یعنی امپریالیسم حاکم است، نمیتوان به ماشینی تشبیه کرد که "تا آخرین پیچها و آخرین دنده - های آن کاملاً تنظیم شده است." خود آقای وزیر امور خارجه، در مصاحبه قبلی خود، به وجود انواع اختلافات، شقاقها، جدائیها، تناقضات و تضادهای در جهان اشاره کرده بودند، واقعیت اینست که آن بخشی از جهان، که زیر سلطه امپریالیسم و در آن نظام سرمایه داری هنوز حاکم است، دچار انواع تناقضات و تضادهای غیر قابل حلی است که به صورت بیکاری دهها میلیون زحمتکش، تورم شتابنده، گرانسرم آور، جنگ بازرگانی، کسر بودجه مداوم، نبرد طبقاتی، اختلاف بین دولت های امپریالیستی و غیره متجلی میشوند و در آخرین تحلیل باعث میشوند که هر چندی، یکی از پیچ - های ماشین سرمایه داری امپریالیستی از جاکنده شود. این روندی است که ما آنرا به عیان در برابر خود می بینیم و انقلاب ضد - امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، نقش شایسته ای در پیش برد این روند دارد و میتواند داشته باشد، که پایان آن همان "ظهور یک جهان تازه ای در آینده" در سطح تمامی جهان خواهد بود، جهان تازه ای که در آن دیگر در هیچ جا، پول و زور و خشونت و سلطه - گری وستم ملی و طبقاتی و نژادی و تبعیض و استثمار نخواهد بود.

خلاصه کنیم: اگر بطور کلی بخواهیم جهان را "تقسیم" کنیم، این جهان به دو بخش، به دو جنبه تقسیم شده است: جنبه

قسمت هایی از پیام تاریخی امام

به مناسبت برگزاری مراسم حج

از سخنان امام در حضور انجمن جماعات (۶/۶/۱۸)

باین اشکال اولش به نوبی اکرم وارد است. اگر ایشان هم به سرمایه دارهای مکه و حجاز کاری نداشت و توی مسجد می نشست و مسئله می گفت جنگ پیش نمی آمد، کشتار نمی شد. عموئی معطشش کشته نمی شد و به سیدالشهدا وارد است. اگر سیدالشهدا می رفت پیش یزید بیعت می کرد و مسئله می گفت با اومی ساخت.

\* پیغمبر اکرم چقدر جنگ در زمان او واقع شد برای اینکه صلاح کند جامعه را برای اینکه دست ستکارها را کوتاه کند. دست این سرمایه دار چپا و لگر را کوتاه کند. دست او را چپا برای اینکه ظالم را کوتاه کند. \* مهمترین برنامه (حضرت علی) این بود که من حتی آن چیزهایی که صدق کردید از چپا و لگرها برای زنده نگه داشتن آن هم ازتان می گیرم.

\* تمام انبیاء برای اصلاح جامعه آمده اند. تمام و همه آنها این مسئله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد باید فدای شود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدای کرد که فرد باید فدای جامعه بشود. جامعه باید اصلاح بشود. لیقوم الناس بالعدل.

\* اگر آمریکا خاطر جمع باشد که آقایان (روحانیون) دیگر بیاندازند در سیاست دخالت کنند، دستش را از روی این ملت و از این شیطنتها برمی دارد.

امپریالیستی وجهه ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی ایران، در جنبه ضد امپریالیستی قرار گرفته و به همین دلیل از یک سو مورد پشتیبانی تمام اعضاء این جنبه ضد - امپریالیستی و از سوی دیگر در معرض خصومت تمام اعضاء جنبه امپریالیستی است.

ما با در نظر گرفتن این واقعیت و نیز با حفظ استقلال تام و تمام کشور خود میباید از یکسو دست دوستی و همکاری به سوی هر کشور و هر نیرو و جنبش ضد - امپریالیستی دراز کنیم، و از سوی دیگر می باید هر دستی را، که از جانب هر نیرو و کشور ضد امپریالیستی به سوی ما دراز شود، به شرط آنکه احترام بی خدشه به استقلال تام و تمام ما داشته باشد و خواستار تقویت آن باشد، بفشاریم. یعنی در یک جمله، ما باید ضمن حفظ و بر مبنای حفظ و تقویت استقلال کامل کشور خود، با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بین المللی، که سرکردگی آن را آمریکا بر عهده دارد، با تمام نیروی خود و همراه با دیگر نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان، مبارزه کنیم. این چنین سیاستی خود مطمئن ترین ضامن استقلال ماست. و این اصولی است که آقای موسوی نیز به آنها توجه دارد و ما بر روی آنها انگشت تأکید و تاکید نهادیم.

سیاست خارجی ما خوشبختانه میروید که در فعالیت عملی خود بر این اصول - اصل استقلال و اصل مبارزه ضد - امپریالیستی قاطعانه تکیه کند. به گمان ما، با ا تکنا قاطع و مستمر بر این اصول، فعالیت های آتی وزارت امور خارجه، عملاً در جریان تحریر، منجر به رفع ابهاماتی خواهد شد که هنوز در اندیشه و کار وزارت امور خارجه باقی است. انگیزه ما در طرح برخی مطالب، که در این نوشتار مورد بحث قرار دادیم، کمکی است که، با اینگونه اظهار نظرها، احیاناً بتوان به تسریع واقع بینی و واقع گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمود، تا کار برد آن بسود انقلاب ما و استقلال ما و شکستن امپریالیسم در سطح منطقه و جهان موثر تر شود.

در سالروز جمعه خون ۱۷ شهریور

# خلق قهرمان ایران یادشیدانش را با شعار "مرگ بر آمریکا" گرامی داشت

## نخست وزیر: امروز استکبار جهانی، بسرکردگی آمریکا، تمام نیروهای شیطانی خود را برای نابودی انقلاب بسیج کرده است.

سوراخهای خود بیرون کشیده و به مقامات مربوطه معرفی می نمایند.

امام خمینی همچنین تاکید کرده اند.

"ایران اکنون با انسجام بیشتر و وحدت نظر بالاتر و قدرت زیاد تر قوای مسلح به سوی هدفهای اسلامی انسانی خود می رود."

### تجارب آمریکا در مقابله با انقلاب ایران

در پایان مراسم بزرگداشت شهیدان ۱۷ شهریور، حجت الاسلام هاشمی نژاد طی سخنانی ضمن تشریح پاره ای از مبارزات خلق علیه "آمریکا اسرائیل و دولت وابسته به آمریکا شاه" از سال ۴۱ به این سو، به نقش قاطع امام خمینی در طرد "سازشکاران و عاقبت طلبان"، که سعی در انحراف مبارزات مردم در ۱۷ شهریور ۵۷ به بعد داشتند، اشاره کرد و با تاکید بر ادامه مبارزه خلق علیه آمریکا، اسرائیل و یاورانشان در منطقه و جهان گفت:

"مادستهای آمریکا و اسرائیل را از منطقه اسلامی و سپس با کمک محرومان مستضعفان جهان، از تمام جهان قطع می کنیم."  
وی در قسمتی دیگر از سخنانش به "تجارب آمریکا و دنیا سرمایه داری"، که در مقابله با ملت های مانند "ویتنام، الجزایر، کامبوج، مصر، شیلی، ایران و پاره ای از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین" بدست آورده اند و اکنون از آنان در مقابله با انقلاب ایران استفاده می کنند، اشاره کرد، و لزوم انسجام بیشتر و تجهیز شدن به تجارب لازم در برخورد با این دشمنان را مورد تاکید قرار داد. حجت الاسلام هاشمی نژاد، همچنین با اشاره به ضرباتی که ضد انقلاب بر پیکر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد می کنند، خطاب به مسئولین مملکتی از جمله گفت:  
"بیشتر دقت کنید، نگذارید به انقلاب ما ضربه وارد شود، و لوازم ضربه ها انقلاب را متوقف نمی کند."  
وی در پایان گفت:

"این دولت که دولت ۱۷ شهریور نام گرفته و نام پرافتخاری است، امیدواریم که روی این مسئله کاملاً دقت کند و هو شیاری باشد و تردیدی نداریم که نشاء اله با کمک مردم و با حضور مردم در صحنه ما می توانیم مشکلات را یکی بعد از دیگری پشت سر بگذاریم و به هدف نهائی دست پیدا کنیم."

گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" حاکی است که در پایان این مراسم انبوه جمعیت در حالی که شعارهای انقلابی بر زبان می راندند، بانظم و آرامش میدان را ترک کردند.



مردم شعار می دادند: "نبرد با آمریکا، حکم امام امت"

### پیام امام خمینی رهبر و بنیانگذار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

آنگاه پیام رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، توسط فرزند ایشان حجت الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد. رهبرانقلاب در این پیام با تاکید بر اینکه:

"(۱۷ شهریور) که نشانگر مقاومت و شجاعت و ایستادگی ملت در مقابل ستمگران و جنایتکاران است، در خاطره ملت مبارز ایران زنده است و زنده خواهد بود"، متذکر شده اند:  
"از هفدهم شهریور تا امروز، سالروز افتخار آمیز آن، هرگز سستی و فتوری در اراده آهنین ملت انقلابی ایران حاصل نشده، بلکه هر واقعه و فاجعه ای او را مصمم تر و منسجم تر می کند."

امام خمینی در بخش دیگری از پیام خود، با اشاره به اعمال جنایتکارانه ضد انقلابیون تاکید کرده اند:

"ملتی را که ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور و ایام دیگر پشت سر نهاده است و چون سیلی خروشان موانع را هر چه بزرگ باشد از سر راه خود برداشته و درهم پیچیده است، نمی توان با کارهای بزدلانه، که جز از شکست خورده ها، مایوسها و مطرودها صادر نمی شود، ارباب کرد و این دریای متلاطم را از خروشیدن و به پیش رفتن باز داشت."

رهبرانقلاب همچنین با اشاره به تبلیغات امپریالیستی علیه انقلاب ایران و اهداف آن متذکر شده اند:

ملت هوشمند ایران با بیداری و هوشیاری بر تر بر پشتیبانی خود از دولت و مجلس و سایر ارگانها افزوده است و این تغالهای آمریکائی را از

شهریور) توسط یکی از معلولین این حادثه، کتیه یکی از ارتشیان، که در حادثه بمب گذاری نخست وزیری مجروح شده است، پیام نیروهای مسلح را قرائت کرد. در این پیام، با اشاره به توطئه های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، از "طیف سازشکاران"، "بنی صدر خائن" و تمامی گروهکهای ضد انقلاب، که به یاری "ام-الفساد قرن، شیطان بزرگ آمریکا" برخاسته اند، سخن به میان آمده بود. در همین پیام تاکید شد که، پس از هر توطئه آمریکا، مردم انقلابی ایران "بسیج و منسجم تر" می شوند و به مقابله با جنایات آمریکائی پردازند.

سپس پیام نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، آیت اله مهدوی کی، توسط حجت الاسلام معاد پخواه وزیر ارشاد اسلامی قرائت شد در قسمتی از این پیام آمده است:

"امروز سردمداران کفر و استکبار جهانی، بسرکردگی شیطان بزرگ، با وحشت و صفا پدیدار از آینده روشن جمهوری اسلامی ایران، کمر به قتل آن بنیست و همه امکانات و نیروهای شیطانی خود را برای مایوس کردن و خسته کردن شما و ما بسیج کرده اند، ولی شما با راه و بارها به دشمن نشان داده اید که حسنگی نایدیر و یاس ناشناسید. اجتماعات عظیم امروزتان بیانگر، همیشگی مکر این حقیقت است که به خون و راه و اهداف شهیدان هفده شهریور برای همیشه وفا دارید."

در قسمت دیگر از این پیام ضمن اعلام این که این کابینه به نام "کابینه ۱۷ شهریور" نامگذاری شده، اظهار امیدواری شده است که: "خون شهدا در کالبد این دولت در جریان باشد و اعضای این کابینه که برخاسته از نیروهای محروم شاملت هستند، در مقابل خون شهیدان ۱۷ شهریور به مثابه دهها شهید نامدار و بی نام و نشان انقلاب اسلامی خود را مسئول بشناسند."

در سالگرد قتل عام مردم قهرمان ایران در روز ۱۷ شهریور بدست مزدوران و جکمه پوستان رژیم آمریکایی شاه ملعون، میلیونها نفر از مردم بها خاسته میهنمان بارها پیمائی ها، تظاهرات و میتینگها در سراسر کشور، خاطره این شهیدان و تمامی شهیدان راه استقلال و آزادی کشور در طول انقلاب و در دوران پس از پیروزی انقلاب گرامی داشتند. رخصتکنان میهنمان، که اکنون نیز، با توطئه های حیانتکارانه براندازی امپریالیسم آمریکا و عوامل او درگیرند، در این مراسم عزم و اراده را سح خود را برای پیگیری در نبرد بخاطر ساختمان جامعه ای نوین، به نمایش گذاشتند و بار دیگر نشان دادند که پیگیر و استوار برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به سود محرومان و مستضعفان جامعه تلاش خواهند کرد.

همزمان با تظاهرات میلیونها نفر در شهرها و روستاهای ایران به مناسبت بزرگداشت خاطره شهیدان ۱۷ شهریور، مراسم باشکوهی نیز در میدان امام حسین تهران در روز ۱۷ شهریور برگزار شد. گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" حاکیست که گروه های مختلف مردم در ساعت اعلام شده از سوی نهادهای مختلف برگزار کننده این مراسم، بتدریج در میدان امام حسین اجتماع کردند. مردم در حالیکه بلا کارد هائی از سخنان امام خمینی در مورد لزوم مبارزه با پیگیری امپریالیسم آمریکا و تغالهای آمریکا، در دست داشتند، عارفی دادند:

"نبرد با آمریکا، حکم امام امت"، "مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا"، "آمریکا نه انفجار، نه ترور، دیگرانتر ندارد" و "زنده و جاوید یاد یاد شهیدان ما، ادامه راهشان وظیفه خلق ما".  
این گزارش همچنین حاکیست که حضور علولان انقلاب، که سوار بر صندلی های چرخدار در میدان حضور یافته بودند، چشمگیر بود. افراد بسیج مستضعفین و سپاه پاسداران انقلاب و نیز افراد شهریاری جمهوری اسلامی ایران نظم و حفاظت از محل برگزاری مراسم را بر عهده داشتند: گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" همچنین حاکیست که هر چه زمان می گذشت، جمعیت در میدان امام حسین و خیابانهای اطراف آن زیادتر می شد، بطوریکه در حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر سراسر میدان امام حسین، خیابان ۱۷ شهریور تا میدان شهیدان، قسمتهائی از خیابان انقلاب و سایر خیابانهای منتهی به میدان امام حسین لبریز از جمعیت بود. در این مراسم سرودهای انقلابی توسط گروهی از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران و گروهی دیگر از هنرمندان جوان اجرا شد و سخنرانی هائی توسط چند تن از شخصیت ها ایراد گردید. در همین مراسم پیام امام خمینی، نخست وزیر و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای حضار قرائت شد.

### آمریکا، ام الفساد قرن

در این مراسم، پس از قرائت پیام خانواده های شهیدان و معلولین جمعه خونین (۱۷)

### ادامه حضور نیروهای محدود شوروی در افغانستان بستگی به قطع تجاوز علیه آن کشور دارد

تضمین کننده توصیه کرده است و حاضر است که با ایران و پاکستان درباره پیشنهادهایشان پیرامون حل اختلافات موجود مذاکره بعمل آورد. شاه محمد دوست اظهار امیدواری کرد که پاکستان و ایران در برابر این پیشنهاد عکس العمل مثبت نشان دهند.  
وزیر خارجه افغانستان گفت: هر چه زودتر توافق حاصل شود نیروهای اتحاد شوروی زودتر کشور را ترک خواهند گفت. حضور این نیروها در جمهوری (افغانستان) بستگی مستقیم با قطع تجاوز علیه آن دارد. ببرک کارمل، رهبر افغانستان، دفاع از دستاوردهای انقلاب را "مهم ترین وظیفه روز" خواند.  
وی در سخنرانی در کابل گفت که نیروهای ضد انقلابی، برخوردار از پشتیبانی ایالات متحده و چین به تروریسم دست می زنند.

"بسیار موفقیت آمیز" خواند. در آدیس آبابا، منگستو هایل مارام، شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان را نزد خود پذیرفت. شاه محمد دوست حامل پیام خصوصی از ببرک کارمل بود.  
منگستو هایل مارام و شاه محمد دوست درباره مناسبات میان دو کشور و وظیفه مقابله با دسیسه های امپریالیستی علیه کشورهای مترقی به گفتگو نشستند. پیش از این، وزیر خارجه افغانستان از زمین جنوبی دیدار کرده بود.  
شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در مصاحبه ای با "اخبار مسکو" گفت که هدف عمده گفتگوهای پیشنهادی آن کشور با ایران و پاکستان قطع مداخلات مسلحانه در امور افغانستان و تضمین آنست که دیگر تجاوزی علیه افغانستان صورت نگیرد. شاه محمد دوست اظهار داشت: "افغانستان اتحاد شوروی و ایالات متحده را بعنوان کشور های

شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در دهلی از این دیدار گاندی، نخست وزیر هند، دیدار کرد. در جریان گفتگو میان آنها، شاه محمد دوست خواست صادقانه افغانستان را برای حل مسائل پیرامون کشور خود از راه های سیاسی یاد آورش.  
چندی پیش دولت افغانستان ایران و پاکستان را فراخوانده بود، که در مذاکرات دو جانبه، سه جانبه و یا همه جانبه با حضور دبیر کل سازمان ملل و یا نماینده او به حل اختلافات موجود میان آنها بکوشند.  
بانو گاندی اظهار امیدواری کرد که همه نیروهای ذی علاقه در حل سیاسی مسئله افغانستان شرکت جویند.  
شاه محمد دوست هم چنین با ناراضی موزا تو، وزیر امور خارجه هند دیدار کرد.  
وزیر خارجه افغانستان در کنفرانس مطبوعاتی در دهلی گفتگوهای خود را

### ضد انقلابیون لهستان "کنگره" خود را برگزار کردند

قدرت را در سر می پرورند و قصد آنها دامن زدن به اوضاع وحیم کشور است. به گزارش خبرنگاری "تاس" از ورشو، "جناح افراطی" همبستگی کنگره گدانسک را به جنبشی ضد سوسیالیستی و ضد شوروی بدل کرده است. کنگره به مخالفت آشکار با دولت لهستان و "حزب متحد کارگری لهستان" برخاست. با اصطلاح "فراخوانی به مردم اروپای شرقی" تحریکی علنی و مبارزه طلبی گستاخانه است. سیاستمداران درجه ۳ می خواهند بر ساختار سوسیالیستی کشور های همسایه لهستان تاثیر گذارند و به این وسیله برای کانون های تخریبی امپریالیستی خدمتگداری کنند. این تلاشها محکوم به شکست است، ولی از چهره ریاکار رهبران افراطی "همبستگی" پرده برمی دارد. این آقایان از حد خود پافرا گذاشته اند و از زجر و خشم فراینده رانمی بینند، که فعالیت های تحریک آمیز و ماجراجویانه آنها برانگیخته است و به وخامت وضع دشوار لهستان می افزاید.

اتحادیه "همبستگی" کنفرانس خود را در گدانسک برگزار کرد. سرکردگان این اتحادیه اندیشه احراز قدرت سیاسی را در لهستان در سر می پرورند. کارگران با کمتر از ۲۵ درصد، تنها قلبیتی از نمایندگان کنگره را تشکیل می دادند. از سوی دیگر، گروه ضد انقلابی "کور-کوس" ۱۲۰ نماینده و با اصطلاح "کنفدراسیون لهستان آزاد" ۷۰ نماینده داشت.  
ترکیب نمایندگان طبیعتاً بازتاب خود را در سخنرانی ها و جو عمومی کنفرانس یافت. از ویژگی های این جو تحقیر پایه های سوسیالیسم و حمله به حزب متحد کارگری لهستان دولت و نهادهای انتخابی بود. "همبستگی" در این کنفرانس هم هیچگونه پیشنهاد سازنده ای ارائه نداد. حالب آنکه در جریان برگزاری کنفرانس اتحادیه "همبستگی" مسائل سندیکایی هیچگونه نقشی بازی نکرد. بدین ترتیب، باردیگر ثابت می شود، که رهبران "همبستگی" اندیشه احراز

# احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌ها...

## دنباله با زتاب توطئه بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیری در اعلامیه احزاب و سازمان‌ها

### اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

## با ابراز تنفر و انزجار

### عمل تروریستی و خائنانه

## انفجار بمب در نخست‌وزیری را

### محکوم می‌کنیم

مردم عبور و مرور را بران!

فاجعه انفجار بمب در نخست‌وزیری که به دست مجریان نقشه‌های امپریالیسم آمریکا انجام گرفت ماسفانه به شهادت آقای رجائی رئیس جمهور و آقای باهنر نخست‌وزیر منجر گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شرایط خطیر که دسمی عزم کرده است با ردیلا بهرین و ناجوانمردانه ترین اقدامات، سبب و آراش میهن را برهم زید و بدین وسیله از تحقق اهداف انقلاب و انجام دگرگونی‌های عمیق اجتماعی به سود رحمتکشان و سحر و جادو حامد خلقی کندی و کداری دست‌ساز بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران برچیده شود، همه افشار، طبقات، سازمان‌ها، احزاب و نهادهای انقلابی و مردمی را به مقابله با دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه و درهم فشردن صفوف خویش دعوت می‌نماید. بگوئیم تا با اتحاد و یاباداری خویش نقشه سوم امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران را برای برهم زدن آرامش کشور و راه ندادن جثک داخلی نفس بر آب ساریم.

امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران هم دست وی سداندند که این خیال خامی است که گویا می‌توان این انقلاب را از طریق تروریسم زانو درآورد. آنها عقاید دارائیکه این انقلاب تکیه بر توده‌ها دارد، آنها حیال می‌کنند که این ملت قاصرند از انتخاب دهیاد و دهیاد رجائی و باهنر، تا وقتی که مردم هستند، تا وقتی سپاه هست و سپیج هست تا وقتی نیروهای مردمی و مسلح جمهوری اسلامی در صحه‌اند، تا وقتی که سازمان‌های مردمی و انقلابی بیکیروا و سوار به دفاع از انقلاب ایستاده‌اند، اطمینان داشته‌باشیم که نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران فراری، قطعاً با شکست مواجه خواهند شد.

ما بار دیگر بوجه مقامات جمهوری اسلامی ایران را به اهمیت حفظ جان مسئولین و شخصیت‌های مؤثر جمهوری اسلامی ایران جلب می‌کنیم. ما بوجه مقامات جمهوری اسلامی را نسبت به اهمیت ممانعت از اقدامات استقامت‌جو و بهیروم برداری ضد انقلاب با این اقدامات جلب می‌کنیم. ما تمام مردم و همه نهادهای جمهوری اسلامی ایران را به خویششان داری و هوشیاری و استقامت دعوت می‌نمائیم.

فاجعه شهادت ریاست جمهوری و نخست‌وزیر را به مردم قهرمان میهن، به تمام نهادها و سازمان‌های انقلابی و به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بینانگذار جمهوری اسلامی ایران تسلیت می‌گوییم و برای خلق قهرمان و رزمندگان دلیر جبهه‌های جنگ موفقیت و پیشرفت آرزوی می‌کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۶۰

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران برای بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جامعه

هم میهنان! از محمد

انقلاب اسلامی، که با نشان کبری دقیق به دست کارشناسان زبده عملی گردید، یکی از آن نمونه‌هایی است که سازمان‌های چپینی سیا و موساد ده‌ها سال است در سراسر جهان مستقیماً انجام داده و می‌دهند.

بدینسان امپریالیسم با کشاندن گروه‌های چپ‌رو به اقدامات ماجراجویانه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، بهترین پوشش را برای جنایات گروه‌های تروریستی ساواکی و سلطنت-طلب و ستون پنجم با ثنویستی خود بوجود آورده است. حزب توده ایران بر آن است که مسئولیت بسیاری سکنی در این زمینه متوجه آن رهبران و مسئولان سازمان‌های چپ‌رو و بویژه "سازمان مجاهدین خلق" و "جریک‌های خلق" است که مدعی مبارزه در راه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی هستند، ولی در عمل، با پیروی از شیوه‌های ماجراجویانه و زبان بخل، سنگی به ارزیابی‌های مخدوش و مغلوط، مرتکب جنین استباهاتی شده‌اند و هواداران خود را عملاً بدون نمایان در جبهه ضد انقلاب قرار داده‌اند.

به موازات این ارزیابی درباره رهبران و مسئولان این سازمان‌ها و گروه‌ها، حزب توده ایران همواره بر آن بوده‌است که در این سازمان‌ها و گروه‌ها اکثریت مطلق افرادی که در این سازمان‌ها و گروه‌ها کار کرده‌اند، جوانان میهن دوست، مبارز و انقلابی هستند که نثارهای استقلال طلبانه، آزادی خواهانه، مردمی و ترقی خواهانه این سازمان‌ها را راجع کرده‌است.

این جوانان، به علت کمی تجربه و کمی آگاهی سیاسی در برخورد با مسائل تفرنج اجتماعی انقلاب ایران، که دارای ویژگی‌های بسیار پیچیده‌ای است، نتوانستند راه درست را تشخیص دهند و با پیروی از نوعی تعصب عقیدتی و سازمانی، به دنبال رهبران و مسئولان خود در دام دشمنان سوکنند خورده، انقلاب شکوهمند مردم میهن را افتاده‌اند.

حزب توده ایران اعتقاد دارد که می‌توان این جوانان پر شور و مبارز را نجات داد و طرفیت انقلابی آنان را در راه سازندگی انقلاب به کار گرفت. ولی این کار در صورتی ممکن است که همه نیروهای راستین هواداران انقلاب همه‌مکانات موجود را در این راه به کار گیرند، تا این برخورد خونین خانگی پایان یابد. بدون تردید در این زمینه وظیفه در جاده به عهده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران - مجلس، دولت و نهاد های مسئول انقلابی است.

حزب توده ایران بر آن است که شیوه برخورد انتقام جویانه نسبت به افرادی که مستقیماً در عملیات تروریسم و خرابکاری شرکت نداشته‌اند، نه تنهائی می‌تواند ریشه‌های این برخورد خونین را خشک کند، بلکه زبان‌های جدی به کامیابی تلاش‌های عقلانی برای مستقر ساختن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی وارد می‌سازد.

باید امکان آن را بوجود آورد که افراد و استنها این سازمان‌ها، که سلماً زیر تاثیر رویدادهای ماه‌های اخیر، چه در درون سازمان خود، چه در جامعه ایران و چه در صحنه جهانی و به ویژه زیر تاثیر وصیت‌نامه سعادت، به فکر افتادند، فرصت یابند تا نه در محیط ترس و وحشت شبانه روزی و خطر مرگ در صورت گرفتاری بلکه در محیطی آرام و اطمینان به زندگی آزاد و آزادی اندیشه، موضع گیری سیاسی تاکنون خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند. تجربه سعادت نشان داد که فرصت یافتن برای تفکر، تا چه اندازه می‌تواند سودمند باشد.

حزب توده ایران اطمینان دارد که یک چنین شیوه‌ها تنها چنین شیوه‌ای می‌تواند به طور مؤثر کمک کند، تا جبهه نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما از بیماری خوره‌ای که بدان گرفتار شده‌است، رهائی یابد. ماضی این که برخورد قاطعانه با افرادی را که عملیات تروریستی و خرابکاری و بمب گذاری را رهبری می‌کنند و انجام میدهند، ضروری دانیم گسترش اعمال قهر را به افرادی که عضو و یا هوادار این سازمان‌ها هستند، برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب سودمند نمیدانیم. برعکس، ما عقیده داریم که زیاد فروی در اعمال قهر نسبت به افرادی که در مرحله‌ای از انقلاب دچار اشتباه شده‌اند، زبانه‌های جبران ناپذیری به اتحاد نیروهای راستین هواداران انقلاب وارد می‌سازد.

تاریخ جامعه بشری از دوران بردگی تا امروز، نشان داده‌است که با ترور و کشتار از یک سو و با اعدام و زندان از سوی دیگر، هر اندازه هم که بر دامنه باشد، نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جا گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری را که در مغز حاکم‌ها رفته‌اند، اگر نادرست باشند، تنها

از راه ارشاد و اقناع می‌توان با افکار و اعتقادات درست جانشین ساخت. حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی، به ویژه در این لحظات حساس و سرنوشت ساز انقلاب ایران، و با اعتقاد به آنچه در بالا یادآوری شد و با تکیه بر این هشدار بسیار با اهمیت، امام خمینی، به دادگاه‌های انقلاب، به تمام محاکم توجه می‌دهد. ما با این شرارت‌ها باعث شود کنترل خود را از دست بدهند و زمانه بر قانون اسلام عمل کنند. ما باید یک وقت شهادت عزیزان، اسباب این بشود که با شدت عمل بیشتر از آن مقداری که باید به آن‌ها عمل شود. پیشنهاد می‌کنند که:

۱- صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضای و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، مانند "سازمان مجاهدین خلق"، "جریک‌های اقلیت" و نظائر آنان، که مستقیماً در جریان ترورها، تحریک مردم به قیام، بمب گذاری‌ها و خرابکاری‌های انجام شده دخالت نداشته‌اند، متوقف گردد.

۲- از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چهار چوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

۳- اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی، که قانون اساسی را محترم می‌شمارد، بدون خدشه به موقع اجرا گذاشته شود. ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از حادثه جوان حرفه‌ای و اصلاح ناپذیر و هم چنین از ساواکی‌ها و سلطنت طلبان و جناحینکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و آنان را، بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و نیرنگ، صادقانه به زندگی عادی سیاسی قانونی باز خواهد گرداند.

ما اطمینان داریم که یک چنین بر - خورده ده‌ها هزار خانواده وابسته به مبارزان پاسدار و "مجاهدین خلق" و "جریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که اکنون در تب و لرز شبانه روزی مرگ فرزندانشان، در دو جهت این درگیری خونین، به سر می‌برند و هر روز به سود دشمنان انقلاب میهن ما، نسبت به هم کینه بیشتری به دل می‌گیرند، از این وضع دردناک نجات خواهد بخشید و به بازگشت و تحکیم آرامش درونی جامعه میهن ما، که برای تجهیز همه نیروها علیه توطئه‌های هر روز در حال گسترش دشمنان انقلاب ضرور است، به طور مؤثری کمک خواهد کرد.

حزب توده ایران آن عده از مسئولان "سازمان مجاهدین خلق" و "جریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج های ضد امپریالیستی، آزادی خواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهد و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که بر دوش دارند، از آن‌ها می‌طلبد که بدون درنگ، با پذیرفتن ارتکاب جورانه، هم‌زمان سعادت تمام نیروی خود را برای خشن کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این برخورد خونین خانگی به کار اندازند.

به نظر حزب توده ایران سود ادامه این برخورد هائتها و تنه‌ها به کیسه ارتجاع و ضد انقلاب داخلی و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیری شود و زبان‌های جبران ناپذیر آن، مانند آواری به سر محرومان و زنان مردان آزاده جامعه، مافرو خواهد ریخت. حزب توده ایران همه افراد و هواداران صادق "مجاهدین خلق" و "جریک‌های اقلیت" و نظائرشان را فرامی‌خواند که در سایه رویدادهای آموزنده و در درازمه‌ها و هفته‌های اخیر، موضع گیری سیاسی و عملگر در سازمان خویش را مورد بررسی انتقادی قرار دهند و تا فرصت باقیست خود را از بی‌راهی‌های که در آن گام نهادند، بیرون آورند و به اردوی عظیم نیروهای راستین هواداران انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما بپیوندند.

حزب توده ایران همه مبارزان راستین راه انقلاب ایران را فرامی‌خواند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۶۰/۶/۱۵

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۱۰)

# بنی صدر در رأس "جبهه متحد ضد انقلاب" حمله را آغاز می کند

به آخرین فصل زندگی سیاسی بنی صدر رسیده ایم. فصلی که قرار بود بهار آمریکا باشد اما به همت توده های میلیونی خلق و به رهبری امام خمینی، به یکی از سردترین و سیاه ترین روزهای زمستان آمریکا و وابستگانش بدل شد. و چنین بود که تنها در عرض چند روز از "سپهسالار بنی صدر" نقشی بیش نماند، که آن نیز در "جبهان دوم" به خاک سپرده شد!

و حالا ۱۴ اسفند: "سپهسالار بنی صدر" قرار بود در این روز، به مناسبت بزرگداشت دکتر محمد مصدق، در دانشگاه تهران سخن رانی کند. از سببیه ها و زمینه چینی ها معلوم بود که این روز یک مراسم عادی نخواهد بود. "جبهه متحد ضد انقلاب" برای ۱۴ اسفند، برنامه هایی داشت. جبهه های که دیگر رسمیت یافته بود و در آن، هم سازمان های ضد انقلابی و هم سازمان هایی که در دام ضد انقلاب افتاده و به همکار آن تبدیل شده بودند، شرکت داشتند.

و یا: ... می خواهند به هر قیمت حاکمیت چماق برقرار کنند و بر مردم است که با تمام قوا ایستادگی کنند و چماق را بشکنند... (همان جا - از مصاحبه بنی صدر با انقلاب اسلامی)

روزنامه "انقلاب اسلامی" دیگر صریحا به ما توضیح نام بنی صدر مسلمان نما تبدیل شده بود و "محرران برنامه" (بخوان: جاسوسان "سا") که دیگر همه چیز را برای شروع حمله به جمهوری اسلامی ایران آماده می دیدند، حمله را آغاز کردند. - حمله مستقیم و با کمک گیری از هر چه بدستشان می رسید:

انقلابیون هم صدابود: ... ماجرای گروگان گیری به دولت ایران لطمه بزرگتری وارد ساخت، چرا که دولت عراق بایر بر داری از انزوای دولت ایران به خاک آن کشور حمله برد... (۲۶ دی ۵۹)

ساز را دیوبختیار هم نوای یکسانی را کوک می کرد:

... پیامدهای ملموس گروگان گیری چون جنگ با بیکاری، بحران اقتصادی و کمبود، مطمئنا سبب غفلت از اثرات بسیار عمیق تر و فاجعه آمیز تر آن نمی شود... (۷ بهمن ۵۹)

کار روزنامه "انقلاب اسلامی" در این مورد به حاشی رسید که سختگوی "هیئت سه نفری حل اختلاف"، روز ۱۶ اردیبهشت ۶۰ رسماً اعلام کرد که:

... روزنامه انقلاب اسلامی در طرح مسئله گروگان ها تخلف قطعی از فرمان امام کرده است... (روزنامه انقلاب اسلامی)

## بهبانه "دانشگاهها"

پس از مسئله گروگان گیری، موضوع بسته بودن دانشگاهها توسط بنی صدریون علم شد. البته بدون اشاره به اینکه بنی صدر، در میتینگ به مناسبت بستن دانشگاه، سخنران اصلی بود... وقتی بدل نهایت (ظ. عنایت) شود که دانشگاههای ماهنوز بسته اند و معلوم نیست، چه کیفیتی و تحت چه شرایطی گشوده خواهد شد... و اکثر مستضعفین و اهل فن، یایه اجبار گوشه اعتکاف جسته اند و یایه دیدار غربت روانه شده اند، بر شوربختی این ملت تاسف خوردن کمترین کار است... (۱۵ اردیبهشت - سرمقاله انقلاب اسلامی به قلم سید حسین نواب صفوی)

بنی صدریون برای اینکه از تاسف خوردن کمی بیشتر کار کرده باشد، برگزاری سمیناری به منظور "رسیدگی به مسائل دانشگاهی" را نیز

با عمل "گروگان گیری" جاسوس های آمریکائی مخالف بودند، ناگهان انقلابیونی چند آتشه از آب درآمدند، که اگر می توانستند، البته در حرف، ریگان و سناتورهای آمریکایی را هم یک جا گروگان می گرفتند، البته به رهبری "سپه سالار بنی صدر"...

... باید امیدوار بود که این بار چرتکه انداختن و رسیدگی دقیق به مطالبات آمریکا از ایران بتواند ذره ای از این دریای بیکران را به دست ملت ایران بازگرداند و مسیبین حیف و میل غیر قابل بخشش اموال را در پیشگاه ملت به محاکمه بکشاند... بیانییه (الجزایر) در حقیقت فقط برای حل مسئله گروگان گیری در جهت منافع آمریکا طرح ریزی شده است... (۱۵ اردیبهشت ۶۰ - از مقاله بنی صدر در انقلاب اسلامی)

و یا اعلام جرم بنی صدر علیه رئیس جمهور شهید رجائی به علت: "تخلف از قانون راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا، برداشت و اختلاس از وجوه دولت ایران به نفع اتباع و موسسات آمریکائی... (۸ اردیبهشت ۶۰ - از نامه بنی صدر به رئیس مجلس)

و عبا! گوینده این سخنان کسی بود که برای آزاد کردن "گروگان" ها بدون کمترین تعهدی از جانب آمریکا با کارتر ساخت و پاخت کرده بود. (به شماره های قبل مراجعه کنید)

البته همه اینها با جنجال یکی دیگر از روزنامه های پیرو "خط برژینسکی"، یعنی "میزان" درباره حل مسئله "گروگان گیری" و به

... این روزها بیش از هر زمان دیگری ناباوری مزن و تاریخی ملت به حکمرانان خود ابعادی تازه به خود گرفته است... این روزها بیش از هر زمان دیگری آثار سقوطی وحشتناک احساس می شود... (۱۹ اسفند - ۵۹ - سرمقاله انقلاب اسلامی)

آری، بنی صدریون و سایر ضد انقلابیون شمارش معکوس برای سقوط جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده بودند:

... این حادثه (۱۴ اسفند) جمهوری اسلامی و قوای سه گانه آن را در معرض یک آزمایش سرنوشت ساز قرار داده است و اینکه آیا جای حکومت سرنیزه پهلوی را حکومت قانون می گیرد یا حکومت چماق... (۱۸ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی - از مصاحبه بنی صدر)

صاحبان حکومت چماق که بودند و صاحبان حکومت قانون کیان؟

... تا بحال سازمانها و گروه های متعددی طی بیانییه های جداگانه ای آمادگی خود را برای شرکت در این مراسم بزرگداشت (مصدق) اعلام نموده اند که از جمله این گروهها، جاما، نهضت آزادی ایران، حزب ملت ایران، سازمان مجاهدین خلق، انجمن تعاون هنر مردمی ایران، جمعیت ملی استادان دانشگاه های ایران برای شرکت در این مراسم اعلام آمادگی نموده اند... (۱۳ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

اگر توجه داشته باشید که "انجمن تعاون هنر مردمی ایران" و "جمعیت ملی استادان دانشگاهی" توسط حزب سیاسی ساخته و یکن پر داخته "رنجبران" ایجاد شده بود، و اگر نام "جبهه ملی" و "حزب رنجبران" را، که رسماً و "بیکار" و "اقلیت" را، که تلویحا اعلام مشارکت کرده بودند، به این سباه اضافه کنید، "جبهه متحد ضد انقلاب" که، "رنجبر" قبلا اساسی اعضای آن را نوشته بود (به شماره قبل مراجعه کنید) تکمیل شده است. ساواکی ها هم که هیچوقت برای شرکت در مراسمی اعلامه نمی دهند!



بر عهده گرفتند، که حتما می توانید گرداننده این سمینار را حدس بزنید: "دفتر هماهنگی همکاری های مردم پارسی جمهوری" (۱۵ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی)

بعد برگزاری هفته "بررسی بحران دانشگاهها" و آخر سر هم اینکه:

... هیچ نوع استبدادی را بر دانشگاه نمی توان حاکم کرد... (۱۳ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی - بنی صدر)

البته، طبق معمول، گروهک آمریکا - ساخته و چین یرداخته "رنجبران" هم بیکار نبود:

... حاکمین کنونی دانشگاهها را باز نخواهند کرد و چپ روی گروهها نیز بهانه به دست مستبدین می دهد، دانشگاه باید با بسیج و تشکل دانشگاهیان و مردم گشوده شود... (رنجبر شماره ۱۴۸ - از مقاله استبداد از دانشگاه می ترسد)

و بعد هم تبلیغ اینکه مملکت در حال سقوط است:

اصطلاح نظر خواهی درباره آن نیز همراه بود. آنهایی هم که با برژینسکی ها به مذاکره نشستند و به شدت از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" خشمگین و متاسف بودند با بنی صدر هم صدا شدند که: "... ما سؤال می کنیم آیا در شأن جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران بود که برای آزادی گروگانها بزرگترین قرارداد های اقتصادی را با آمریکا امضاء کنند... (۱۵ اسفند ۵۹ - سخنان دکتر یزدی - انقلاب اسلامی)

"رنجبر"ی های معلوم الحال هم بیکار نبودند:

... سازش با شوروی، نرمش با آمریکا، اینست کارنامه یک ساله "گردانندگان گروگان گیری... تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و گروگان گیری... نتایج و عواقب عمدتاً منفی و مخربی برای انقلاب ما به بار آورد... (رنجبر - شماره ۱۵۲)

رادبو بی بی سی، "بلندگوی امپریالیسم انگلستان، نیز با این خیل ضد-

"دست اندر کاران دروغ بازیگران جلوه گر سیاست روز شده اند (جناب پیرو خط امام) و آن ها که نه چنین می کنند (جبهه ضد انقلاب به رهبری بنی صدر) گوشه نشین خانه ها هستند... همه به خوبی می دانیم که اسلام و وطن در خطر است... و اما تشاچیان فعل پذیر کمیدی ریا شده ایم... (۱۹ اسفند ۵۹ - سرمقاله انقلاب اسلامی)

ولایت بر این "تماشاچیان فعل پذیر" بود که: "مجلس بزرگ سوگاری... (همان جا) انقلاب را برپا دارند. و برای برپائی این به اصطلاح مجلس سوگاری بود که ضد انقلابیون هر روز به بهانه ای جدید به آشفتگی هر چه بیشتر جو مملکت دامن می زدند.

## بهبانه "گروگانها"

ابتدا کوشیدند جنگ در طناب "گروگان گیری" بزنند، و به همین دلیل، آنانی که از ابتدا خود را با آمریکا در جنگ نمی دیدند و

بنی صدر جهت مراسم آغاز شد، بنی صدر پشت به پشت پیروان "خط برژینسکی پشت میکروفون رفت و پرده را کنار کشید:

... توهین به رئیس جمهور این ملت توهین به این ملت است، و این ملت توهین به خود را تحمل نخواهد کرد... (۱۳ اسفند - سخنرانی بنی صدر در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق)

و سپس حرف آخر:

... از من می پرسید که چه باید کرد؟ من به شما می گویم که تعهد ما (باید) دو جانبه باشد. من تعهد سیرده ام که به انقلاب اسلامی خیانت نکنم... شما هم فراموش نکنید تعهد سیرده اید که حمایت کنید... (از همان نطق)

در این روز، آنچنان که همگان به جریان آگاهی دارند، "سپهسالار بنی صدر" دستور حمله به مخالفان را صادر کرد و گارد ریاست جمهوری به اتفاق میلیشای مسعود رجوی، زد و خورد هایی راه راه انداختند که یا دیده اید یا شنیده اید. بعد هم بنی صدر کارت هایی را که متعلق به نهادهای انقلابی بود و ظاهراً از دستگیر شدگان بدست آمده بود پشت میکروفون خواند، تا زمینه حمله به نهاد های انقلابی کاملاً فراهم آید. بنی صدر که بیش از این گفت بود:

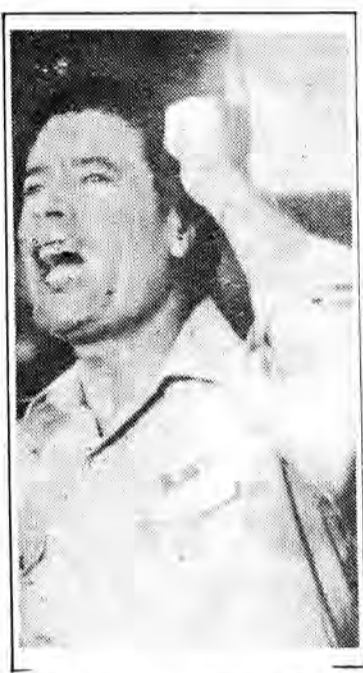
"دو سال است به عده های چماق دار نمی توانیم حالی کنیم که کشور به وسیله چماق قابل اداره نیست... (۱۴ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی) اینک می رفت، تا به خیال خود، به کمک چماق مسعود رجوی و گارد ویژه خویش، با چماق حکومت کند. به دنبال این وقایع، تا چند روز جو متشنجی در کشور بوجود آمد که مسائل و مشکلات اصلی مهن ما، از قبیل توطئه های گوناگون دشمنان انقلاب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و جنگ، راه فراموشی سیرد، روزنامه "انقلاب اسلامی" در همین روزها، بنا به گفته گردانندگان آن، "نایاب" می شد و خلاصه هر چه بود حمله بود و تشنج و بحران آفرینی:

... مردم بدانند که این جانب ایستاده ام و یقین داشته باشم که پیروزی - شوم... (۱۸ اسفند ۵۹ - سرمقاله انقلاب اسلامی به قلم بنی صدر)

# توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری انقلابی و مردمی لیبی

امپریالیسم آمریکا دخالت در امور کشورهای مستقل را حق طبیعی خود می‌داند.

آمریکا بازگردند. نوشته "تایم" (۹ شهریور ۱۳۶۰)، بیشتر آمریکا بی‌بی‌سی می‌داند. دیگر فرآخوانهای مکرر دولت خوش را نادیده گرفتند.



به اعتراف "نیوزویک" (۹ شهریور ۶۰)، "واشنگتن" همچنین کوشیده است "همسایگان آفریقایی لیبی" را، که گوید در برابر "تجاوز" این کشور در موقعیت حساسی قرار دارند، در برابر لیبی علم کدوید آنها کمک برساند. این هفته نامه در این زمینه از تونس و سودان و مصر نام می‌برد. "کاخ سفید" از "کنگره" خواسته است، تا برای مقاله با این خطر موهوم بودجه کمک نظامی آمریکا را به کشورهای نامبرده افزایش دهد. چند هفته پیش، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که تا تک-های "ام-۶۰" به تونس خواهد فروخت به سخن "نیوزویک" (۹ شهریور ۶۰) ایالات متحده ممکن است در اقدامی پنهانی تر به دولت وابسته به غرب موریتانی کمک برساند.

مداخله در امور داخلی دیگر کشورهای پیوسته یکی از ویژگیهای برجسته سیاست خارجی دولت امپریالیستی ایالات متحده آمریکا بوده است. این ویژگی، که با اعلام به اصطلاح "منافع حیاتی آمریکا" از سوی کارتر شدت گرفت، در دوران ریاست جمهوری ریگان بجای رسیده است که امپریالیسم ایالات متحده دخالت در امور کشورهای مستقل را "حق طبیعی" خود می‌داند. این مداخله جویی چنان گستاخانه شده است که حتی برخی از دیپلماتهای غربی از "ابتذال سیاست خارجی کاخ سفید" سخن می‌گویند. نمونه بارز این مداخله تجاوزکارانه را چندین است که در کارزار ضد لیبی "واشنگتن" می‌بینیم. به نوشته "نیوزویک" (۹ شهریور ۱۳۶۰)، علت این "جنگ اعلام نشده" آمریکا علیه لیبی است که:

چنانکه چندی پیش خبرگزاری ها گزارش دادند، چند جنگنده آمریکا بی "اف-۱۴" متعلق به ناو هواپیمابر "نی میتر" دوهوایمای گشتی لیبی را بر فراز خلیج "سدرا" سرنگون ساختند. نخست باید پرسید که: این هواپیمابر حامل پنج هزار سرباز و در حدود ۱۵۰ هواپیمای جنگنده، بمب افکن و گشتی در سواحل لیبی، یعنی بیش از ۸ هزار کیلومتر دور از بندرهای خودی چه می‌کند؟ ناظران در این زمینه خاطر نشان می‌سازند که هر جا امپریالیسم آمریکا خلق - های جهان را به اعمال قهر نظامی تهدید می‌کند و با عملیات قهر دست می‌یازد، این بزرگترین و مدرن ترین هواپیمابر ایالات متحده آمریکا سر و کله اش پیدا می‌شود.

چنانکه "نیوزویک" (۹ شهریور ۱۳۶۰) اعتراف می‌کند، انتقال مانور ناوگان ششم ایالات متحده به سواحل لیبی تصادفی نبوده است. این هفته نامه به نقل از "مخالف مطلع" می‌نویسد که:

- امپریالیسم آمریکا هیچگاه پشتیبانی مردم و دولت لیبی را از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران نبخشیده است.
- آمریکا نقشه استفاده از مصر و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب را برای سرنگونی دولت کنونی لیبی طرح ریخته است.
- امپریالیسم آمریکا قانونی جز "قانون هفت تیرکشان و منطقی جز "منطق گاوچرانان نمی‌شناسد.

"واشنگتن" می‌خواست از اینراه "واکنش لیبی" را آزمایش کند. به اعتراف بسیاری از دیگر روزنامه‌های کشورهای غربی نیز "ماجرای خلیج سدرا" تحریکی آشکار و هدفمند بود. "بازارتسایتونگ" می‌نویسد: "این رویداد از پیش برنامه ریزی شده بود." روزنامه فرانسوی "لوماتن" سرنگون ساختن دوهوایمای لیبی را "قدرت نهایی جدید" می‌خواند. از سوی دیگر روزنامه "فولکس بلات" می‌پرسد:

"آیا امروزه می‌توان هدفمندانه سیاست قدرت نمایی را در پیش گرفت، بدون آنکه با آتش بازی کرد؟" "نیوزویک" می‌نویسد: "کارزار دولت آمریکا علیه قذافی، در بهترین حالت، ماجراجویی خطرناکی است." "ماجرای خلیج سدرا" یا به گفته خبرگزاری لیبی، "اقدام تحریک آمیز علیه خلق لیبی" به هیچ‌روی تصادفی نیست بلکه جزئی از سیاست روبرویی هارترین محافل امپریالیستی را تشکیل میدهد. لیبی این توطئه نظامی بازهای امپریالیستی را به شدت محکوم کرد و آنرا "مبتنی بر قانون هفت تیرکشان و منطق گاوچرانان" خواند، که "تنها زبانی است، که ایالات متحده می‌فهمد". چنانکه با سرعت رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین" خاطر نشان ساخت، عملیات راهزانه آمریکا در "خلیج سدرا"

باز هم به نقل از "نیوزویک" (۱۲ مرداد ۶۰)، این توطئه درست به "کارزار - های کلاسیک ایجاد عدم ثبات" از سوی "سیا" می‌ماند، که از سه جز تشکیل می‌شود: (۱) "برنامه" بخش اطلاعات نادرست (به کمک امپریالیسم خوری)، (۲) ایجاد یک "ضددولت" برای مقابله با "ادعای (قذافی) مبنی بر به دست داشتن رهبری ملی" (مانند "دولت" های بختار، اویسی، بنی صدر - رجوی وغیره)، (۳) "گسترش کارزاری شبه نظامی ... بدست ناراضیان (از رژیم)، انفجار پلها، عملیات پارتیزانی محدود" برای اثبات "این امر، که نیروی سیاسی بر توانی" مخالف رژیم است. (بخوان: تروریسم).

هر چند "تایم" در شماره ۹ شهریور ۱۳۶۰ ادعای کند که گزارش های مبنی بر توطئه قتل قذافی از طرف "سیا" اشتباه بوده است و بدین ترتیب خود را مطلع تر از اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی جامی زند، ولی همقطار او "نیوزویک"، در همان تاریخ باردیگر از "نقشه" دراز مدت ثبات زبانی "سیا" علیه لیبی سخن می‌گوید: "سیا" نقشه‌ای صبورانه برای ثبات زدایی (رژیم لیبی) و سرنگونی نهایی قذافی تهیه دیده است. نقص اصلی این نقشه آن است که این رهبران انقلابی در لیبی از قدرتی مستحکم - بویژه در میان بنیادگرایان مسلمان جوان - برخوردار است، که برای "سیا" نیروی مخالف قابل توجهی برای استفاده باقی نمی‌گذارد. با توجه به کوشش فاجعه آمیز جان اف. کندی برای سرنگونی فیدل کاسترو، دولت ریگان در صدد است که با احتیاط پیش برود. ... روش ریگان آن است که آهسته و بدون اعمال قهر به استخدام عوامل قابل اطمینان از میان تبعیدیان لیبیایی بپردازد و کار بطنی و خستگی آور ایجاد پوزیسیون پیروان را بر تحرک علیه قذافی آغاز کند.

انور سادات با توهین مکرر به رهبر لیبی و توصیف او بعنوان "دیوانه" و بیمار روانی و غیره، یگانه خویش، مراتب سیاسی سازی خویش را از مراسم آریات آمریکا آرازد داشته است.

چندی پیش، روزنامه "دنویورک دیلی نیوز" گزارش داد که دولت ریگان مشغول طرح نقشه‌ای است که استفاده از مصر و دیگر کشورهای "مانرو" عرب را برای سرنگونی دولت کنونی قذافی پیش بینی می‌کند.

دولت آمریکا نه تنها خود علیه لیبی توطئه می‌کند، بلکه متحدان خویش را نیز به همدستی و دسیسه پردازی علیه این کشور برمی‌انگیزد. "واشنگتن" همیشه یکی از مشوقان دوا نشه - ساست نواستعماری فرانسه در جاد بوده است و از احتیاط بیشتر میتران در این زمینه چندان خشنود نیست.

چند هفته قبل پس از استعفا

- تحریرات خلیج سدرا از پیش تدارک دیده شده بود.
- جزئیات دسیسه "سیا" برای براندازی رژیم مترقی لیبی فاش شد.
- چرا کاخ سفید نشانیان دچار عتبه لیبی شده اند.

"مصر قذافی، مرد قدرتمند لیبی، از هنگامیکه ده سال پیش قدرت را بدست گرفت، کشور خویش را بسوی رویاویسی با منافع آمریکا رهبری می‌کند. ... دولت ایالات متحده معتقد است که قذافی خطری برای همسایگان آفریقای شمالی خود، صلح خاورمیانه و حتی رژیم های دوردست هواخواه غربی چون فیلیپین بشمار می‌رود. از این روست، که دولت ریگان می‌کوشد تا او را بعنوان یک نیروی سیاسی و نظامی موثر خنثی سازد."

"جنگ اعلام نشده" "واشنگتن" علیه لیبی تاریخچه طولانی دارد. در زمره آنها چند نمونه: موضع گیری خصمانه و مداخله جویانه آمریکا در سال جاری در برابر لیبی برمی شمیریم.

جنگ به اصطلاح "نیوزویک" "نه چندان سرد" ریگان علیه لیبی در ۲۶ اردیبهشت سال آغاز شد. دولت آمریکا "دفتر خلق" (سفارت) لیبی را در "واشنگتن" تعطیل کرد. و دیپلمات های لیبیایی را مجبور کرد که در طرف پنج روز خاک آمریکا ارتکاب گویند. وزارت خارجه آمریکا برای توجیه این گام به دستاویز بوج "رفتار تحریک آمیز" مقامات سفارت و پشتیبانی دولت لیبی از "تروریسم بین -

المللی" توسل جست، یعنی درست دو ویژگی بارز سیاست خود آمریکا در قبال لیبی، و نه تنها در برابر این کشور، تعطیل سفارت لیبی در "واشنگتن" هیستری گسترده ضد لیبی و "شکار" دانشجویان انقلابی این کشور را در ایالات متحده آمریکا بدینال داشت - روشی که امپریالیسم آمریکا مدت ها است نسبت به ایرانی های پیرو انقلاب مقیم آمریکا اعمال می‌کند.

در چارچوب این هیستری ضد لیبی و ضد قذافی، دو "نویسنده" معلوم الحال آمریکایی، بنام های "لاری کالینز" و "دومینیک لاپیر" در یک رمان بولوار و "تخلی" خود قذافی را بعنوان "قهرمان" شناخته شده ای نیویورک معرفی می‌کنند. در همان روز تعطیل سفارت لیبی، دولت آمریکا شهروندان خود را در لیبی فراخواند، تا آن کشور را ترک گویند و به

نه تنها خطری است برای لیبی، بلکه همچنین تهدید خلق های عرب به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، کاغذی بازی ریگان و جدو و جفایان مرتجع و عوامل سرسپرده آمریکا، بویژه در خاور میانه برانگیخت. "نیوزویک" (۹ شهریور ۱۳۶۰) به نقل از یکی از مقامات مطلع قاهره می‌نویسد:

"اگر قرار بود سادات چیزی بگوید شاید می‌گفت که آمریکا ثبها بر آنچه، که وی بارها "عقده" ویتنام" نام نهاده است، سرانجام غلبه کرده اند."

در اسرائیل مناخیم بگین فریاد بر آورد که تجاوز نظامی ایالات متحده "دفاع از خود بود - درست مانند حملات هوایی ما به تجهیزات هسته ای عراق و مقر سازمان آزادی بخش فلسطین!" و اما چرا محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا اکنون به واقع دچار "عقده لیبی" شده اند؟

علت این امر باید در سیاست ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه این کشور حس است لیبی بموقع پایگاه های نظامی آمریکا و بریتانیا را در خاک خود تعطیل و کارگران آنها را از کشور اخراج کرد. این کشور به ملی کردن شرکت های نفتی امپریالیستی دست زد. لیبی یکی از مستکبران و فعالان "جبهه پایداری اروپا - دوی" شمار می‌رود و پیوسته با قرارداد های "کمپ دیوید" و سرهم بند کردن گروه بندی های نظامی تجاوزکار در خاور میانه به مخالفت برخاسته است. این کشور بدرستی مسئله فلسطین را هسته مسئله خاور میانه شمرده و از "سازمان آزادی بخش فلسطین" پشتیبانی کرده است - همان سازمانی، که "واشنگتن" آن را "سازمانی تروریستی" می‌خواند، گرچه سازمان ملل متحد "سالمه است که آن را به رسمیت شناخته است. لیبی همیشه همبستگی بیدریغ خود را با مبارزه جنبش - های آزادی بخش ملی ایران داشته است، همان پدیده های که ریگان بر آن برجست "تروریسم بین المللی" میزند. ضمنا ریگان "فراموش" کرده است که این خود لیبی بوده است که از سازمان ملل متحد خواستار برگرزاری کنفرانسی ویژه برای مقابله با "تروریسم راستین" شده است. معمر قذافی در این باره افزوده است که باید میان "تروریسم" و "مبارزه آزادی بخش" فرق گذاشت. و سرانجام از یاد تبریم، که دولت آمریکا و رسانه های گروهی امپریالیستی، چون "نیوزویک" و "تایم" (از جمله در شماره ۹ شهریور ۱۳۶۰) خود هنوز از تظاهرات وسیع دو سال پیش مردم طرابلس علیه تجاوزات آمریکا نسبت به ایران با سخنانی کینه - توزانه یاد می‌کنند و پشتیبانی رژیم مترقی لیبی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آنها را اس خشمگین ساخته است.

مگر نه آنکه حنا یات امپریالیسم آمریکا در ایران (و گواتمالا، جمهوری دومینیک، شیلی، ویتنام و السالوادور و ...) و اینک علیه لیبی بارزترین نمونه های تروریسم بین المللی است؟



جنگنده متجاوز آمریکا

اما ماجرای "خلیج سدرا" نشان داد که دولت ریگان در دسیسه های خود علیه لیبی با گامهای نه چندان "بطنی" و عملیاتی نه آنقدر بری از "قهر" به سوی ماجراجویی های حدی پیش می‌رود.

مبارزه خلق ها بر ضد سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا گسترش می یابد.

تلاشهای امپریالیسم آمریکا، در زمینه تدارکات گسترده، جنگی و توطئه های نظامی و تحریکات ماحراجویانه علیه رژیمهای انقلابی و جنبش های رهایی بخش ملی در مناطق مختلف جهان، با موج اعتراض و نفرت خلق های جهان روبرو می شود. این تلاشها در عین حال که صلح و امنیت خلق ها و استقلال کشورهای ترقیخواه را در معرض خطرهای جدی قرار می دهد، موجب گسترش جنبه صدامپریالیستی خلق ها و انسجام و اتحاد بیشتر نیروهای ملی و دموکراتیک در جنبه پیکار علیه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته آن می گردد.

بیانیه مشترک سران کشورهای جمهوری دموکراتیک خلق چین، لیبی و اتیوپی که پس از دیدار و گفتگو میان رهبران سه کشور نامبرده انتشار یافت، نمودار برجسته ای از درک عمیق مسئولیت رهبران رژیمهای انقلابی و مستقل ملی در زمینه اتحاد و همبستگی نیروهای ضد امپریالیستی در برابر تهدیدات نظامی و نقشه های مداخله گرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه کشورهای مستقل ملی و رژیمهای ترقیخواه و همه نیروهای صلح جو و استقلال طلب در منطقه و جهان است.

بیانیه مشترک رهبران لیبی، اتیوپی و جمهوری دموکراتیک خلق چین در ششم شهریور ۶۰ در طرابلس، عدن و آدیس آبابا انتشار یافت. در این بیانیه آمده است:

رهبران هر سه کشور، سیاست تروریستی و تجاوزکارانه آمریکا را علیه رژیمهای مترقی جهان و نیروهای آزادیخواه و توطئه های وابستگانش را به منظور از بین بردن رهبران این رژیمها و نیروها به شدت محکوم کردند.

در این بیانیه رهبران سه کشور، پس از بررسی تحولات اوضاع جاری منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، نگرانی عمیق خویش را از دگرگونی های خطرناک در این مناطق ابراز داشته و علت این امر را گسترش فعالیت های تحریکات میر و مشکوک محافل امپریالیستی خوانده اند. رهبران سه کشور سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را که احداث پایگاه های متعدد نظامی در منطقه و دادن اسلحه و امکانات و تسهیلات نظامی دست نشاندگان مانند سومالی، مصر، عمان، بخشهایی از آن است، محکوم کردند.

در بررسی اوضاع بین المللی، رهبران سه کشور تأکید کامل خود را از نقش مثبت و مهم "جنبش غیرمتعهدها" در پیکار با خطر حفظ ثبات و صلح بین المللی و حمایت از مبارزات خلق ها می دانند که در راه آزادی و پیشرفت می رزمند. اعلام داشته "جنبش غیرمتعهد" هارا یکی از عناصر مهم ثبات بین المللی ارزیابی کرده اند. در تحلیل و بررسی اوضاع آسیا، رهبران سه کشور تأکید خود را از دو انقلاب افغانستان و کامبوج اعلام کرده مداخله امپریالیسم را در امور داخلی این دو انقلاب محکوم کرده اند.

رهبران سه کشور نسبت به اوضاع بین المللی، بعلا گسترش فعالیت های امپریالیستی که هدفش افزایش تشنج و اختلال در امر همزیستی مسالمت آمیز و تشنج زدائی است، و نیز نسبت به تولید میب نو ترونی و استقرار شبکه موشکی در اروپای غربی و گسترش مسابقات تسلیحاتی و ایجاد تقویت پایگاه های نظامی و اعمال سیاست های تروریستی علیه خلقها، و عمدا ابراز نگرانی کرده و سیاست امپریالیستی را که امنیت و صلح بین المللی را به مخاطره افکنده است محکوم ساخته اند.

رهبران سه کشور از کوششهای متحد نیروهای صلح دوست و بویژه ابتکارها و مساعی گوناگون اتحاد شوروی در خلیج فارس، اقیانوس هند و اروپا، بمنظور پایان بخشیدن به تشنجات و متوقف

تفسیر وقایع مهم جهان

است. این رژیم سادات به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل گشته و در اقدامات توطئه گرانه و مداخله نظامی علیه کشورهای مستقل ملی و انقلاب ها و جنبش های رهایی بخش خلق ها، از نزدیکترین دستیاران امپریالیسم آمریکا است. بدون تردید حمتکشان مصر و همه نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک آن کشور، که پیامدهای اسف بار خیانت ها و جنایت های این رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم را هر روز بیشتر احساس میکنند، با همبستگی و پشتیبانی همه خلق های انقلابی و نیروهای ترقیخواه جهان عرب و منطقه، این رژیم ننگین را از دامن تاریخ کهن خلق مصر خواهند زدود. رژیم خیانت پیشه سادات محکوم به همان سرنوشتی است که شاه ملعون به آن دچار گشت.

گسترش موج اعتراض علیه سلاح نو ترونی و سیاست جنگ افروزانه آمریکا

سیاست جنگ افروزانه آمریکا و تدارکات جنگ هسته ای با چنان موج اعتراض و نگرانی در کشورهای اروپای غربی و سراسر جهان روبرو شده، که موجب سراسیمکی و عصیانیت محافل جنگ طلب آمریکا گردیده است. اعتراضات محافل اجتماعی اروپای غربی چنان دامنه گسترده ای به خود گرفته که در سیاست دول کشورهای اروپای غربی عضو "ناٹو" به عامل موثر و بازدارنده پیروزی از برنامه های نظامی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است.

دولت دانمارک در زیر فشار اعتراضات گسترده محافل اجتماعی کشور ناگزیر شد اعلام کند که دانمارک اجازه نخواهد داد در سرزمین این کشور سلاح نو ترونی مستقر شود. اکنون پار، عضو هیئت رئیسه حزب سوسیال دموکرات آلمان غربی، با تصمیم دولت ریگان در مورد تولید سلاح نو ترونی و استقرار آن در کشورهای اروپای غربی مخالفت نمود. وی در مصاحبه خود در شبکه تلویزیونی هلند اظهار داشت که تولید سلاح نو ترونی موجب گسترش مسابقه تسلیحاتی می شود و خطر وقوع جنگ هسته ای را تشدید می کند.

اکنون بار ادعای محافل نظامی آمریکا را مبنی بر اینکه گویا سلاح نو ترونی یک سلاح تدافعی است، رد کرد و گفت که، سلاح نو ترونی یک سلاح تجاوزی است، که می تواند تمام نیروی انسانی و موجودات زنده طرف مورد تجاوز را نابود سازد. کمیته شوروی دفاع از صلح، طی بیانیه ای، تصمیم دولت ریگان را در مورد تولید سلاح نو ترونی و استقرار این سلاح در خاک اروپا، محکوم کرد. در این بیانیه آمده است که تصمیم ریگان تمام کوششها را در راه تنش زدایی و قطع مسابقه تسلیحاتی عقیم می گذارد و کامیابیهایی که در نتیجه مساعی همه خلق ها در راه کاهش تشنجات و محدود کردن مسابقه تسلیحاتی بدست آمده، با تصمیم دولت ریگان از میان می رود.

موج اعتراض علیه تولید سلاح نو ترونی و تشدید تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا، علاوه بر فرانسه، اروپا، سایر کشورهای جهان را نیز در بر گرفته است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اظهارهای تصمیم دولت ریگان را در مورد تولید سلاح نو ترونی محکوم نمود. در این اظهاریه خاطر نشان شده است که جمهوری اسلامی ایران خواستار منع این سلاح وحشیانه و کشتار دسته

ساختن مسابقه تسلیحاتی و حفظ روند همزیستی مسالمت آمیز و رفع وحامت اوضاع بین المللی جانبداری کرده و در این زمینه مواضع کشورهای سوسیالیستی را در یاری دادن به مبارزات ملل آزادی خواه و بویژه کمک های مادی و معنوی این کشورها به انقلاب و مبارزات خلق فلسطین و خلق های نامی و جنوب آفریقا را استودانند.

رهبران سه کشور بر روی اهمیت گسترش همکاری استراتژیکی با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای و نیروهای مترقی در جهان تأکید کرده و تلاشهای دولتهای سرمایه داری صنعتی را در زمینه تحمیل سلطه اقتصادی خود بر کشورهای در حال توسعه محکوم ساخته، حمایت بین المللی جدید، که بر پایه عدالت و برابری حقوق همه خلقها استوار باشد، اعلام داشته اند.

رژیم خیانت پیشه سادات در برابر موج خشم و انزجار مردم مصر

طبق گزارش خبرگزاریها، رژیم انور سادات در روزهای اخیر بیش از هزاران نفر از مردم ترقی خواه و دانشجویان و روحانیون مبارزان را زوداشت کرده است. تبلیغات رسمی رژیم این بازداشتها را گسترده را یادگیری هایی که گویا به علت اختلافات مذهبی پدید آمده توجیه می کند. تا بدینوسله اعتراضات گسترده نیروهای ملی و دموکراتیک علیه رژیم خائن سادات را تاچیز حلوه دهد و انگیزه خیزش این موج اعتراضات گسترده را که علیه سیاست های داخلی و خارجی صداملی رژیم است، برده یوشی کند.

نوده های مردم پس از اطلاع از بازداشت وسیع رهبران نهضت ملی و دموکراتیک و روحانیون مبارز، که بوسیله دستگاه پلیس رژیم سادات انجام گرفت، به تظاهرات و راهپیمایی دست زدند. نیروهای انتظامی رژیم و واحدهایی از ارتش، که برای سرکوب تظاهر کنندگان خیابان های شهر را بر کنترل خود گرفته بودند، علیه شرکت کنندگان در تظاهرات به شیوه های خشونت آمیز دست زدند. و برای برانگیزه کردن انبوه تظاهر کنندگان از گاز اشک آور استفاده کردند.

طبق گزارش خبرگزاری های کشورهای عربی، در جریان این تظاهرات و بازداشت ها ۵۰ تن از افسران ارشد نیروهای مسلح مصر نیز بازداشت شده اند. این امر گواهی آن است که اعتراض علیه رژیم خیانت پیشه سادات، که یازده سال است بر مردم مصر و نیروهای ترقیخواه این کشور تحمیل گردیده، ریشه های عمیق دارد و می رود که راکان این رژیم را متزلزل سازد و سرانجام آنرا به زوال و نابودی تاریخ سیار د.

انور سادات، طی یازده سالی که از عمر منحوس رژیمش می گذرد، تمام دستاوردهای انقلابی خلق مصر را پایمال کرده و سیاست اقتصادی "درهای باز"، اقتصاد ملی کشور را به افلاس کشانده است. این رژیم خیانت پیشه با اجرای سیاست تسلیم طلبانه در برابر رژیم تجاوز کار صهیونیستی اسرائیل و تن در دادن به امضای موافقت نامه های کمپدیوید بزرگترین خیانت را به همه خلق های عرب و بیش از همه به خلق عرب فلسطین مرتکب گردیده است. سادات با این خیانت خود در جنبه متحد خلقهای عرب در برابر تجاوز اسرائیل تفرقه ایجاد نموده و گسترش نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا در این منطقه را میسر ساخته

جمعی است. رهبران و مقامات رسمی سایر کشورهای خاور نزدیک و میانه نیز این تصمیم دولت آمریکا را محکوم نموده و آنرا اقدام ماحراجویانه ای در راه تشدید خطر وقوع جنگ هسته ای ارزیابی کرده اند. اتحاد و همبستگی همه نیروهای صلح دوست و همه خلق های جهان در مبارزه با خطر حفظ صلح و امنیت می تواند نقشه های تجاوزکارانه و جنایت آمیز امپریالیسم آمریکا علیه خلق های جهان را با شکست مواجه کند.

توجیه تدارکات جنگی و مسابقه تسلیحاتی با خطر موهوم شوروی

طبق گزارش خبرگزاری های آمریکایی، وزارت دفاع آمریکا در صدد است اطلاعات محرمانه ای درباره گسترش قدرت نظامی اتحاد شوروی منتشر کند. ژنرالهای پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) و محافل جنگ طلب امپریالیستی، هر بار که در زمینه تشدید مسابقه تسلیحاتی و گسترش تدارکات جنگی برنامه تازه ای به مورد اجرا در می آورند، "اطلاعات و اسناد محرمانه ای" را درباره تفوق نظامی و افزایش قدرت نظامی اتحاد شوروی منتشر می کنند! افسانه "خطر شوروی" سالهای سال است که بدست قلم زبان محافل جنگ طلب آمریکا با اشکال گوناگون عرضه می شود. در دهه های ۵۰ و ۶۰ مطبوعات آمریکا، به تحریک وزارت جنگ آمریکا، اخبار خندان بر انگیزی را درباره تفوق نیروی هوایی شوروی و بویژه بمب افکن های دور پرواز شوروی در صفحات خود منتشر می کردند. در پی این تدارکات تبلیغاتی، کنگره آمریکا برای رفع این "عقب ماندگی" لایحه افزایش هزینه های نظامی آمریکا را به تصویب رساند. در آن زمان این اخبار و اطلاعات از منابع انحصاری و مجتمع های صنعتی و نظامی، بویژه رشته های هواپیما سازی، در اختیار مطبوعات گذارده شد و لایحه افزایش هزینه های نظامی هم بوسیله آن محافل از پنتاگون تدوین شد، که با مجتمع های نظامی - صنعتی در ارتباط نزدیکاند.

در دهه ۶۰، در گرماگرم مبارزه برای انتخاب ریاست جمهوری، تمام تبلیغات بر محور این مسئله دور می زد که "روسیه شوروی" از لحاظ سلاح موشکی بر آمریکا سبقت گرفته است. در نتیجه دولت حدید کاخ سفید بیدرنگ به مشتریان پنتاگون برای ساختن سلاح موشکی سفارشی داد و لایحه آن نیز از جانب ژنرال های آمریکایی تدوین شد و در کنگره تصویب رسید.

وزیر دفاع آمریکا در سال ۱۹۷۵ بر اساس "اطلاعات" دو ایرحاسوسی آمریکا اعلام کرده که اتحاد شوروی برای مقاصد نظامی بیش از ایالات متحد آمریکا، هزینه صرف می کند. معاون وزیر دفاع طبق "اسناد محرمانه ای" که از جانب ما موران "سیا" تنظیم شده بود، اعلام کرد که بودجه نظامی اتحاد شوروی آلبانه ۲۰۰ میلیارد دلار است. در حالی که طبق آمار رسمی، کل درآمد ملی اتحاد شوروی در آن سال قریب ۶۰۰ میلیارد دلار بود، که ۸۰٪ آن به پیشرفت امور صنعتی و کشاورزی و افزایش رفاه و سطح زندگی اهالی کشور اختصاص داده شده بود.

بدین ترتیب ملاحظه می شود که "افسانه" خطر شوروی "به چه منبع درآمد سرسام آوری برای مجتمع های صنعتی و نظامی آمریکا تبدیل شده است. بدیهی است که ژنرالهای وزارت جنگ آمریکا نیز حق دلالتی خود را از آن برداشت می کنند "اطلاعات محرمانه" جدیدی هم که درباره گسترش قدرت نظامی شوروی، پنتاگون در صدد انتشار آن است، روایت تازه ای از افسانه "خطر شوروی" است، که بوسیله آن می خواهند تصمیم جدید ریگان را در مورد تولید سلاح نو ترونی توجیه کنند.

مطبوعات در هند

در هند اکنون ۹۹۲ روزنامه ۴۶۵۴۰ هفته نامه، ۵۷۲۹ ماهنامه و ۸۱ مجله یک روز در میان و دو روز در میان در ۴۰/۸ میلیون نسخه منتشر می شود. در سال ۱۳۵۷ شماره تیراژ روزنامه ها و مجله های هندی زبان (۴۱۹۶ عدد در ۷/۷ میلیون نسخه) برای نخستین بار از روزنامه ها و مجله های انگلیسی زبان (۳۰۸۵ عدد در ۹ میلیون نسخه) پیشی گرفت. اکنون در این کشور ۲۹۴ روزنامه



منتشر می شود. تنها ۳/۴ درصد روزنامه ها و مجله های هند دولتی است و بقیه به افراد، شرکتها، احزاب، اتحادیه ها و کنسرها تعلق دارد. از آنجا که بیش از نیمی از سکنه ۶۸۴ میلیونی هند بیسوادند، هنوز ۱۸۴ ایستگاه هادیویی این کشور برای اکثریت عظیم آنها مهم ترین منبع اطلاعات، آموزش و سرگرمی است.

# چرا رژیم آفریقای جنوبی، آنگولا را پیوسته هدف تجاوزات ددمنشانه خود قرار می دهد؟

حملات لافلاقل دوهدف دیگر را نیز دنبال می کند:

آفریقای جنوبی از یکسو در پی آن است که ارتباط راه آهن از آفریقای مرکزی به ساحل اقیانوس اطلس، بویژه از معادن زامبیا - زیمبابوئه، را قطع کند و دو کشور نامبرده را محصور سازد که از خطوط آفریقای جنوبی استفاده کنند. از سوی دیگر، "پرتوریا" برنامه درازمدت خود را بر پایه فلج ساختن اقتصاد آنگولا، ثبات زدائی در رژیم متروقی آن کشور و تدارک ضدانقلابی استوار ساخته است.

در این گستره باید از یاسند ضد-انقلابی "اونیتا"، سرکردگی یوناس ساویم بی، نام برد، که از خاک نامی بیا و با سلاح های آفریقای جنوبی به عملیات خرابکارانه علیه "سواپو" و جمهوری خلق

بگزارش خبرگزاری ها، نیروهای آفریقای جنوبی روز دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، یازدهم گسترده ای را علیه آنگولا آغاز کردند.

ادوارد وودوش سانتوش، رئیس جمهور آنگولا، تجاوز جدید "پرتوریا" را بدکسور خود محکوم ساخت. وی در پیامی به فیدل کاسترو، رئیس جنبش غیر متعهدها، ودانیل آراب سوی، رئیس سازمان وحدت آفریقا تاکید کرد که تجاوز جدید نیروهای "پرتوریا" صلح منطقه و امنیت بین المللی را بخطر انداخته است. بر پایه اطلاعات وزارت دفاع آنگولا آفریقای جنوبی اکنون در حدود ۴۵ هزار سرباز در مرز آنگولا، در سرزمین اشغالی نامی بیا متمرکز ساخته است.



در برابر ترور نژاد پرستان آفریقای جنوبی، زنان و کودکان نامی بیایی مجبورند به آنگولا پناه ببرند.

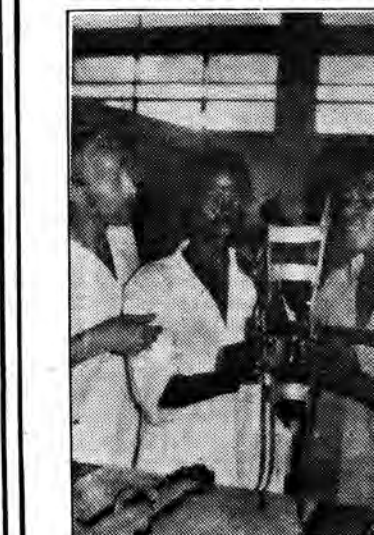
تجاوزات نظامی آفریقای جنوبی به آنگولا تاریخچه طولانی دارد: بر پایه گزارش یک کمیسیون بین-المللی تحقیق از بهار ۱۳۵۵، یعنی از زمان شکست نیروهای آفریقای جنوبی در دومین جنگ آزادی بخش آنگولا، تا اوایل بهار ۱۳۵۸، رژیم نژاد پرست "پرتوریا" بیش از ۲۵۰ بار به تهاجم هواتی و زمینی علیه آنگولا دست زده است. این تهاجمات به مرگ ۲۷ آنگولایی و ۶۱۲ پناهنده نامیبی انجامیده است. در نیمه اول سال میلادی ۱۹۸۰، آفریقای جنوبی ۵۲۹ بار به آنگولا تجاوز کرد.

کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی بهره ور می شود. ساویم بی در سفری که دو سال پیش به ایالات متحده آمریکا کرد، با سردمدارانی چون هنری کیسینجر، شلزیینجر (رئیس اسبق "سیا") و لین کیولند (رئیس سندیکای ضد-کمونیستی "ای.ا.ف.ال.سی.آی.او") به گفتگو نشست. رستمان سال گذشته، ساویم بی در سفر همبندی به بریتانیا، با نمایندگان حزب محافظه کار آن کشور به "خوش ویش" نشست، این سفر را تا پنی رولندز، مدیر کسرن "لون رو" سازمان داده بود. مقر رسمی ساویم بی در رباط، پایتخت مراکش، است - همان رزمی که در گذشته نظامیان خود را بیاری موبوتو در زیمبابوئه گسیل داشت و اکنون با جنبش آزادی بخش صحرای غربی در جنگ است. بنوشته مجله انترتجاعی "آروئا"، پیوندهای دیرینه ساویم بی با سازمان جاسوسی فاشیستی پرتغال، یعنی "پیده"، بهترین توصیه ناما میست که (او) می تواند ارائه دارد.

بزرگداشت ریگان در دوران مبارزه انتخاباتی خود در مصاحبه ای با وال استریت جورنال، قول داده که در صورت پیروزی، سلاح در اختیار "اونیتا" بگذارد باید مصفاغه گفت که او بدین تعهد خود نیز پیش از حد وفادار مانده است.

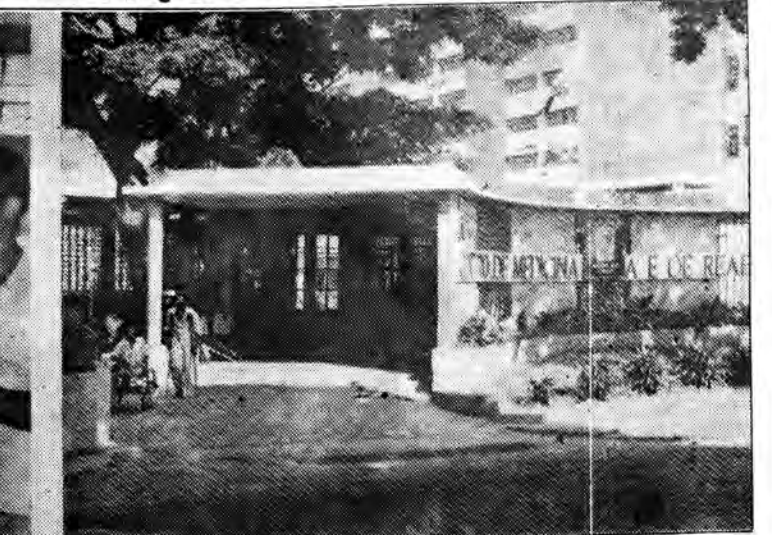
ساویم بی به هنگام دیدار اخیر خود از مونیخ، به حضور یوزف اشتراوس فاشیست دمکرات نمای آلمان غربی، نیز شرفیاب شد و اکنون وی را "دوستی قدیمی" می خواند.

اما ساویم بی ها و حامیان امپریالیستی - نژاد پرست آنها باید بدانند که هم خلق آنگولا عزم راسخ دارد که از استقلال و انقلاب خود سرسختانه دفاع کند، و هم همه نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی جهان دو ست آنگولا هستند و در این مبارزه مقدس به آن یاری می رسانند. برای نمونه:



کشورهای سوسیالیستی یار و یاور کشورهای نواستقلال: کارشناسان جمهوری دمکراتیک آلمان در مرکز فیزوتراپی در لواندا، پایتخت آنگولا، متخصص آنگولایی تربیت می کنند.

آمریکالغوشد. ناظران سیاسی در آن هنگام بدرستی این اقدام سنا، آمریکا را بعنوان تدارک از سرگیری کمک های سخاوتمندانه - تر و گسترده تر به "اونیتا" و حتی "فلا" (که سرکرده آن هولدن روبرتو از مرحمت خاص دولت فرانسه نیز برخوردار می گردد) ارزیابی کردند. "اونیتا" که برغم ادعای رسانه های گروهی، هیچگونه موفقیتی در عملیات خرابکارانه خود علیه مردم آنگولا نداشته است، از یاری محافظ راستگرای



بزرگترین این تهاجمات بیش از یکسال پیش علیه اردوگاه های سازمان خلق جنوب باختری فریقا (سواپو) در آنگولا صورت گرفت. در این تهاجم ۳۰۰ سرباز ارتش منظم آفریقای جنوبی و تانک ها و هواپیما های این کشور شرکت جستند.

آفریقای جنوبی مدعی است که هدف حملات آن به آنگولا تهاجم پایگاه های "سواپو" در آن کشور است. درست است که "پرتوریا" از این راه می-کوشد تا آنگولا را از پشتیبانی از میهن دوستان نامی بیا برحذر دارد، اما این

# "سواپو" تنها نماینده خلق نامی بیا استوار و پیروزمند در راه استقلال و آزادی می رزمند

پیروزی نظامی رابر "سواپو" از دست داده اند. رزمندگان "سواپو" پس از ۱۵ سال مبارزه نظامی جاننازانه و دشوار بحق به این دستاورد تابناک خود به خویش می بالند.

"سواپو" در ۲۱ سالگی که از پیکار آن در راه آزادی ملی می گذرد، در جبهه دیپلماتیک - سیاسی نیز به پیروزی های بزرگی علیه رژیم تروریستی - نژاد پرست آفریقای جنوبی دست یافته است. "سواپو" اکنون در ۲۰ کشور آفریقای آسیایی، اروپایی و آمریکایی

نماینده رسمی دارد و بعنوان عضو ناظر سازمان ملل متحد در فعالیت های همه نهاد های این سازمان، از جمله "سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین المللی کار و سازمان خواربار و کشاورزی، شرکت می کند. "سواپو" دوسال است، که در جنبش غیر متعهد ها نیز عضویت دارد. در نامی بیا امروزه هیچ سازمان سیاسی نیست که در پیکار پیروزی یاری رقابت با "سواپو" نداشته باشد. همه گروهک های دیگری ساخته دشمن هستند و یا با آن کم و بیش همکاری دارند. اما "سواپو" از اعتماد عمیق خلق برخوردار است. "سواپو" در اردوگاه های پناهندگان نامیبی در آنگولا و نامیبیا مناطق آزاد شده نامی بیا مردم را از نظر سیاسی، معنوی و مادی برای استقلال آماده می سازد. در این اردوگاه ها مدارس، بیمارستانها و کارگاه های مختلف احداث شده است، که پناهندگان در آنها آموزش می بینند.

"سواپو" در مبارزه دشوار خود از کمک مادی سازمان وحدت آفریقا، کشور-



رزمندگان "سواپو" همجا با گرمی از جانب مردم نامی بیا استقبال می شوند.

های سوسیالیستی و سازمان های ملی و بین المللی گوناگون برخوردار می شود. در این زمینه باید بویژه از "کشورهای جبهه"، یعنی آنگولا، بوتسوانا، موزامبیک، زامبیا، زیمبابوئه و تانزانیا یاد کرد. این کشورها نه تنها به "سواپو" کمک مادی می رسانند، بلکه هزاران نفر از مردم نامیبیا و آفریقای جنوبی را در کشور خود پناه می دهند. بنابراین شکست نیست که آنگولا و دیگر "کشورهای جبهه" آماج تهاجمات مکرر آفریقای جنوبی قرار می-گیرند.

جای خوشوقتی است که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز، بدنبال تجاوز رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به آنگولا، "سواپو" را بعنوان تنها نماینده خلق نامی بیا به رسمیت شناخته و همبستگی خود را با خلق نامی بیا اعلام داشته است.

سیاست همبستگی جنبش های آزادی بخش ملی و دولت های ضد-امپریالیستی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران بدون تردید هم بر حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین المللی خواهد افزود، هم جبهه نیرو های ضد امپریالیستی را تقویت خواهد کرد و هم، در نتیجه، به تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران کمک خواهد کرد.

سازمان خلق آفریقای باختری ("سواپو")، که در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۳۹ (۱۹ آوریل ۱۹۶۰) پایه گذاری شد، جنبش آزادی بخش ملی توده ای است، که بر اساس اتحاد همه عناصر ضد-استعماری نامی بیا، صرف نظر از نژاد، اعتقاد، جنس و خاستگاه قومی آنها متنی است. این سازمان در راه سرنگونی نظام استعماری - نژادی تحمیلی آفریقای جنوبی و براندازی حاکمیت امپریالیسم می رزمند و هدف آن عبارت است از استقلال و آزادی کامل سیاسی و اجتماعی.

اکثریت نام مردم نامی بیا از پیکار "سواپو" پشتیبانی می کنند و جهانیان نیز آن را بمنزله تنها نماینده راستین خلق این سرزمین به شمار می آورند. پشتیبانی گسترده مردم نامی بیا از "سواپو" سبب شده است که رژیم اشغالگر تروریستی "پرتوریا" تاکنون نتواند "سواپو" را غیر قانونی اعلام دارد - هر چند این سازمان عملاً مجبور است بیشتر به فعالیت زیرزمینی بپردازد.

با توجه به تجربیات تاریخی خلق نامی بیا، همه فعالیت های "سواپو" در راستای براندازی نظام سیاسی و اجتماعی - اقتصادی کنونی بکار می رود. این نظام تنها خادم منافع سیاست استعماری و نواستعماری امپریالیسم است و تا به حال راه ورودی جز استثمار، تبعیض و گرسنگی برای مردم نامی بیا نداشته است. "سواپو" در راه ایجاد حکومتی مردمی و دمکراتیک بر پایه اراده و شرکت توده های وسیع مردم می رزمند و هدف خود را آفرینش چنان شرایطی برای تولید و مناسبات تولیدی اعلام داشته است، که به حاکم های بری از استثمار وستم بیانجامد.

"سواپو" برای پیشبرد هدف های



خود استراتژی چندگانه ای بکار می بندد که ماهیت اساسی آن را در تلفیق گام های سیاسی، دیپلماتیک و نظامی باید جستجو کرد. رزمندگان "سواپو" این استراتژی متنوع را با سخکوی شرایط عینی نامی بیا و نوید بخش پیروزی خویش می بینند.

با نخستین حمله مسلحانه "سواپو" علیه اشغالگران آفریقای جنوبی در روز ۴ شهریور ۱۳۴۵ (۲۸ اوت ۱۹۶۶) عصری جدید در پیکار مردم نامی بیا زایش یافت، این حمله نمایانگر عزم "سواپو" مبنی بر مقابله انقلابی با قهر ارتجاعی - نژاد پرستانه و دستیابی به حقوق حقه مردم نامی بیا بود. امروزه نبرد نظامی عامل تعیین کننده مبارزه مردم نامی بیا را در راه استقلال ملی تشکیل می دهد.

ارتش آزادی خلق نامی بیا نخست تنها چنانچه در در بر می گرفت. امروز این ارتش در حدود ۱۱ هزار مبارز زن و مرد را شامل می شود. با ضربه های سهمگینی که ارتش آزادی خلق نامی بیا بر پیکار پرتوریا فرود آورده است، نژاد پرستان آفریقای جنوبی هرگونه امید به



# یکی از هزاران

سکوت کرد. آخ، برادر...! دلَم بر درده...  
ویکاره مثل اینکه نگران بر حرفی اش بود، گفت:  
— ساعت نگهبانی ام رسیده. باید برم سرپست.  
بلند شد و رفت. حای نگهبان بعدی هم ایستاد. تا ساعت یک با مادا ایستاد. ساعت یازده ونیم رفتن سراغش مقداری سرپست با هم قدم زدیم. سگاری روشن کردم. گفت:  
— برادر... مگر همین عصر نگفتی که باید با فکر سالم و بدن قوی دشمن را از پای در آورد. چرا پس سگاری کنی؟! جوابی نداشت. کاری هم نمی توانستم بکنم. با بابت تکلیفی سگارم را پس از یکی (طبق معمول در داخل مشتم برای استتار) پس پشتم پنهان کردم و بیخ را عوض کردم. ساعت داشت یک می شد. نگهبان بعدی را بیدار کردم و مذبح را به دفتر بردم جای حاضر بود. نمی توانست جای داغ بخورد. برای این که محدا خاطرش از رفتن به خط جمع شود، سؤال کرد:  
— برادر... من فردا یا ماشین لندرومی برم یا ماشین آهو؟  
گفتم:  
— فرقی نمی کنه. ولی مثل این که "آهو" خرابه و احتیاج به تعمیر داره تو بالندرومی احمد می ری.  
برای اطمینان خاطر بیشترش لیست بجهایی را که فردا صبح قرار بود به خط بروند نشان دادم. اسم خودش را دید و خوشحال شد. بلند شد. حین رفتن سرش را برگرداند و گفت:  
— برادر... امیدوارم به حق همین ساعت آمریکا و تو کوش صدام نابود بشن. الان که تنگنای گرفته، هی پیغام و پیغام می فرستند که صلح کنیم. خیال کرده اند که ما تن به صلح آمریکایی می دهیم. صلح آمریکایی ننگه!!  
گفتم:  
— این را باید به لیرالها گفت. از در بیرون رفت. سگاری روشن کردم و توی دفتر شروع کردم به قدم زدن رادیو روشن بود. تفنگم را آوردم و پاک کردم. تا ساعت دو ونیم باید بیدار باشم. پاس بخش یک هستم. یکبار دیگر به نگهبان ها سرزدم و آدم نشستم و جزوه ای مربوط به شهادت "محمد منتظر قائم" را که از انتشارات "سیاه" بود، شروع کردم به خواندن.  
صبح ذبیح زودتر از همه حاضر بود. از بعد از نماز صبح بیدار مانده بود. لباس پوشیده و حاضر. بیاد حرفهای دیشبش افتاد. برایش نگران بودم. به دلَم آمد که اتفاقی برایش خواهد افتاد. و همین شد.

هم برای ما حرامه، چونکه غفلت برای ماها حرامه و خواب هم غفلته.  
گفتم:  
— آخر آدمی که دوسه شب خوابه از آدمی که دوسه ساعت بخوابه غافلتره. و خندیدیم...  
بلند شد و گفت:  
— دیگه دراره غروب می شه. نمازم را خوانده ام. برم نماز.  
و بلند شد و رفت. اما پس از نماز دو مرتبه برگشت پهلوی من.  
نشستم به صحبت. ساعت حدود هفت بود، یا کمتر... درست نمی دانم. جای درست کرده بودم. برایش ریختم و دوتایی شروع کردم به حرف زدن می گفت:  
— برادر... چرا این لیرال ها دست از سرما بر نمی دارند. (آن روز فردای حادثه سخترانی ۱۴ اسفند در دانشگاه بود.)  
گفتم:  
— خوب! منافعشان ایجاب می کنه که دست از سرما برندارند.  
گفتم:  
— آخه ببین برادر... اگر به خدا هم اعتقاد داشتی باشد، حرف خدا که یکی است. راه خدا که یکی است. مگر راه و خط خدا همان نیست که امام می ره؟ پس معلوم می شه اینها امام را هم قبول ندارند. اسلام را هم قبول ندارند.  
— ذبیح جان! آخرستگی داره که آدم به چه اسلامی اعتقاد داشته باشه. اسلام یک آدم سودجو که تمام عمرش به فکر ثروت و مال و منال بوده و مردم را با ظاهر شرعی می چاپیده، با اسلام امام که همه عمرش به فکر نجات محرومین و مستضعف ها بوده فرق می کنه. توبیین! همین لیرالهای دولت موقت، اسلام را برای چه می خواستند، می خواستند با استفاده از بهانه های شرعی مالیات بدهند. می خواستند، با این حرف که اسلام دین رحمت و عطوفته، ساواکی ها و توطئه گر ها و کودتاچی ها را آزاد کنند. خوب، خودت، بین چی می کنی. ادعا: شان اینه که سرمایه دار زحمت کشیده، پس مالش حلال و طیب و طاهره. یا ارث پدرش بوده، پس حلاله و... اینها اصلا قبول ندارند که پول و ثروت شان خون حکر محرومین و مستضعفینه جمع شده. همین حمایت از مستضعفین را هم فقط و فقط در لفظ قبول دارند. اما امام، حرف: شان چیه؟ اینه: "من شما کوخ نشینان را به آن کاخ نشینان ترجیح می دهم". بین چقدر فرق هست بین اسلام راستین امام و اسلامی که در خدمت آمریکاست.  
می گفت:  
— برادر... بگذارد جنگ تمام بشه به تهران برمی گردیم. پدر همه شان را در می آریم. اینها می خواهند باز هم مثل دوران طاغوت بشه، می خواهند حرف: های امام را زیر پا بگذارند. امام خوب کاری کرد که اول دست اینهارو باز گذاشت که خوب برای مردم روشه. اینجوری دیگه نمی تونند "اسلام" خودشان را به ما قالب کنند. حیف که باید برای وحدت و "خویسان".  
بیشتر مردم در روستاها زندگی و کار میکنند. در اقتصاد کشاورزی استان های جنوبی ذرت و مانیکو غالب است، که بویژه در دره رودخانه "گونه" کشت و به سراغ آنگولا فرستاده می شود. از اینرو، عملیات نظامی آفریقای جنوبی در این منطقه خسارات فراوانی برای اقتصاد آنگولا ببار می آورد. این عملیات همچنین متوجه دادرسی آنگولاست (۳ میلیون راس گاو، ۱۳۵۷)، که بخش عمده آن در استان های جنوبی متمرکز است. تا کنون هزاران راس دام ذبح و به نامی بیا برده شده است. تجاوزگران، فزون بر این به تجهیزات صنعتی (آهن گدازی) "کاسینگا" (در حدود ۲-۳ میلیارد تن ذخیره سنگ آهنی که در اینجا نهفته است، از غنی ترین منابع آفریقا است، محتوی آهن: ۶۵ درصد)، بندر ماهی-

داشتم بایش را پانسمان می کردم. روزی که برای کشیدن دندان به اهواز آمده بود، از قضا، یک موشک عراقی به نزدیکی اردوگاه اصابت کرده بود و با شکسته شدن در و پنجره خرده شیشه در بایش فرورفته و چرک کرده بود. نمی توانست خوب راه برود. پوتین هم نمی توانست بیوشد. اصلا او وضع جسمی حوسی نداشت. لاغر و نیکه بود. با این همه، هرکاری به او محول می شد، با علاقه و دقت انجام می داد. برای کار کردن همیشه آماده بود. کارگر بود. به قرار ی که خودش می گفت در تهران کسی را نداشت. در همان حال که مشغول پانسمان بایش بودم، می گفت:  
— برادر... من رو بریسید خط (مظورش "خط مقدم" بود)  
جوابش دادم:  
— ذبیح جان! پایت چرک کرده، دندانت هم پیله کرده. خط احتیاج به آدم سالم داره. لازمه که دو سه روزی استراحت کنی. در خط باید بدوی، سینه خیز بروی، تلاش کنی. آخو با پایی که پوتین هم نمی تونه بیوشه که نمی شه رفت خط!  
می گفت:  
— برادر... آخر استراحت بر ما حرامه. نباید بگذاریم دشمن تو خانه مان جا خوش کنه. باید به قیمت جان مان هم که باشه دکتش کنیم.  
جوابش دادم:  
— درست که استراحت بر ما حرامه، ولی این در صورتیه که سالم باشیم و بتونیم کار کنیم تو وقتی قادر باشی بدوی و تازه بخوای دوسه روز استراحت را هم به خودت حرام بکنی، دیگه چه کاری ازت ساخته است؟ دشمن را باید با دستان قوی و فکر سالم از پا در آورد!  
بحث را عوض کرد و گفت:  
— برادر... کانال را خودم شناسایی کردم. کانال تا پای حاده تدارکاتی دشمن می ره. با گروه شناسایی راه افتادیم. به قدری که جلورقتیم، من جدا شدم و تنهایی رفتم کانال را شناسایی کردم. گفتم که اگر قراره کسی کشته بشه، بهتره که یک نفر باشه. اگر یک برنامه خوب بریزیم، حسابی می توانیم از پا در - شان بیاریم. کانال اینقدر بیه جاده تدارکاتی شان نزدیکه که راحت می شه چشم و ابرو شان را هم دید. من، فرمانده یک گروه از سپاه راهم فرادیش همراه خودم بردم و نشانش دادم. خیلی خوشحال شد. حالا قول داد هم که به فرمانده گردان ارتش هم کانال را نشان بدهم. آخر، اگر نرم بد می شه، برادر... ترابه خدا مرا برید خط.  
بنایار، پس از در آوردن شیشه و اتمام پانسمان قول دادم که فردا صبح روانه "خط" اش کنیم. منتها گفتم که سه چهار روزی بماند و بعد برگردد برای مداوای دندان و وپایش، خیلی خوشحال شد. می گفت:  
— برادر... من تا موقعی که جنگ تمام نشه، به مرخصی نمی برم، حتی خواب و "خویسان".  
بیشتر مردم در روستاها زندگی و کار میکنند. در اقتصاد کشاورزی استان های جنوبی ذرت و مانیکو غالب است، که بویژه در دره رودخانه "گونه" کشت و به سراغ آنگولا فرستاده می شود. از اینرو، عملیات نظامی آفریقای جنوبی در این منطقه خسارات فراوانی برای اقتصاد آنگولا ببار می آورد. این عملیات همچنین متوجه دادرسی آنگولاست (۳ میلیون راس گاو، ۱۳۵۷)، که بخش عمده آن در استان های جنوبی متمرکز است. تا کنون هزاران راس دام ذبح و به نامی بیا برده شده است. تجاوزگران، فزون بر این به تجهیزات صنعتی (آهن گدازی) "کاسینگا" (در حدود ۲-۳ میلیارد تن ذخیره سنگ آهنی که در اینجا نهفته است، از غنی ترین منابع آفریقا است، محتوی آهن: ۶۵ درصد)، بندر ماهی-

در پیش از ۷۰ هزاران و تحریک مرزی آفریقای جنوبی، عده سیمشماری غیر نظامی آنگولایی به هلاکت میرسد. در تاریخ ۴ مه ۱۳۵۸ (۲۶ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹) بر اثر حمله چهار هواپیمای "میراژ" آفریقای جنوبی به شهر "لوبانگو"، ۲۶ نفر کشته و ۸۹ تن سخت زخمی می شوند. اواسط زمستان ۱۳۵۸ وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که از آغاز سال مسیحی (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، "جمهوری آفریقای جنوبی" بیش از ۵ هزار به تحریکات مسلحانه علیه آنگولا دست زد.

۱۳۵۹-۶۰: در تابستان ۱۳۵۹ نیروهای آفریقای جنوبی باره "نجوا" حمله بردند، که بر اثر آن بسیاری از غیر نظامیان به هلاکت رسیدند. تا اوایل فروردین ۱۳۶۰، آفریقای جنوبی ۱۵۰ هزار حرم هوایی آنگولا را غنص کرد، ۱۰ هزار به هزاران خاک این کشور پرداخت، چهار بار به عملیات زمینی هوایی دست زد و ۶ بار به تیراندازی از هوا مادت و وزید. در نتیجه این تجاوزات، ۲۶ نظامی و ۷ غیر نظامی کشته شدند.

در خرداد ماه ۶۰ حمله به استان "گونه" افزایش می یابد. تقریباً هر روز حرم هوایی آنگولا در این منطقه نقض می شود. این عملیات و تیرکری در مرزهای نامی بیا و آنگولا حاکی از تدارکات شهاجمی گسترده است.

در روز ۷ مرداد ۶۰ نیروهای پیاده نژاد پرستان آفریقای جنوبی وارد استان "گونه" می شوند و با پشتیبانی هواپیما های خود ۷ نفره را اشغال می کنند. مهاجمان در "مولما" ستاد فرماندهی خود را مستقر می سازند.

## دانستنی هایی چند درباره استانهای جنوبی جمهوری خلق آنگولا

سرزمین: مساحت استان های مرکزی و جنوبی آنگولا، که هدف تهاجمات تجاوز کاران آفریقای جنوبی قرار دارند، در حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع است. آنگولا است (۲۴۶۷۰۵ کیلومتر مربع). این استان ها عبارتند از: "بنگوئلا" (مرکز: بنگوئلا)، "هوامبو" (هوامبو)، "بیه (کیتو)، "مکزیکو" (لونا)، "موکامدش" (موکامدش)، "هوتیلا" (لوبانگو)، "گونه" (نجوا) و "کواندو-کوبانگو" (منونگه).  
آنگولا در استان های "موکامدش"، "گونه" و "کواندو-کوبانگو" بنا می بیا که در اشغال آفریقای جنوبی است. در امتداد ۱۲۹۰ کیلومتر هم مرز است. دفاع از این مرز، بعلاوه هموار بودن اراضی بسیار دشوار است. در آنسوی مرز، "جمهوری آفریقای جنوبی" با اصطلاح "منطقه عملیاتی" احداث کرده است، که پیش از تهاجم گسترده اخیر به آنگولا، در آن بیش از ۴۰ هزار سرباز ارتش منظم استقرار داشتند. فزون بر این، آفریقای جنوبی در این منطقه چندین پایگاه احداث کرده است، که از یکسو برای حمله به آنگولا از آنها استفاده می شود و از سوی دیگر به منظور آموزش باندهای "اونیتا" و "فنلا" است و کمک به فعالیت های خرابکارانه آنها.  
سکنه و اقتصاد: در استان های جنوبی جمهوری خلق آنگولا در حدود ۲۰ میلیون نفر، یعنی نزدیک به یک سوم سکنه آفریقا، زندگی می کنند. مهمترین گروه آنگولا، زندگی می کنند. مهمترین گروه های قومی ساکن جنوب آنگولا عبارتند از: "نگان گوتلا"، "چوکوه"، "هررو"

۱۳۵۲: در پانزدهم این سال نژاد پرستان جمهوری آفریقای جنوبی تجاوز خود را علیه آنگولا شروع کردند. چند روز پیش از اعلام استقلال جمهوری خلق آنگولا، در ۲۰ آبان ۱۳۵۲، (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) مزدوران آفریقای جنوبی، به مهر به جنگ افزارهای مدرن، به این کشور حمله بردند. جندی نگذشت که شمار ۱۰ هزاران آفریقای جنوبی در آنگولا به ۱۰ هزار تن رسید.

۱۳۵۵: در زمستان این سال باندهای ضد انقلابی و مزدور آفریقای جنوبی چندین بار به انفجار راه آهن بنگوئلا، که یکی از مهم ترین راه های ارتباطی کشور است، پرداختند.

۱۳۵۶: از تابستان این سال تا اواسط دیماه، نیروهای مسلح "جمهوری آفریقای جنوبی" ۱۴ بار از خاک نامی بیا به آنگولا حمله کردند. در زمستان ۱۳۵۶ چندین شهرک جنوب آنگولا هدف آتشبار توپخانه نیروهای آفریقای جنوبی قرار گرفتند.

۱۳۵۷: در کشتاری که مزدوران آفریقای جنوبی در بهار این سال در "کاسینگا" بر راه انداختند، بیش از ۶۰۰ نفر جان خود را باختند.  
چند ماه بعد، وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که هواپیما های نظامی آفریقای جنوبی حرم هوایی شهرهای "نجوا"، "لوبانگو" و مانالا را نقض کرده اند.  
۱۳۵۸: در آغاز بهار این سال،

جمهوری آفریقای جنوبی، عده سیمشماری غیر نظامی آنگولایی به هلاکت میرسد. در تاریخ ۴ مه ۱۳۵۸ (۲۶ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹) بر اثر حمله چهار هواپیمای "میراژ" آفریقای جنوبی به شهر "لوبانگو"، ۲۶ نفر کشته و ۸۹ تن سخت زخمی می شوند. اواسط زمستان ۱۳۵۸ وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که از آغاز سال مسیحی (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، "جمهوری آفریقای جنوبی" بیش از ۵ هزار به تحریکات مسلحانه علیه آنگولا دست زد.

۱۳۵۹-۶۰: در تابستان ۱۳۵۹ نیروهای آفریقای جنوبی باره "نجوا" حمله بردند، که بر اثر آن بسیاری از غیر نظامیان به هلاکت رسیدند. تا اوایل فروردین ۱۳۶۰، آفریقای جنوبی ۱۵۰ هزار حرم هوایی آنگولا را غنص کرد، ۱۰ هزار به هزاران خاک این کشور پرداخت، چهار بار به عملیات زمینی هوایی دست زد و ۶ بار به تیراندازی از هوا مادت و وزید. در نتیجه این تجاوزات، ۲۶ نظامی و ۷ غیر نظامی کشته شدند.

در خرداد ماه ۶۰ حمله به استان "گونه" افزایش می یابد. تقریباً هر روز حرم هوایی آنگولا در این منطقه نقض می شود. این عملیات و تیرکری در مرزهای نامی بیا و آنگولا حاکی از تدارکات شهاجمی گسترده است.

در روز ۷ مرداد ۶۰ نیروهای پیاده نژاد پرستان آفریقای جنوبی وارد استان "گونه" می شوند و با پشتیبانی هواپیما های خود ۷ نفره را اشغال می کنند. مهاجمان در "مولما" ستاد فرماندهی خود را مستقر می سازند.

## دانستنی هایی چند درباره استانهای جنوبی جمهوری خلق آنگولا

سرزمین: مساحت استان های مرکزی و جنوبی آنگولا، که هدف تهاجمات تجاوز کاران آفریقای جنوبی قرار دارند، در حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع است. آنگولا است (۲۴۶۷۰۵ کیلومتر مربع). این استان ها عبارتند از: "بنگوئلا" (مرکز: بنگوئلا)، "هوامبو" (هوامبو)، "بیه (کیتو)، "مکزیکو" (لونا)، "موکامدش" (موکامدش)، "هوتیلا" (لوبانگو)، "گونه" (نجوا) و "کواندو-کوبانگو" (منونگه).  
آنگولا در استان های "موکامدش"، "گونه" و "کواندو-کوبانگو" بنا می بیا که در اشغال آفریقای جنوبی است. در امتداد ۱۲۹۰ کیلومتر هم مرز است. دفاع از این مرز، بعلاوه هموار بودن اراضی بسیار دشوار است. در آنسوی مرز، "جمهوری آفریقای جنوبی" با اصطلاح "منطقه عملیاتی" احداث کرده است، که پیش از تهاجم گسترده اخیر به آنگولا، در آن بیش از ۴۰ هزار سرباز ارتش منظم استقرار داشتند. فزون بر این، آفریقای جنوبی در این منطقه چندین پایگاه احداث کرده است، که از یکسو برای حمله به آنگولا از آنها استفاده می شود و از سوی دیگر به منظور آموزش باندهای "اونیتا" و "فنلا" است و کمک به فعالیت های خرابکارانه آنها.  
سکنه و اقتصاد: در استان های جنوبی جمهوری خلق آنگولا در حدود ۲۰ میلیون نفر، یعنی نزدیک به یک سوم سکنه آفریقا، زندگی می کنند. مهمترین گروه آنگولا، زندگی می کنند. مهمترین گروه های قومی ساکن جنوب آنگولا عبارتند از: "نگان گوتلا"، "چوکوه"، "هررو"

۱۳۵۲: در پانزدهم این سال نژاد پرستان جمهوری آفریقای جنوبی تجاوز خود را علیه آنگولا شروع کردند. چند روز پیش از اعلام استقلال جمهوری خلق آنگولا، در ۲۰ آبان ۱۳۵۲، (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) مزدوران آفریقای جنوبی، به مهر به جنگ افزارهای مدرن، به این کشور حمله بردند. جندی نگذشت که شمار ۱۰ هزاران آفریقای جنوبی در آنگولا به ۱۰ هزار تن رسید.

۱۳۵۵: در زمستان این سال باندهای ضد انقلابی و مزدور آفریقای جنوبی چندین بار به انفجار راه آهن بنگوئلا، که یکی از مهم ترین راه های ارتباطی کشور است، پرداختند.

۱۳۵۶: از تابستان این سال تا اواسط دیماه، نیروهای مسلح "جمهوری آفریقای جنوبی" ۱۴ بار از خاک نامی بیا به آنگولا حمله کردند. در زمستان ۱۳۵۶ چندین شهرک جنوب آنگولا هدف آتشبار توپخانه نیروهای آفریقای جنوبی قرار گرفتند.

۱۳۵۷: در کشتاری که مزدوران آفریقای جنوبی در بهار این سال در "کاسینگا" بر راه انداختند، بیش از ۶۰۰ نفر جان خود را باختند.  
چند ماه بعد، وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که هواپیما های نظامی آفریقای جنوبی حرم هوایی شهرهای "نجوا"، "لوبانگو" و مانالا را نقض کرده اند.  
۱۳۵۸: در آغاز بهار این سال،

جمهوری آفریقای جنوبی، عده سیمشماری غیر نظامی آنگولایی به هلاکت میرسد. در تاریخ ۴ مه ۱۳۵۸ (۲۶ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹) بر اثر حمله چهار هواپیمای "میراژ" آفریقای جنوبی به شهر "لوبانگو"، ۲۶ نفر کشته و ۸۹ تن سخت زخمی می شوند. اواسط زمستان ۱۳۵۸ وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که از آغاز سال مسیحی (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، "جمهوری آفریقای جنوبی" بیش از ۵ هزار به تحریکات مسلحانه علیه آنگولا دست زد.

# کاهنامه تجاوزات نژادپرستان آفریقای جنوبی به آنگولا

آخرین تهاجم نیروهای مسلح رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به جمهوری خلق آنگولا، تجاوزات "نژادپرستان" علیه این کشور به ابعاد جدید دست یافت.  
مردم جهان، سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا و کشورهای سوسیالیستی و صد امیرالیستی پیوسته سیاست تجاوز نژاد پرستان رژیم آپارتید را به شدت محکوم کرده اند. این رژیم نه تنها با افعال غیر قانونی نامی بیا ادامه میدهد، بلکه همواره علیه جمهوری خلق آنگولا به تجاوز دست میزند.

جمهوری آفریقای جنوبی، عده سیمشماری غیر نظامی آنگولایی به هلاکت میرسد. در تاریخ ۴ مه ۱۳۵۸ (۲۶ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹) بر اثر حمله چهار هواپیمای "میراژ" آفریقای جنوبی به شهر "لوبانگو"، ۲۶ نفر کشته و ۸۹ تن سخت زخمی می شوند. اواسط زمستان ۱۳۵۸ وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که از آغاز سال مسیحی (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، "جمهوری آفریقای جنوبی" بیش از ۵ هزار به تحریکات مسلحانه علیه آنگولا دست زد.

۱۳۵۹-۶۰: در تابستان ۱۳۵۹ نیروهای آفریقای جنوبی باره "نجوا" حمله بردند، که بر اثر آن بسیاری از غیر نظامیان به هلاکت رسیدند. تا اوایل فروردین ۱۳۶۰، آفریقای جنوبی ۱۵۰ هزار حرم هوایی آنگولا را غنص کرد، ۱۰ هزار به هزاران خاک این کشور پرداخت، چهار بار به عملیات زمینی هوایی دست زد و ۶ بار به تیراندازی از هوا مادت و وزید. در نتیجه این تجاوزات، ۲۶ نظامی و ۷ غیر نظامی کشته شدند.

در خرداد ماه ۶۰ حمله به استان "گونه" افزایش می یابد. تقریباً هر روز حرم هوایی آنگولا در این منطقه نقض می شود. این عملیات و تیرکری در مرزهای نامی بیا و آنگولا حاکی از تدارکات شهاجمی گسترده است.

## دانستنی هایی چند درباره استانهای جنوبی جمهوری خلق آنگولا

سرزمین: مساحت استان های مرکزی و جنوبی آنگولا، که هدف تهاجمات تجاوز کاران آفریقای جنوبی قرار دارند، در حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع است. آنگولا است (۲۴۶۷۰۵ کیلومتر مربع). این استان ها عبارتند از: "بنگوئلا" (مرکز: بنگوئلا)، "هوامبو" (هوامبو)، "بیه (کیتو)، "مکزیکو" (لونا)، "موکامدش" (موکامدش)، "هوتیلا" (لوبانگو)، "گونه" (نجوا) و "کواندو-کوبانگو" (منونگه).  
آنگولا در استان های "موکامدش"، "گونه" و "کواندو-کوبانگو" بنا می بیا که در اشغال آفریقای جنوبی است. در امتداد ۱۲۹۰ کیلومتر هم مرز است. دفاع از این مرز، بعلاوه هموار بودن اراضی بسیار دشوار است. در آنسوی مرز، "جمهوری آفریقای جنوبی" با اصطلاح "منطقه عملیاتی" احداث کرده است، که پیش از تهاجم گسترده اخیر به آنگولا، در آن بیش از ۴۰ هزار سرباز ارتش منظم استقرار داشتند. فزون بر این، آفریقای جنوبی در این منطقه چندین پایگاه احداث کرده است، که از یکسو برای حمله به آنگولا از آنها استفاده می شود و از سوی دیگر به منظور آموزش باندهای "اونیتا" و "فنلا" است و کمک به فعالیت های خرابکارانه آنها.  
سکنه و اقتصاد: در استان های جنوبی جمهوری خلق آنگولا در حدود ۲۰ میلیون نفر، یعنی نزدیک به یک سوم سکنه آفریقا، زندگی می کنند. مهمترین گروه آنگولا، زندگی می کنند. مهمترین گروه های قومی ساکن جنوب آنگولا عبارتند از: "نگان گوتلا"، "چوکوه"، "هررو"

۱۳۵۲: در پانزدهم این سال نژاد پرستان جمهوری آفریقای جنوبی تجاوز خود را علیه آنگولا شروع کردند. چند روز پیش از اعلام استقلال جمهوری خلق آنگولا، در ۲۰ آبان ۱۳۵۲، (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) مزدوران آفریقای جنوبی، به مهر به جنگ افزارهای مدرن، به این کشور حمله بردند. جندی نگذشت که شمار ۱۰ هزاران آفریقای جنوبی در آنگولا به ۱۰ هزار تن رسید.

۱۳۵۵: در زمستان این سال باندهای ضد انقلابی و مزدور آفریقای جنوبی چندین بار به انفجار راه آهن بنگوئلا، که یکی از مهم ترین راه های ارتباطی کشور است، پرداختند.

۱۳۵۶: از تابستان این سال تا اواسط دیماه، نیروهای مسلح "جمهوری آفریقای جنوبی" ۱۴ بار از خاک نامی بیا به آنگولا حمله کردند. در زمستان ۱۳۵۶ چندین شهرک جنوب آنگولا هدف آتشبار توپخانه نیروهای آفریقای جنوبی قرار گرفتند.

۱۳۵۷: در کشتاری که مزدوران آفریقای جنوبی در بهار این سال در "کاسینگا" بر راه انداختند، بیش از ۶۰۰ نفر جان خود را باختند.  
چند ماه بعد، وزارت دفاع آنگولا اطلاع داد که هواپیما های نظامی آفریقای جنوبی حرم هوایی شهرهای "نجوا"، "لوبانگو" و مانالا را نقض کرده اند.  
۱۳۵۸: در آغاز بهار این سال،

تنتهایک معیار...

بقیه از صفحه ۱

آقای صلاح الدین زواوی، سفیر خلق قهرمان فلسطین در ایران، یعنی خلقی که احقاق حق آن از آماجهای اصلی جبهه خواهد بود، نیز بر این واقعیت تاکید دارد...

... عقیده داریم که هر جبهه‌ای، چه دولتی و چه ملی، که برای تأیید مسئله اساسی ما، یعنی فلسطین تشکیل شود، استفاده کننده اول آن خود ما هستیم...

اگر معیار تشکیل جبهه مبارزه با امپریالیسم و سگرنجیری آن رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه باشد، کشورهایی مانند مصر، عربستان سعودی، اردن، پاکستان و... باینکه "اسلامی" هستند، ولی چون دستیار و دست نشانده امپریالیسم و صهیونیسم اند...

جبهه کشورهای و نیروهای صدامپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه بدنیال پیمان همکاری لیبی، اتیوپی و یمن دمکراتیک قدرت بیشتری پیدا کرده است...

جمهوری آفریقای مرکزی

تاریخ: دز سرزمین "جمهوری آفریقای مرکزی" از عصر حجر قدیم انسانها ساکن بودند. اما در طول تاریخ هیچگاه قبایل ساکن این سرزمین...

هفتاد و پنج سال پیش (۱۹۰۶)، فرانسه این سرزمین و جاد را، زیر عنوان "اوبانگی شاری" - جاد "متحد ساخت و مستعمره" خود اعلام کرد...

در سالهای پس از جنگ دوم جهانی، پارلمانی بوگاندا "جنبش برای تحول اجتماعی آفریقای سیاه" ("مومان بورلولو سوسپال دولافریک نوآر") راهپایه گذاشت (۱۹۵۲) مبارزه...

در زمستان ۱۳۵۵ (دسامبر ۱۹۷۶) بوگاسا خود را امپراتور خواند و یکسال بعد تا حاکماری کرد. در شب ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ (۲۱ سپتامبر ۱۹۷۹) در اوج ستیزه‌های داخلی و اجتماعی، که ماهها بود کشور را به لرزه در آورده بود...

حاکمیت: در "جمهوری آفریقای مرکزی" رئیس جمهور از اختیارات ویژه برخوردار است. رئیس جمهور فعلی "داوید داکو" نام دارد. این کشور به ۱۴ استان تقسیم می شود...

به گزارش خبرگزاریها، روز سه شنبه ۱۰ شهریور ۶۰، کودتایی در "جمهوری آفریقای مرکزی" رخ داد. در پیامد این کودتا، داوید داکو، رئیس جمهور، و اعضای دولت، کناره گیری کردند...

نام رسمی: "ریپوبلیک سانتر آفریکن" "جمهوری آفریقای مرکزی". وسعت: ۶۲۲۹۸۴ کیلومتر مربع. سکنه: ۲ میلیون نفر (۱۳۵۹) مهم ترین گروه های قومی "جمهوری آفریقای مرکزی" عبارتند از: "یابا"، "بایا"، "مان حیا"، "زند" و "سارا".

پایتخت: بانگی (۴۰۸۰۰۰ نفر، ۱۳۵۸). زبان رسمی: فرانسوی، از "سانگهو" و دیگر زبانهای "بانگو" نیز در محاوره استفاده می شود. مذهب: در حدود ۶۰٪ سکنه آفریقایی پیروان مذاهب طبیعی ۳۵٪ مسیحی (از این عده ۶۰٪ کاتولیک) و ۵٪ مسلمان هستند.

پول: فرانک "ت. اف. ت." = ۱۰۰ سانتیم (۱ دلار ایالات متحده = ۲۸۶/۹۹۵ فرانک "ت. اف. ت."). حاکمیت: در "جمهوری آفریقای مرکزی" رئیس جمهور از اختیارات ویژه برخوردار است.

برایست داوید داکو؛ جنبش برای آزادی خلق آفریقای مرکزی برهبری آنژ پاناس؛ حزب جمهوریخواه پیشرفت، برهبری آزمی مدو؛ "جبهه میهنی کوبانگی"، برهبری آبل گومبا.

چند هفته پیش بموجب فرمان رئیس جمهور، چند حزب غیر قانونی اعلام شدند. از بازگشت از جمهوری دمکراتیک خلق کره می گوید: ... ما اگر چه این کشورها (کشورهای غیر متعهد) وجه اشتراکی نداریم، اما از این جهت میتوانیم با آنها همکاری داشته باشیم که این کشورها صلاهی خواهند بود ما ضرر رسانند...

جوی و بیماری های مسری مانع از گسترش دامداری است.

در سالهای اخیر محصول چوبهای استوایی از ۱۶ هزار تن در سال به ۵۵ هزار تن در سال افزایش یافت. در اقتصاد "جمهوری آفریقای مرکزی" استخراج الماس نیز دارای مقامی مهم است (۲۰٪ صادرات). دولت این کشور اکنون به استخراج اوران (اوکسید اورانیوم) نیز امید بسته است، که ذخیره آن در حدود ۲۰ هزار تن تخمین زده می شود.

توسعه زیر ساختار، بویژه شبکه ترابری، هنوز مراحل اولیه را می گذراند. بیکاری در شهرها بسیار گسترده است. مهم ترین شریکان بازرگانی خارجی "جمهوری آفریقای مرکزی" عبارتند از: فرانسه، دیگر کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا"، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل.

وضع کنونی: بوگاسا در زمستان ۱۳۵۹ (دسامبر ۱۹۸۰) در دادگاهی پرهیاهو در غیاب بزرگ محکوم شد. این محاکمه رسماً بعنوان پایان دوران امپراتوری اعلام گردید. داوید داکو در همان هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را برای یکماه بعد (ژانویه ۱۹۸۱) نوید داد، و این انتخابات در ۲۴ اکتبر ۱۳۵۹ (۱۵ مارس ۱۹۸۱) صورت گرفت.

چهار حزب پیشگفته و همچنین فرانسوا پهبو بسنزله نامزد مستقل، کاندیدا شدند. داکو با ۵۰٪ آرا پیروز شد، یا سوا ۳۸/۱۱٪ آرا را بدست آورد. حزب او، که به متایج انتخابات شک داشت، به دادگاه عالی بانگی شکایت برد. اما این شکایت بجایی نرسید. بیرون پاسوا به اعتراضات خشونت باردست زدند و پس از درگیری های خونین با پلیس، وضع فوق العاده در سراسر کشور اعلام شد. علت ادامه این ناآرامی ها، داکو انتخابات پارلمانی را، که قرار بود در اواخر خرداد امسال برگزار گردد، به تعویق افکند.

در اوایل بهار امسال، دولت جدیدی در "جمهوری آفریقای مرکزی" تشکیل شد. نخست وزیر و وزیر خارجه این کشور برترتیب ناریسیس بوزانگه و ژان پییر کومبیه نام دارند.

به ترمیم اقتصاد و بران این کشور بپردازد و در این راه بویژه به سرمایه خارجی متوسل شده است. سرمایه خارجی نیز از سخاوت خاص این رژیم برخوردار می گردد. شرکت کنسرنهای بین المللی در موسسات اقتصادی "جمهوری آفریقای مرکزی" و "کمک" ۴۰۰ میلیون دلار فرانسه، "جامعه اقتصادی اروپا" و "بانک غرب برای توسعه اقتصادی آفریقا" نمونه هایی از نفوذ سرمایه خارجی در این کشور است. از سوی دیگر، افزایش قیمت ها و "انجماد" دستمزدها سبب شده است که ناآرامی عمومی ادامه یابد. فرانسه، که رژیم کنونی "جمهوری آفریقای مرکزی" "کلی به آن وابسته است، ۱۴۰۰۰ جتر بازر در این کشور مستقر ساخته است.

"جمهوری آفریقای مرکزی" در "سازمان ملل متحد" و "سازمان وحدت آفریقا" عضویت دارد.



ایدئولوژیک بین گردان های سه گانه جبهه انقلاب جهانی در مبارزه با خطر صلح، استقلال آزادی، امنیت، رفاه و برضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا متحد یکدیگر هستند. در همین دلیل است که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران می گوید: ...

... با کشورهای هائی که هر چند ممکن است از نظر ایدئولوژی با ما فرق داشته باشند و در مدار سیاست نه شرقی نه غربی هیچ نوع گزاشی نیز با ما نداشته باشند، اما از نظر روابط بین المللی و استراتژیک و همچنین بعضی مسائل دیگر ارتباط با آنها مفید باشد، سعی خواهیم کرد این دگم را درهم بشکنیم و با این کشورها ارتباط برقرار کنیم... (کیهان - ۱۴ شهریور ۱۳۶۰)

وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی ایران این واقعیت را تأیید میکند که چگونه کشور سوسیالیستی کره می تواند، در کنار لیبی و سوریه و الجزایر دوست ایران باشد، در حالیکه رژیم به اصطلاح مسلمان عراق سرگرم کشتار مردم مسلمان ایران است و کشورهای "اسلامی" مصر و عربستان سعودی و پاکستان و... دست در دست آمریکا علیه ایران توطئه می کنند.

واقعیتی که بر بنیاد آن کشور های سوسیالیستی، جنبش های رهایی بخش ملی و جنبش کارگری جهانی، صرف نظر از اختلافات

در اینجا نیز مینای پیمان بین سه کشور که دارای ایدئولوژی ها و سیستم های حکومتی گوناگون هستند، معیار مشترک همه خلق های جهان، یعنی مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است.

در مقابل این صفا انقلابی، به ترکیب جبهه ضد انقلاب نظریا ندازید. از آرمیکای به اصطلاح مسیحی، که رهبر جبهه است، تا صهیونیست های اسرائیل و مسلمان نماهائی از قبیل سادات و ملک خالد و ضیاء الحق و ملک حسین و... در کنار هم صف بسته اند.

و این ترکیب تصادفا استثنائی در خاور میانه نیست، در سراسر جهان چنین است که صف انقلاب و ضد انقلاب را مذاهب، ملیت ها، نژاد ها، سوابق تاریخی و... جدانمی کنند. این مرز از میان یاران امپریالیسم و صهیونیسم و دشمنان آن، علیرغم تفاوت ایدئولوژیک آنها، می گذرد.

انقلاب ایران هم در دو سال ونیمی که از پیروزی آن میگذرد، این واقعیت را با همه باواری ها و پیشداوری های برخی از انقلابیون لمس کرده و اینک بر اثر تجربه بتدریج به جانب باور آن می رود. از اینروست که وزیر کشاورزی بعد

مسائل بنیادی روند انقلاب جهانی

# سوسیال دموکراسی و جنبش آزادیبخش ملی

افزایش نقش و اهمیت کشورهای از بندرسته آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در مناسبات بین المللی و در بیکار برای صلح، امنیت و خلع سلاح و علیه بازمانده های استعمار، نو استعمار و نژادپرستی پدیده های است، که دیگر هیچ نیرویی نمی تواند از در دوران ما نادیده بگیرد.

جنبش کارگری انقلابی همیشه مبارزه عادلانه خلق های استعمارزده را بمنزله بخش گسترده پذیر پیکارها گستر انقلابی بشمار آورده است. سبب آن است که جنبش کارگری انقلابی و جنبش آزادی بخش ملی دارای منافع مشترک و دشمن مشترک هستند.

## کشورهای از بندرسته هر چه بیشتر به سوسیالیسم واقف و موجود روی می آورند

کشورهای از بندرسته آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی هر چه بیشتر به نمونه سوسیالیسم واقف و موجود روی می آورند، زیرا آنها در می یابند که راه رشد سره به داری نه استقلال ملی آنها را از نظر اقتصادی تضمین می کند و نه بهبود چشمگیر وضع اجتماعی نوده های وسیع مردم می انجامد. خواسته های عینی پیشرفت هر چه بر شتاب تر دگرگونی های بنیادی اقتصادی و اجتماعی را ضرور می سازد، خلق های مستعمره ها و نیمه مستعمره های پیشین خواستار نده که هر چه زود تر به سیاست امپریالیستی سپهر کشی و قومیت پایان بخشند.

اسبا و اقیانوس است، که سوسیال دموکراسی نیز باید به آنها توجه کند. رهبران راستگرای سوسیال دموکراسی، در این زمینه نیز، از اصول رفرمیستی رهنمود می گیرند. آنها بیم آن دارند که گرد های اجتماعی در کشورهای از بندرسته به انقلاب سوسیالیستی بیانجامد و از این رو کوشش می ورزند، تا خلق های این کشورها را از مبارزه در راه دگرگونی های بنیادی باز دارند. ادعای آنها آنست که تدابیر رفرمیستی "تنهارا واقع بینانه رهایی از فقر، گرسنگی، بهره کشی و ستم است".

رهبران راستگرای سوسیال دموکراسی تردیدی باقی نمی گذارند که هدف آنها تنها "بهبود" سرمایه داری است و هیچگاه درصد براندازی این نظام نیستند. آنها با کارانه، از ایدئولوژی "آزاداندیشانه" و سوسیالیستی "بشر دوستانه" دم می زنند. حال آنکه آنها در هیچ جای جهان تاکنون به ساختن چنین نظامی دست نزده اند.

سوسیالیسم تنها در کشورهای تحقق پذیرفته است که تئوری عام سوسیالیسم علمی پیگیرانه بکار بسته شده است.

سیاستمداران و ایدئولوگ های سوسیال رفرمیست، در مقایسه با نیروهای محافظه کار سرمایه، انحصاری، بویژه آنان که پیوند نزدیکی با مجتمع نظامی- صنعتی دارند و می کوشند تا هدف های نو استعمارگرانه خویش را از انکاء به سیاست قدرت تحقق بخشند، به شیوه هایی دیگر دست می یازند. آنها، بر پایه "سوسیالیسم دموکراتیک" کذائی خود، بر "دیالوگ عقیدتی- سیاسی" با نیروهای رهایی بخش ملی و اجتماعی اصرار می ورزند. اینان می خواهند، با تلاش سیاسی برای کاهش برخی تضادهای میان امپریالیسم و کشورهای رشد یافته در زمینه اقتصادی، کشورهای از بندرسته را در چارچوب سیستم سرمایه داری نگه دارند. بدین ترتیب، کشورهای نامبرده در سیستم اقتصاد جهانی سرمایه داری، کماکان، وابسته باقی می مانند و استثمار می شوند.

## انگیزه های

## تقویت فعالیت سوسیال دموکراسی در جنبش آزادیبخش ملی

عوامل درونی و بیرونی فراوانی است، که سوسیال دموکراسی بین المللی را به تقویت فعالیت خود در جنبش آزادیبخش ملی برانگیخته است. در این گستره "سیزدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیستی"، که پنج سال پیش (در نوامبر ۱۹۷۶) برگزار شد، نقطه چرخشی بشمار می رود. "ویلی برانت، که در این کنگره به سمت صدر انترناسیونال سوسیالیستی برگزیده شد، در آن هنگام گفت که وقت آن رسیده است که "تخصصی

جدید برای برقراری مناسبات نوین میان "شمال" و "جنوب" آغاز گردد. هدف این تعرض، به طور عمده عبارت بود از: تطبیق برنامه سیاسی- ایدئولوژیک "سوسیالیسم دموکراتیک" با شرایط ویژه کشورهای از بندرسته، استقرار و تحکیم مناسبات سازمانی با احزاب رفرمیستی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، بدخلت فعالانه در زمینه "نظام جدید اقتصاد بین المللی" و "حل" تضادها در سه قاره نامبرده.

یکی از ویژگی های روش سوسیال- رفرمیستی بر خورد با مسائل کشورهای از بندرسته آن است که، نخست بصراحت و یکمک آمار و پیکره های شرایط دشوار اجتماعی و اقتصادی در مستعمره ها و نیمه مستعمره های پیشین اشاره می شود. در این زمینه، به تفصیل از این واقعیت سخن می رود که اختلاف میان درآمد سرانه کشورهای صنعتی و رشد یافته، نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه حتی رو به افزایش می رود. همچنین بد رستی یادآوری می گردد که، در مناطق وسیع قاره های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، گرسنگی، بیسوادی، نداری، بیماری و بیکاری پدید می آید. از سوی دیگر، هیچگونه کوششی به عمل نمی آید، تا از علل بنیادی و اجتماعی این "بلیا" نام برده شود.

## ترکدائی "تضاد شمال- جنوب"

بر این پایه است که آنگاه تر "تضاد شمال- جنوب"، بعنوان مسئله بزرگ اجتماعی- سده بیستم مطرح می گردد. بدینسان، تضاد سیاسی اجتماعی دوران ما، یعنی تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری یعنی می شود. از سوی دیگر، تعمیق روندهای تضاد اجتماعی- اقتصادی و اجتماعی- سیاسی در کشورهای رشد یافته و میان این کشورها نادیده می ماند.

برخی از ایدئولوگ های سوسیال- رفرمیست از این نیز با فراتر می گذارند. آنها ادعا می کنند که در سده "تضاد شمال- جنوب" جایگزین "مبارزه میان سرمایه و کار" شده است، که "مسئله" اجتماعی سده "نوردوم" بود. ایدئولوگ های نامبرده مدعی هستند که این به اصطلاح "مسئله اجتماعی" - یعنی تضاد آشتی ناپذیر میان سرمایه و کار - در پرتوی سیاست سوسیال دموکراتیک "تعدیل" بر پایه "مشارکت اجتماعی"، دیگر حل شده است. اما واقعیت آنستکه، این تضاد کماکان در کشورهای سرمایه داری وجود دارد، زیرا که در این کشورها حاکمیت سرمایه انحصاری، یعنی سرچشمه استثمار و سرکوب طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری صنعتی و جیاول نو استعماری خلق های بخش بزرگی از مستعمره ها و نو مستعمره های پیشین، هنوز از میان نرفته است.

سوسیال دموکراسی بین المللی برای حل مسائل اجتماعی- سیاسی کشورهای رشد یافته نسخه "سوسیالیسم دموکراتیک" را بعنوان "راه سوم"، که گویانه سرمایه داری خواهد انجامید و نه سوسیالیسم واقعی ارائه می کند.

سخنان ویلی برانت در چهاردهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی" چیزی شبیه این بود. وی تأکید کرد که "سوسیالیسم دموکراتیک از منابعی گوناگون سرچشمه می گیرد" و با انواع مدل های "سوسیالیسم"، که در کشورهای از بندرسته تدوین شده اند - مانند سوسیالیسم آفریقایی، "انسانی"، "ملی" - مترادف است.

بدینسان، کوشش می شود تا با توسل به تخیلات سوسیالیستی، که بر پایه مواضع ناسیو- نالیستی، خرده بورژوازی و بورژوازی در کشورهای رشد یافته، پدید می آید، با سوسیالیسم علمی مقابله گردد. در عین حال، این اندیشه القاء می شود، که گویا از موه های سوسیالیسم واقعی برای خلق های این مناطق قابل استفاده نیست، بدین ترتیب، دستاوردهای سوسیالیسم در جهان تحقیر می شود.

## گرایش های جدید در برخورد با مسائل اجتماعی

از سوی دیگر، گرایش های جدیدی در برخورد با مسائل اجتماعی کشورهای رشد یافته پدیدار گشته است. برای نمونه، در "اعلامیه کاراکاس"، سوسیال دموکراسی بین المللی در سال ۱۳۵۵ (مه ۱۹۷۶)، از یک مدل ویژه "سوسیالیسم" برای

کشورهای آمریکای لاتین سخن به میان می رود. این مدل، در زمینه مسائل بنیادی چون براندازی بازمانده های فئودالیسم و معرفی امپریالیسم به منزله نظامی خصوصت بار برای پیشرفت، عناصر ضد امپریالیستی را در بر دارد.

واقعیت آن است که، سوسیال دموکراسی، در جریان فعالیت های آرمانی و سازمانی خود در کشورهای رشد یافته، نمی تواند برخی از شرایط و مسائل مشخص این گونه کشورهای از بندرسته بگیرد از سوی دیگر، سوسیال دموکراسی، در برخورد با این مسائل، پیوسته ناپیگیری و سرشت متضاد خویش را آشکار می سازد. بویژه هنگامیکه مسئله نتیجه گیری های عملی به میان می آید نمونه وار - ترین تضاد سوسیال دموکراسی، یعنی تضاد میان گفتار و کردار آن، نمایان می شود.

## تقسیم نقش

چنانکه نظرات نامبرده را با واقعیت به اصطلاح "سیاست کمک به کشورهای رشد یافته" کشورهای صنعتی سرمایه داری، که سوسیال رفرمیست ها در برخی از آنها حکومت می کنند، مقایسه کنیم، در خواهیم یافت که چه تقسیم نقشی در اینجا انجام گرفته است. از یکسو، در گفتار به جنگ نو استعماری روند و، از سوی دیگر، دولت- های سوسیال دموکرات به تشویق تعرض صدور سرمایه از سوی انحصارهای خود به کشورهای از بندرسته می پردازند. نتیجتاً می شود که، سرمایه خارجی هر چه بیشتر در امور داخلی این کشورها به مداخله می پردازد و واقعیتی که پاره ای از سیاستمداران سوسیال دموکرات نیز آن را محکوم می کنند. برای نمونه، در کنگره پانزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی"، که سال پیش (نوامبر ۱۹۸۰) در مادرید برگزار شد، کارلوس آندرس پریس، رئیس جمهور پیشین ونزوئلا، از "سیستم نو استعماری خود کا مکی اقتصادی" سخن گفت. وی یاد آورد شد، که امپریالیسم می- کوشد تا با کار بست جدیدترین تکنولوژی بر وابستگی کشورهای رشد یافته به خود بیفزاید. کارلوس آندرس پریس کسرن های فرامیستی را "نقض کنندگان خشونت بار و ددمنش حقوق بشر" خواند.

## توجه به مسائل

## "نظام جدید اقتصاد بین المللی"

سوسیال دموکراسی بین المللی توجه فراوانی به مسائل "نظام جدید اقتصاد بین المللی" میدول می دارد. در سیزدهمین کنگره "انترنا- سیونال سوسیالیستی" از "شکست آشکار سرمایه داری بین المللی" سخن رفت و تأکید شد که "مکانیسم بازار بخودی خود نمی تواند در برابری و عدالت پدید آورد".

به خلاف سیاستمداران بورژوازی اردوگاه محافظه کاران، که خواست های کشورهای رشد یافته را یکجا بعنوان غلبه بر "نظام اقتصاد بازار" ارزیابی می کنند، سوسیال رفرمیست ها معتقدند که هدف نظام جدید اقتصادی "تقسیم جدید ثروت و درآمد میان کشورهای صنعتی و کشورهای رشد یافته باید باشد". (از قطعنامه کنگره سیزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی" درباره "همبستگی بین المللی در زمینه اقتصاد") این نظر در کنگره پانزدهم "انتر- ناسیونال سوسیالیستی" نیز تکرار شد.

## کمیسیون برانت

ویلی برانت، بعنوان رئیس "کمیسیون مستقل برای مسائل توسعه بین المللی"، بار دیگر نشان می دهد که نیروهای متنفذ سوسیال- دموکراسی اهمیت ویژه ای برای "نظام جدید اقتصاد بین المللی" قائل هستند. در گزارش این کمیسیون بخوبی دیده می شود، که سوسیال رفرمیسم در تدوین آن نقش مهمی عهده داشته است. این گزارش ضرورت مبارزه با واپس ماندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای رشد یافته را یاد آور می گرد و خواهان "ایجاد جهانی پویا" است که در آن "هر کشور به سطح رشد فراخور خود دست می یابد". اما تحلیل گزارش "کمیسیون مستقل" - که به "کمیسیون برانت" نیز مشهور شده است - نشان می دهد که در آن از دستیابی به چنین هدفی

چیزی باقی نمانده است. کنگره سیزدهم "انترناسیونال سوسیال- لیستی" برای نخستین بار، با ذکر تأمین نیازمندی های بنیادی، توجه بیشتر سوسیال دموکراسی را به مسائل اجتماعی نشان داد. اما چه در اسناد کنگره سیزدهم وجه بعد، خواست تأمین کار، نان، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشتی برای توده مردم کشورهای رشد یافته شعاری بیش باقی نماند. علت آنستکه به این پرسش پاسخ داده نمی شود که: برای بهبود بنیادی وضع اجتماعی مردم اینگونه کشورها، از چه حاکمیت سیاسی- اقتصادی باید هواداری کرد؟

از سوی دیگر، برای دگرگون سازی دموکراتیک نظام اقتصادی بین المللی، مهم آنست که مسابقه تسلیحاتی ادامه خواهد یافت و یا آن که کشورهای جهان لااقل راه تحدید تسلیحات را بر خواهند گزید؟

"گزارش برانت" به این واقعیت همچگونه اشاره ای نمی کند. این گزارش، علی رغم آمارها و پیکره های گویایی که در آن گرد آمده است، راه حل سازنده ای ارائه نمی دارد. در "گزارش برانت" از نقش مجتمع نظامی- اقتصادی "سختی میان نمی آید. بجای آن، کوشش می شود "موضوعی میانی" اتخاذ گردد و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا به طور یکسان مسئول و خاست اوضاع بین المللی معرفی شوند. چنین موضوعی به دشمنان تنش- زدایی کمک می کند، که با پیش دروغ "خطر شرق" هدف ها و انگیزه های راستین خویش را پنهان دارند. این پدیده در کنگره پانزدهم "انترنا- سیونال سوسیالیستی" نیز پدیدار بود.

## کمونیسم ستیزی سوسیال دموکراسی

## پاسخگوی منافع زحمتکشان نیست

به رهبران سوسیال رفرمیست هم کمونیسم ستیزی سرایت کرده است. برخی از آنان به کارزارهای امپریالیسم علیه کشورهای سوسیالیستی کشانده می شوند و بهانه آنها نیز در این زمینه به اصطلاح همبستگی آتلانتیک است. روشن است که چنین سیاستی نمی تواند پاسخگوی منافع زحمتکشان باشد.

بر خورد عمومی رهبران سوسیال رفرمیست در برابر مسائل "نظام جدید اقتصاد بین المللی" نشان می دهد، که آنها تنها بگونه ای مشروط ماده کمک به حل مسائل کشورهای از بندرسته هستند از اینرو، حتی در صفوف سوسیال دموکراسی، نغمه های تنقید و اعتراض به "گزارش برانت" شنیده می شود. همه کس با این حکم برانست موافق نیست که راستای مباحثات درباره "نظام جدید اقتصاد بین المللی" برای سالهای ۸۰ تعیین کننده خواهد بود. یکی از نمایندگان "حزب سوسیال دموکرات دانمارک" در پانزدهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی"، این گزارش را "سازش با نظرات محافظه کارانه" خواند.

## تضادهای جدید

## سوسیال دموکراسی بین المللی

از آن هنگام که سوسیال دموکراتها خود را علمدار "نظام جدید اقتصاد بین المللی" می زنند، تضادهای جدیدی میان آنها پدیدار شده است. سیاست برخی از رهبران راستگرا منی بر "آشتی دادن" تضادهای میان امپریالیسم و کشورهای رشد یافته هر چه بیشتر با مقاومت هواداران ضد امپریالیستی و ضد انحصاری سوسیال دموکراسی روبرو می گردند شکی نیست که در صفوف سوسیال دموکراسی بین المللی نیز گرایش های همبستگی با پیکار

آزادی بخش ملی خلق های آسیا، آفریقا و بویژه آمریکای لاتین هست. این واقعیت که در شعارهایی چون آزادی و استقلال این خلق ها و همبستگی با مبارزه عادلانه آنها با زتاب میاید، در قطعنامه های "انترناسیونال سوسیالیستی" نیز منعکس شده است. در پانزدهمین کنگره "انتر- ناسیونال سوسیالیستی"، کمیته بین المللی برای

### جنبش غیرمتعهدها و نقش آن در مبارزه برضد امپریالیسم

جنبش کشورهای غیرمتعهد در آوریل سال ۱۹۵۵ در باندونگ (اندونزی) پایه گذاری شد و در ژوئن سال ۱۹۶۱ با شرکت نمایندگان ۲۲ کشور نواستقلال در قاهره، پایتخت مصر نخستین کنفرانس خود را برگزار نمود.

پیدایش جنبش غیرمتعهدها در سال های دهه ۵۰ با زتاب تحولات سیاسی و اجتماعی است که در آن سالها در عرصه جهانی انجام می گرفت. برای درک علت پیدایش جنبش غیرمتعهدها و آگاهی به محتوا و اهداف های این جنبش لازم است که از تاریخ روند تحولات سیاسی و پیشرفت های اجتماعی آن دوران شناختی واقع بینانه و به دور از تعصبات و پیش داوری های ذهنی گزایانه داشته باشیم.

پس از جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن که اتحاد شوروی سهم عمد و تعیین کننده در کسب این پیروزی به عهده داشت، تناسب نیروها در عرصه جهان به نفع نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درگرو شد. سوسیالیسم از چهارچوب یک کشور که در محاصره جهان سرمایه داری قرار گرفته بود، بیرون آمد و به یک سیستم جهانی بدل گردید. تحکیم و تقویت کشورهای جامعه سوسیالیستی که به تعمیق و تسریع هرچه بیشتر روند تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی به زیان امپریالیسم و به سود نیروهای ضدامپریالیستی و استقلال طلب کمک نمود، سر آغاز فروپاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم در عرصه جهان بود. خلق های کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره در قاره های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که طی سالیان متمادی علیه استعمارگران امپریالیستی در راه کسب استقلال و آزادی به مبارزه برخاسته بودند، به برکت تغییر تناسب نیروها که موجب تضعیف مواضع سیاسی و نظامی دول استعمارگر امپریالیستی به همیاس جهانی شده بود، در این مبارزه به کامیابی های چشمگیری دست یافتند و بر اثر آن هر روز شمار کشورهای نو استقلال فزونی تر شد.

امپریالیسم که دیگر قادر نبود سلطه استعماری و مواضع سیاسی و نظامی خود را در این کشورها حفظ نماید، بر آن شد که با شیوه های نوینی به این هدف دست یابد و کشورهای نو استقلال را از طریق گروه بندی های نظامی و سیاسی و وابستگی های اقتصادی به حیطة نفوذ و سلطه خود بکشاند. این شیوه های نوین که در سیاست نواستعماری تبلیور یافت، دام نازهای بود بر سر راه کشورهای نواستقلال و به بند کشیدن مجدد آنان از جانب امپریالیسم جهانی. پایه گذاران "جنبش غیرمتعهدها" در رویارویی با چنین سیاستی، با تکیه بر اندیشه اتحاد و همکاری همه نیروهای ضدامپریالیستی

و استقلال طلب و برخورداری از وجود جامعه نیرومند کشورهای سوسیالیستی به عنوان عامل برتوان و ضد امپریالیستی به تاسیس جنبش غیرمتعهدها همت گماردند.

از همان آغاز پیدایش اصول بنیادی این جنبش بر مبارزه علیه امپریالیسم، محکوم کردن گروه بندی های نظامی امپریالیستی و پذیرش سیاست همزیستی مسالمت آمیز استوار گردید.

در آوریل سال ۱۹۵۵، در باندونگ، نمایندگان کشورهای آسیایی و آفریقایی تازه به استقلال دست یافته بودند، در گردهم آئی خود جنبش غیرمتعهدها را به وجود آوردند. اصول بنیادی سیاست خارجی "جنبش غیر-متعهدها" بر اساس زیر اعلام شد:

شناسایی برابری حقوق همه خلق ها و ملیت ها، احترام به حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احتراز از شرکت در بیمان های نظامی امپریالیستی، دفاع از کشور خود طبق اصول منشور سازمان ملل متحد، اجتناب از بکار بردن نیرو و تهدید به آن در حل مناقشات میان کشورها، حل و فصل اختلافات از راه مذاکره.

شرکت کنندگان در گردهم آئی باندونگ حمایت خود را از مسئله خلع سلاح، منع سلاح اتمی و انحلال پایگاه های نظامی امپریالیسم بود محکوم ساختند.

دومین کنفرانس جنبش غیرمتعهدها در سپتامبر ۱۹۶۱ با شرکت سران ۲۵ کشور در بلگراد پایتخت یوگوسلاوی و سومین کنفرانس در سال ۱۹۶۴ با شرکت نمایندگان ۴۲ کشور، از جمله ۹ کشور از آمریکای لاتین در قاهره برگزار شد.

در چهارمین کنفرانس جنبش غیر-متعهدها که در سپتامبر سال ۱۹۷۳ در الجزیره تشکیل شد، فیدل کاسترو رهبر کوبا، طی سخنرانی خود در این کنفرانس، کارزار تبلیغاتی محافل امپریالیستی و رهبری مائو-ئیستی چین را که با میان کشیدن نظریه "دو ابرقدرت"، تلاش داشتند در روابط جنبش غیرمتعهدها با متحدان طبیعی خود، یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی، تقنین و خراکاری کنند، افشا و محکوم کرد.

فیدل کاسترو در سخنرانی خود نزدیکی روابط و کسرتش همکاری های میان کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها با جامعه کشورهای سوسیالیستی را به عنوان وسیله پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی و استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای عضوین جنبش ارزیابی نمود.

در ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد که در شهر بیروت ۱۳۵۸ در هاوانا پایتخت کوبا، تشکیل شد (نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و نیکاراگوئه نیز که پس از پیروزی انقلاب

خود به عضویت این جنبش در آمده و برای نخستین بار در کنفرانس غیرمتعهدها شرکت کرده بودند) موافقت نامه های خائنه کمپ-دیوید محکوم گردید و آرمان و خواست های خلق عرب فلسطین مورد حمایت شرکت کنندگان این کنفرانس قرار گرفت. در این کنفرانس مسئله بازسازی روابط اقتصادی بین-المللی و برقراری روابط نوین برابر حقوق میان کشورهای عضو جنبش با کشورهای سرمایه داری مطرح گردید و لزوم قطع هرگونه وابستگی اقتصادی کشورهای نواستقلال به امپریالیسم جهانی مورد تأیید قرار گرفت.

بدین ترتیب جنبش کشورهای غیرمتعهد با وجود ناهمگونی در نظام اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو که در سراسر تاریخ موجودیت آن بی سابقه بوده در اساس به اصول اولیه بینان-گذاری خود-مبارزه ضدامپریالیستی و استقلال-طلبانه-وفادار مانده و در نتیجه به عامل موثری در مبارزه خلق ها در راه کسب استقلال و استحکام مبانی آن و پیکار علیه سیاست نو-استعماری امپریالیسم تبدیل شده است.

شرکت جمهوری اسلامی ایران در این جنبش که به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند مردم میهن ما امکان پذیر گردید، از گام های مثبت و برجسته است که در زمینه سیاست خارجی کشور ما بر-داشته شده است. دولت جمهوری اسلامی ایران، با اتخاذ روش اصولی مبتنی بر واقع بینی و به دور از هرگونه تعصبات و پیشداوری های تنگ-نظرانه، می تواند در تعمیق و گسترش محتوای ضدامپریالیستی این جنبش تأثیری بسزا و نقش برجسته داشته باشد.

متأسفانه تاکنون ارزیابی های نیکه در مطبوعات کشور ما درباره نقش و محتوای این جنبش انتشار یافته و همچنین نظریاتی که از جانب برخی مقامات مسئول مملکتی در این باره بیان شده نه تنها به سود تقویت و زرفش محتوای ضدامپریالیستی و انسجام وحدت آن در مسائل عام مبارزه برضد امپریالیسم و سیاست نظامیگری و نواستعماری آن نبوده، بلکه غالباً همان مطالبی بعنوان "جهت منفی" جنبش غیر-متعهدها مطرح می شود که از بدو تاسیس این جنبش، از سوی محافل تبلیغاتی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رهبری مائوئیستی چین، باهدف نفاق افکنی در جنبش و ایجاد بدگمانی در روابط کشورهای غیرمتعهد با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی در میان کشورهای عضو این جنبش اشاعه داده می شود.

تکیه بر نظریه امپریالیستی-مائوئیستی "دو ابرقدرت" تو صبه به فاصله گیری برابر از آنها، عنوان کردن بسط نفوذ سیاسی اتحاد شوروی در این جنبش از طریق کشورهای سوسیالیستی عضو این جنبش مانند کوبا، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دموکراتیک افغانستان، جمهوری دموکراتیک خلق

یمن و دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین که سیاست پیگیر ضدامپریالیستی دارند، همان مطالبی است که امپریالیسم آمریکا و رهبری مائوئیستی چین به منظور محروم کردن جنبش غیرمتعهدها "از همبستگی و حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی عنوان می کنند و قصد دارند از این راه تسلط سیاسی و نظامی و اقتصادی مجدد امپریالیسم آمریکا و نیات برتری طلبانه رهبری مائوئیستی چین را بر کشورهای عضو این جنبش تحمیل نمایند.

وجود کشورهای سوسیالیستی مانند کوبا و ویتنام و کشورهای ضدامپریالیست پیگیر مانند لیبی و سوریه و کشورهای آسیایی با سمت گیری سوسیالیستی مانند یمن دموکراتیک و اتیوپی و کشورهای مستقل دیگری مانند هند، که استحکام و گسترش روابط و همکاری با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی خود می دانند نه نقطه ضعف و نارسانی جنبش غیرمتعهدها، بلکه از مثبت ترین و بارورترین جهات این جنبش در دستیابی به اهداف استقلال طلبانه و ضدامپریالیستی آن به شمار می آید. موجودیت اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی و توان اقتصادی و نظامی و نفوذ سیاسی و معنوی جهان سوسیالیسم مطمئن ترین وثیقه موفقیت کشورهای نواستقلال و جنبش های رهایی بخش ملی خلق ها در مبارزه به خاطر کسب و استحکام استقلال، مبارزه علیه امپریالیسم و توطئه های نظامی و نقشه های مداخله گرانه و تجاوزی آن است.

روابط گسترده بازرگانی و اقتصادی و کمک ها و همکاری های صنعتی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی با کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها به ایجاد صنایع ملی و پی ریزی شالوده استقلال اقتصادی این کشورها به جهان سرمایه داری می انجامد.

با پیشداوری ها و تعصبات تنگ نظرانه نمی توان از واقعیت موجود جهان معاصر و آرایش و تناسبات نیروها در صحنه جهانی شناختی واقع بینانه و راستین داشت. این پیشداوریها و تعصبات تنهایی توانند موجب انحراف و گمراهی در سمت گیری درست در مبارزه برضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و فاصله گرفتن از جبهه جهانی نیروهای واقعی ضدامپریالیستی و طرفدار آزادی و استقلال خلق ها شوند.

امید آن است که حاکمیت انقلابی در جمهوری اسلامی ایران بتواند بر این پیش داوری ها و ارزیابی های نادرست غلبه کند و منطبق با محتوای ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب اسلامی ایران، در جنبش غیرمتعهدها در کنار سایر نیروهای اصیل ضدامپریالیست، به تعمیق محتوای ضدامپریالیستی جنبش و اتحاد نیروهای اصیل ضدامپریالیست کمک کند.

### سوسیال دموکراسی

بقیمت از صفحه ۱۱

دفاع از انقلاب نیکاراگوئه تاسیس یافت، که یازده سوسیال دموکرات نامدار را در بر می گیرد. ریاست این کمیته را اقلیبه گونسالس، رهبر سوسیالیستهای اسپانیا، بعهده دارد. فرون براس، سوسیال دموکراسی، در کنگره یازدهم خود، ایالات متحده آمریکا را فرخاوند، تا کمک سیاسی و نظامی خود را به "خونتا ای السالوادور" پایان بخشید و "خونتا ای این کشور آمریکا مرکزی آرژانتینی" خود کامه خواند، که جنگ خانگی را در السالوادور مسد شده است. نمایندگان کنگره یازدهم همچنین همبستگی خود را با پیکارهای آزادی بخش آمریکای لاتین (بولیوی، گواتمالا، اروگوئه، پاراگوئه، شیلی)، آفریقا ("سوابو"، "کنگره" ملی آفریقا" و بولیسیاری) و کشورهای خط مقدم جبهه "ايران" داشتند.

اما، در این میان، ویژه در برابر پیکار آزادی بخش خلق السالوادور گرایش های حدیدی در سوسیال دموکراسی پدیدار شده است، سیاستمداران برجسته سوسیال دموکرات، ظاهراً زیر فشار ایالات متحده آمریکا، به تجدید نظر درباره موضوع گیری های خود درباره السالوادور پرداخته اند. اینان، بگزارش ۱۲ اسفند ۱۳۶۰ روزنامه "دی ولت" (جمهوری فدرال آلمان)، اکنون می گویند تا از یگو، ایالات متحده را به موضوع گیری برانگیزند، که بازگشت این کشور آمریکا مرکزی را به شرایط دموکراتیک ممکن سازد و از سوی دیگر تلاش می ورزند تا "میان جناح های

### کارنامه

بقیه از صفحه ۵

... بیکاری، تورم... همان شرایط عمومی سقوط هستند... (۱۱ فروردین ۶۰ - از کارنامه بنی صدر - انقلاب اسلامی) و آنوقت بیان "آرزوی وضع سابق"؛ ... (اگر) قوانین ما که در زمینه تغییرات اساسی اقتصادی در جهت استقلال از وابستگی و چه در جهت تغییر مناسبات اقتصادی داخل جامعه خوب اجزای شدند و اینطور نمی شده که بلا اجزایمانند و یاطوری اجرا اکثریت را بدست دارند. فزون بر این، باید از چند سازمان وابسته، مانند "کمیته آمریکای لاتین انترناسیونال سوسیالیستی"، "دفتر ویژه انترناسیونال سوسیالیستی" در توکیو برای آسیا و "سازمان میان آفریقایی احزاب سوسیالیستی" نام برد. سازمان اخیر، پس از سالها تلاش، در اواسط زمستان ۱۳۵۹ (فروردیه ۱۹۸۰)، مرکب از ۱۵ حزب، تشکیل شد. رهبران سازمان نامبرده خود را هوادار "سوسیالیسم دموکراتیک" و دشمن احزاب مارکسیست - لنینیست آفریقایی خوانند "مدل سوسیال دموکراسی" این رهبران، نظام انحصار دولتی جمهوری فدرال آلمان است!

**عملکرد متضاد سوسیال دموکراسی در عرصه مبارزه آزادی بخش ملی و اجتماعی**

عملکرد سوسیال دموکراسی بین المللی در عرصه مبارزه آزادی بخش ملی و اجتماعی خلق -

می شد که ما زرویی وضع سابق را بکنیم... (۲۳ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی - کارنامه بنی صدر)

"انقلاب اسلامی" از "بحران" سخن می - گفت (عنوان سرمقاله "انقلاب اسلامی"، ۱۵ اردیبهشت ۶۰) و "رنجبر" آنرا نشخوار می - کرد:

"... جامعه ما بار دیگر در بحران قرار گرفته است... خطر جدی انحراف و شکست انقلاب موجود است..." (رنجبر شماره ۱۵۱) و همه اینها تدارکی بود برای وارد آوردن ضربه نهائی به انقلاب، (ادامه دارد)

های آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین بسیار متضاد است. از یگو، گرایش وابسته به امپریالیسم درون آن به منافع حیاتی این خلق ها لطمه وارد می آورد و پیشبرد پیکار انقلابی آنها را مانع می - گردد. از سوی دیگر، برخی جریانات، خواستها و فعالیت های فزاینده ضدامپریالیستی را در میان صفوف آن نمی توان نادیده انگاشت. نیروهای انقلابی وظیفه دارند که از هرگامی که برای صلح و دموکراسی مفید باشد، پشتیبانی کنند.

بابهای نبرد اصولی با ایدئولوژی رفرمیستی، می توان و باید، در چارچوب وحدت جهانگستر نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک در مبارزه با امپریالیسم، استعمار، نواستعمار و نژادپرستی، به پیکار در راه دفاع از منافع ملی و اجتماعی خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین علیه سیاست تجاوزکارانه و صلح ستیز امپریالیسم ادامه داد و به چشم انداز آن خوشبین بود.

به پیشواز هفته سالگرد جنگ عادلانه برضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

# جنگ تحمیلی دوستان و دشمنان انقلاب را در صحنه جهانی شناساند



کودکان انقلابی میهن ما در نبرد با امپریالیسم آمریکا و با دیدن دوشادوش برادران رزمنده خود به پیش می تازند!

● امپریالیسم خبری با کمک جاسوسان خود در "انقلاب اسلامی" و دوستانش در "میزان" به شیخ پرداخت که شوروی از راه بندر عقبه به رژیم صدام سلاح می دهد بعد آتش شد که بندر عقبه از یکسای قیل توسط آمریکا برای رساندن اسلحه به عراق تجهیز می شده است

● در جریان جنگ تحمیلی، آمریکا و تفاله هایش کوشیدند تا آمریکا "منسی" شود و شوروی تحریک کننده جنگ معرفی گردد. این توطئه با شکست مواجه شد.

آنان در ایران را عقیم گذاشت. سفارت شوروی در ایران روز بعد این خبر را تکذیب کرد و "کیهان" در این مورد نوشت:

واستسنه مطبوعاتی سفارت شوروی در تهران صبح امروز طی تماسی با کیهان خبر روزنامه فاینانشال تایمز را مبنی بر ارسال اسلحه شوروی به عراق تکذیب کرد: (کیهان، ۱۳ مهر ۱۳۵۹)

اما لیبیرال های وطنی، که عرصه مناسی برای کسیدن پای شوروی به میان جنگ عراق علیه ایران، به عنوان عامل جنگ یافته بودند، همین خبر تکذیب شده را اینبار از منبع دیگری از منابع امپریالیسم خبری به جاب رساندند. روزنامه "انقلاب اسلامی" در شماره ۱۶ مهر ۵۹ خود همین خبر را این بار به نقل از روزنامه "فرانسوی" لوموند " به جاب رساند، و به این ترتیب دامنه توطئه، علیه رژیم تکذیب سفارت شوروی، باز هم گسترده شد.

اما برخلاف تصورات امپریالیسم خبری و لیبیرال های "هوادر حفظ منافع آمریکا در ایران که فکرمی کردند می توانند مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در این ترفند گرفتار آورد، امام خمینی و دیگر پیروان خط امام از همان روزهای آغاز جنگ، برانگیزاننده اصلی تجاوز صدام حسین به ایران را ساختند و اعلام کردند:

امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، پس از تجاوز جنگنده های عراق به خاک ایران تصریح کردند که:

"صدام حسین به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است" و "ایران در حال جنگ با آمریکا است."

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران، در خطبه های نماز جمعه ۴ مهر ۵۹ یادآور شد که:

"تجاوزگران یعنی در راه آمریکای جنگند در راه اسرائیل می جنگند."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در این زمینه گفت:

"این جنگ را در حقیقت آمریکا شروع کرده و دامن می زند." (مصاحبه مطبوعاتی، ۷ مهر، ۱۳۵۹)

شهید محمد علی رجائی، نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی ایران، طی سخنانی، در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی، از جمله گفت:

دولت آمریکا از ابتدای انقلاب ما می کوشید که این انقلاب را به هر صورتی ممکن است از مسیر خودش خارج کند. تلاش های پنهانی او بعد از تسخیر لانه جاسوسی بر ملا شد. تلاش های آشکار و پنهانی، نجات گروگان ها با شکست کامل روبرو شد و پس از این دوشکست، از جمله مستقیم منصرف شده و حالا به کمک عراق انقلاب اسلامی ما را مورد تجاوز قرار داده است." (روزنامه ها، ۷ مهر ۱۳۵۹)

همچنین در مورد جعلیات امپریالیسم خبری در مورد شرکت اتحاد شوروی در جنگ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، در یک مصاحبه مطبوعاتی نقطه نظرات خویش را چنین عنوان کرد:

"من هنوز دفاع از صدام حسین در جنگ با ایران را از روسیه شوروی ندیدم. برای ما روشن نشده است، یعنی ما نمی بینیم که شوروی بقمار صفحه ۱۴

که به دام این ترفند افتاده بود، به صورت زیر به چاپ رسید:

"بیت المقدس: خبرگزاری فرانسه: روز - نامه های تل آویو در شماره های امروز خود نوشتند هواپیماهای عراقی که اخیراً به اردن منتقل شده اند، فقط برای تجهیز شدن به ساز و برگ نظامی به این کشور رفته اند. بر اساس گزارش خبرنگاران این روزنامه، هواپیماهای عظیم الحثه حمل و نقل ساخت روسیه، در یکی از پایگاه های نزدیک امان فرود آمدند تا مقادیری بمب و مهمات جنگی به عراق حمل کنند." (اطلاعات، ۳ مهر ۱۳۵۹)

به مضمون این خبر توجه کنید: از جمله هواپیماهای... ساخت روسیه و هواپیماهای متعلق به شوروی استفاده شده. این هواپیماها البته می توانستند متعلق به کشورهایی از قبیل سوئالی و مصر باشند و بودند که در دهه قبل از شوروی اسلحه می گرفتند و سپس بر اثر خیانت رهبرانشان به نوکران امپریالیسم میدل شدند و در نتیجه، ارسال سلاح از طرف اتحاد شوروی به آنها قطع شد.

روزنامه اطلاعات این خبر سرپا مشکوک را با این تیتر به جاب رساند:

"شوروی بمب و مهمات به عراق تحویل داد."

بد نیست در این جا به مسیر این خبر در مطبوعات ایران نظری بیفکنیم:

روزنامه صبح آزادگان این خبر را به صورت زیر منتشر ساخت:

"هواپیماهای عظیم الحثه حمل و نقل ساخت روسیه در یکی از پایگاه های نزدیک امان فرود آمدند تا ظاهراً مقادیری بمب و مهمات و همچنین دارو به عراق حمل کنند." (صبح آزادگان، ۳ مهر ۱۳۵۹)

یک هفته بعد روزنامه اطلاعات خبری از خبرگزاری فرانسه را بصورت زیر منعکس ساخت:

"واشنگتن - خبرگزاری فرانسه - یک منبع آگاه نظامی در واشنگتن اعلام کرد که هواپیماهای حمل و نقل شوروی، حامل مقادیر زیادی اسلحه و مهمات جنگی که به طرف عراق پرواز کرده بودند به علت شدت نبردها در شمال خلیج فارس و منهدم شدن پایگاه های نظامی عراق، توسط هواپیماهای ایرانی مجبور به بازگشت به سوی شوروی شدند." (اطلاعات، ۱۰ مهر ۱۳۵۹)

ملاحظه می کنید که در این جایک "منبع آگاه نظامی آمریکا" خبر حمل اسلحه از شوروی را به عراق "یاد" می کند و امپریالیسم خبری آنرا به این سو و آن سو به پرواز در می آورد.

امپریالیسم خبری پس از کسب اولین پیروزی های خود در زمینه، بخش اخبار کذب در مورد ارسال "اسلحه" شوروی به عراق، ترفند دیگری را به موقع اجرا گذاشت:

"لندن: خبرگزاری فرانسه - روزنامه فاینانشال تایمز در شماره اخیر خود نوشت اتحاد شوروی همچنان به ارسال اسلحه خود بطور معمول ادامه می دهد. این روزنامه نوشت شوروی از افزایش تحویل اسلحه به عراق، از زمان گسترش خشونت بین ایران و عراق، خودداری کرد و فقط "بطور معمول" اسلحه به عراق ارسال می دارد." (میزان، ۱۲ مهر ۱۳۵۹)

اما این ترفند با تکذیب اتحاد شوروی روبرو شد و توطئه امپریالیسم خبری و همکاران

خبری و توسط لیبیرال های وطنی به اجرا درآمد.

درست یک روز پس از حمله رژیم صدام حسین به ایران، روزنامه کیهان که آن روزها در اختیار ابراهیم بزیدی بود، در خبری چنین نوشت:

"در وزارت دفاع آمریکا یک سخنگو گفت آمریکا به هیچ وجه در این حمله دخالت نداشته است و اظهار امیدواری کرد که تهیه کننده عمده تسلیحات عراق، یعنی شوروی نیز از دخالت در این امر اجتناب ورزد." (کیهان اول مهر ۵۹)

دوم مهر ۱۳۵۹، گردانندگان روزنامه کیهان، تحت نظارت عالیله دفتر ابراهیم بزیدی گزارش مفصلی را از خبرگزاری فرانسه، در صفحه ۱۲ خود با تیتر درست به جاب رساندند، با عنوان: "ایران برای چندمین بار خواستار قطع فروش اسلحه شوروی به عراق شد."

در متن خبر، پس از ارائه اطلاعاتی درباره فرار داد و فروش اسلحه شوروی به عراق، این حمله معنی دار و جهت دهنده به چشم می خورد:

"در عین حال باید دانست مسکو در سال ۱۹۷۸ (۲ سال و نیم پیش از شروع جنگ) اعلام کرده است، که فروش اسلحه خود را به عراق افزایش خواهد داد." (کیهان، ۲۰ مهر ۵۹)

این خبر تحریک آمیز این چنین به پایان می رسید:

"سازگزارش همین خبرگزاری از بیت المقدس (!) اتحاد شوروی آماده است تا موشک های زمین به زمین به عراق تحویل دهد." (همانجا)

بدین ترتیب برده اول سناریو به اجرا درآمد که، بر اساس آن، آمریکا اصلاً در جنگ دست نداشت و برعکس شوروی مسلح کننده رژیم صدام و محرک آن به جنگ بود!

## حمل اسلحه به عراق پس از جنگ

برده دوم این سناریو عبارت بود از تبلیغ کسریه این دروغ، که اتحاد شوروی پس از شروع جنگ به عراق اسلحه می دهد.

در این جا باز یکی دیگر از اعضای امپریالیسم خبری، یعنی خبرگزاری فرانسه، پیش قدم بود. خبر این خبرگزاری به نقل از روزنامه های تل آویو (!) متأسفانه در روزنامه اطلاعات

پرده دوم این سناریو عبارت بود از تبلیغ کسریه این دروغ، که اتحاد شوروی پس از شروع جنگ به عراق اسلحه می دهد.

در این جا باز یکی دیگر از اعضای امپریالیسم خبری، یعنی خبرگزاری فرانسه، پیش قدم بود. خبر این خبرگزاری به نقل از روزنامه های تل آویو (!) متأسفانه در روزنامه اطلاعات



قانع و امیدوار، با عزمی پولادین برای نبرد با تجاوزگران آماده می شود!

۲۸ شهریور ۱۳۵۹، متجاوزان صدامی به ایران انقلابی تهاجم وسیع نظامی کردند. با بمباران چند فرودگاه ایران جنگ تحمیلی آغاز شد و به فقط در آغاز، بلکه از چند ماه قبل نیز آشکار بود که این جنگ توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران است.

سندی که بعداً فاش شد، نشان داد که نقشه تجاوز رژیم صدام حسین به ایران، یک سال پیش از آن، در ستاد مرکزی "سیا" و "کمیسیون های ویژه ایران" در واشنگتن و لندن طرح ریزی شده است.

این نقشه پس از جنگ، توسط روزنامه "تشریح" جاب سوریه فاش گردید طبق این سند، که نامه محرمانه "قسمت سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا" بود در مرداد ۵۸ است، امپریالیسم آمریکا به طرح این نقشه پرداخت، تا برای "ناسود کردن انقلاب اسلامی آیت الله خمینی" (از من سند) از جمله "سعه ور کردن آتش اختلاف و جنگ میان ایران و کشورهای همسایه ایران، که اختلاف مرزی دارند، استفاده شود." (از متن سند منتشر شده در روزنامه های ایران، ۲۱ آبان ۱۳۵۹)

پس ترتیب پس از آغاز تهاجم صدامیان به ایران، امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، که خود بعد از طرح نقشه مقدمات جنگ را نیز از مدتی قبل فراهم کرده و حتی مبالغ هنگفتی صرف تجهیزات بندر عقبه کرده بود، بهتر از هر کس می دانست چه توافقی افتاده است.

امپریالیسم آمریکا حساب کرده بود که با تیر زهر آکن صدام دوشان خواهد زد؛ اول جنگی را به ایران تحمیل می کند، تا زمینه نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم شود. دوم به حساب اینکه رژیم عراق، در زمانی که هنوز

سازد امپریالیستی داشت، توسط سلاح های صاحب شوروی تجهیز می شد و تبلیغ اینکه هنوز هم شوروی به عراق اسلحه می دهد، روابط ایران را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تیره می کند.

انجام این نقشه به امپریالیسم خبری و دوستان داخلی امپریالیسم در ایران سپرده می شد.

با آغاز تهاجم رژیم صدام حسین به خاک ایران، امپریالیسم خبری با سو - استفاده از روابط اتحاد شوروی و رژیم عراق (مربوط است به کمک های نظامی اتحاد شوروی به عراق، زمانی که این رژیم هنوز سیاست ضد - امپریالیستی داشت برای تقویت جبهه مبارزه علیه اسرائیل و آمریکا) با همه نیرنگ ها و ترفند ها به میدان آمد، تا ثابت کند که اتحاد شوروی هم

در این تجاوز شریک است، و نه فقط شریک است بلکه عامل اصلی در ایجاد آن است. هدف اصلی این کوشش عبارت بود از خارج کردن آمریکا از زیربویه، و به گفته امام خمینی: "منسی کردن آمریکا". برای این منظور صدها "خبر"، که همه حکایت از این داشتند که اتحاد شوروی، پس از شروع جنگ، هنوز هم به عراق از طریق هوا و زمین اسلحه می دهد، از طریق شبکه عظیم امپریالیسم خبری در سراسر جهان پخش شد.

محافل لیبیرالی و مائوئیستی نیز این "اخبار" جعلی را با آب و تاب بمنظور "منسی کردن آمریکا و سیر کردن جبهه جنگ در آمریکا، یعنی تبلیغ خطر شوروی" و بالا اقل شریک جرم تراشیدن برای آمریکا و تقسیم بی آبرویی، در نشریات خود منتشر ساختند.

لیبرالها و مائوئیستها مجری سیاست آمریکا.

سناریوی ضد شوروی از روز اول تجاوز رژیم صدام حسین به ایران، بر اساس خبر "صدور اسلحه شوروی به عراق"، توسط پیناکون (وزارت دفاع آمریکا) طرح ریزی شد و از طریق امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۴

## به پیشواز هفته جنگ...

یک موضع طرفداری از عراق گرفته باشد. (میزان ۵۹مهر)

### اینبار بندر عقبه

امیربالیسم خبری در این جاسا با اولین شکست خود روبرو شد، اما یهوسیله جاسوسانش در روزنامه "انقلاب اسلامی" و دوستانش در روزنامه "میزان"، که دروغ‌های آن را بزرگ و بزرگ می‌کردند، و نیز در اکثر مجله‌های برخی از پزیروان خط امام، که به آسانی در دام می‌افتادند، به توطئه ادامه داد و سومین پرده سناریوی ضد - شوروی به روی صحنه آمد.

پس از "ارسال اسلحه از طریق هوا" تویت زمین رسید! امیربالیسم خبری به سراغ "بندر عقبه" رفت و با استفاده از نقل و انتقالات نظامی در این بندر، که بعدها فاش شده همگی کمک‌های نظامی کشورهای امیربالیستی و کشورهای مرتجع منطقه به رژیم صدام بوده، گزارش‌هایی را در مورد "نقل و انتقالات اسلحه‌های روسی" از بندر عقبه در سراسر جهان پخش کرد:

"خبرگزاری رادیو دانمارک - آمان - تصویری رود که هم‌اکنون دولت اردن از طریق زمین کمک‌های نظامی برای عراق می‌فرستد این خبرگزاری گزارشی دهد که در راه بین آمان، بغداد، کاروان‌های طولانی نظامی دیده می‌شود که حامل ساز و برگ جنگی ساخت شوروی بودند که در بندر عقبه تخلیه شده است. اسرور چنین استنباط می‌شود که شوروی از طریق زمین یک کشور ثالث اقدام به فرستادن کمک‌های نظامی مورد نیاز عراق نموده است." (اطلاعات، ۱۳ مهر ۱۳۵۹)

همین خبر را "لوموند" این چنین به چاپ رساند:

"روسیه این تجهیزات را از طریق شیخ نشین کویت و بندر عقبه در اردن به عراق ارسال می‌دارد." (میزان، ۱۶ مهر ۱۳۵۹)

یونایتد پرسیز فوکل "منابع مطلع" این خبر را به طور محرز و کامل این چنین گزارش داد: "یونایتد پرسیز، به اظهار منابع مطلع - عراق از طریق بندر عقبه در دریای سرخ مرتباً مهمات و قطعات یدکی از شوروی دریافت می‌کند، این منابع افزودند: تجهیزات ارسالی شوروی در بندر عدن در یمن جنوبی و بندر

مسواه در اتیوپی تخلیه می‌شوند. محصولات ارسالی شوروی از طریق کامیون از بندر عقبه به مرز عراق حمل می‌شود." (انقلاب اسلامی، ۱۵ مهر ۱۳۵۹)

عین همین خبرنامه‌ها در روزنامه‌های "صبح زادگان" و "جمهوری اسلامی" ۱۶ مهر ۵۹ هم به چاپ رسید.

این پرده از نمایش چنین ادامه یافت: "تل آویو - خبرگزاری فرانسه - رادیو اسرائیل (توجه کنید! رادیو اسرائیل) برای چندمین بار در بخش‌های خبری خود گزارش داد چند کشتی روسی حامل تسلیحات و مهمات وارد بندر عقبه در اردن شدند، تا برای عراق اسلحه خالی کنند. یگفته مفسر نظامی تلویزیون اسرائیل، تا این موقع (۱۶ مهر) فقط یک کشتی در بندر عقبه پهلو گرفته است." (میزان ۱۷ مهر ۱۳۵۹)

این "یک کشتی" در همان روز به "پنج کشتی" تبدیل شد: "آسوشیتد پرسیز: منابع آگاه گزارش دادند که عراق از آغاز جنگ تاکنون، ۵ کشتی لوازم یدکی ساخت شوروی، از طریق بندر عقبه دریافت کرده است." (کپهان، ۱۷ مهر ۱۳۵۹)

این خبر نیز از طرف اتحاد شوروی تکذیب شد. راد یوسکو در برنامه ۱۸ مهر ۱۳۵۹ خود در این مورد از جمله چنین گفت:

اتحاد شوروی ادعاهای خبرگزاری‌های غرب را درباره اینکه گویا اسلحه شوروی از راه بندر عقبه اردن به عراق فرستاده می‌شود تکذیب کرد.

امالیرال‌ها و ماژوریت‌های آمریکائی - به ویژه جاسوسان جا گرفته در "دفتر هماهنگی" و روزنامه "انقلاب اسلامی" - علیرغم این تکذیب، بطور مداوم به اشتداد پخت عموسام روغن اضافه کردند و نمک و قفل زدند تا آن را به مردم ایران بخورانند.

"انقلاب اسلامی" نوشت:

"آیامی توان پذیرفت که عراق با وجود وابستگی تمام عیار نظامی به روسیه، علیرغم خواست مسکو به ایران حمله کرده است؟" (انقلاب اسلامی، ۳ مهر ۱۳۵۹)

روسیه در ماه‌های اخیر در رابطه با تجاوز نظامی اش به افغانستان در پیگیری بی-آمان و سپه‌مکین با زمندگان مسلمان افغانستان گرفتار آمده بود. در نتیجه شوروی برای نجات از این بن بست از تنهاراهی که برایش باقی مانده بود استفاده کرد و هیئت حاکمه عراق را که به وسیله ثروت‌های غنی منابع نفتی پیمان‌های طویل‌مدت و سنگین نظامی داشت، با اسلحه

های مدرن و ارتشی نسبتاً مدرنیزه را در منطقه بوجود آورده بود، بهره‌جست و صدام را دلگرم از پشتیبانی نظامی خود، به حملات ایران تشویق نمود." (نگاهی کوتاه به جنگ ایران و عراق - انقلاب اسلامی، شماره ۴۰)

اما چنانکه رسم تاریخ است، واقعیت بر - خلاف نیات امیربالیسم و لیبرال‌ها و ماژوریت - های وطنی سیر کرد. در تاریخ ۱۲ تا ۱۳ ۱۳۵۹، در نماز جمعه از سوی بهزاد نبوی، سخن گوی دولت شهید رجائی اعلام شد:

"آمریکا خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته و شبانه روز در خدمت عراق است. مدتی بعد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، که از یک سفر موفقیت آمیز از لبنان، سوریه، الجزایر و فلسطین باز گشته بود، اطلاعات وسیعی مبنی بر شرکت آمریکا و دیگر کشورهای مرتجع منطقه در جنگ علیه ایران، در اختیار رسانه‌های گروهی قرار داد. رئیس مجلس در یک مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ این پرسش که: آیا اتحاد شوروی به عراق کمک می‌کند، گفت:

"همین‌جا که بودیم خبری داشتیم و آنجا که رفتیم، این خبر تأیید شد. این‌جا که بودیم بطور رسمی از طرف آقای بنی‌صدر به ما اطلاع داده بودند که شوروی به فرستاده عراق که رفته اسلحه می‌خواستند است، گفته است که ما این جنگ شماره جنگ به نفع امیربالیسم می‌دانیم. جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد - امیربالیستی است و ما نمی‌توانیم کمک کنیم به جنگی که علیه آن جریان کاری کند." (مصاحبه مطبوعاتی، ۹ آذر ۱۳۵۹)

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد بندر عقبه و نقل و انتقالات نظامی در آنجا گفت:

"عراق قبلاً یک میلیارد دلار به اردن برای توسعه بندر عقبه داده بود و معلوم بود که با نقشه آمریکا بندر عقبه مجهز شده برای پس‌دیرفتن کشتی‌ها در جنگ." (همانجا)

رئیس مجلس در مورد اخیر، در سخنانی در اجتماع بزرگ بازار تهران - ۱۲ آذر ۵۹ - خاطر نشان ساخت که:

"ترا (بندر عقبه) توسعه دادند، اسکله زیاد کردند برای روزی که جنگ شروع می‌شود. ... ملک حسین، اسرائیل، عربستان سعودی و خیلی کسان دیگر در توطئه قرار می‌گرفتند. آمریکا هدایت‌گر و راهنماست و اینها مجری." و به این ترتیب روشن شد که بندر عقبه، که اینهمه درباره تحویل سلاح شوروی از آنجا به رژیم عراق تبلیغ میشد، در واقع از یک سال قبل، با یک میلیارد دلار آمریکائی، برای رساندن اسلحه به صدام تجهیز می‌شده، ولی

امیربالیسم خبری از طریق اخبار جعلی، با یک تیر دو نشان می‌زد: لاپوشانی کمک آمریکا به رژیم صدام و جانشینی شوروی بجای آن. و سرانجام پس از گذشت نزدیک به ۳ ماه از آغاز جنگ، با وجود تلاش شبانه‌روزی، نقشه - امیربالیسم خبری و دوستان داخلی آن، که سعی کردند اتحاد شوروی را به عنوان عامل جنگ معرفی و بدینسان آمریکا را "منسی" کنند، با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گشت. معلوم شد که اتحاد شوروی بعلت تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به ایران، ارسال اسلحه و کمک نظامی را به عراق متوقف ساخته است. معلوم شد که در این جنگ نه اتحاد شوروی، بلکه جبهه متحد امیربالیسم جهانی و رژیم‌های ارتجاعی منطقه به سرکردگی آمریکا شرکت دارند و آنرا دامن می‌زنند، تا زمینه برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد.

### جنگ تحمیلی

### دوستان و دشمنان انقلاب را

### در صحنه جهانی شناساند

جنگ تحمیلی طراحی شده توسط آمریکا و اجرا شده توسط رژیم صدام، به نوبه خود دوستان و دشمنان انقلاب ایران را شناساند. در سالگرد این جنگ تجاوزکارانه مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب ایران کاملاً آشکار شده است.

در کنار ایران، جبهه ضد امیربالیستی جهانی قرار دارد، که در آن کشورهای مسلمان انقلابی نظیر لیبی، سوریه، الجزایر و کشورهای با ستمگری سوسیالیستی مانند چین، دموکراتیک و اتیوپی و... و کشورهای سوسیالیستی دیده میشوند. در مقابل ایران جبهه امیربالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا ایستاده است که در آن هم کشورهای به اصطلاح مسلمان از قبیل عربستان، مصر، سوآن، پاکستان و... قرار دارند و هم کشورهای غیرمسلمان از قبیل آمریکا

اروپای غربی، اسرائیل و... و سناریوی که امیربالیسم خبری بدستور امیربالیسم آمریکا، در آغاز تجاوز صدام به ایران پیاده کرد و هنوز هم می‌کند، مخدوش کردن این دو جبهه و جدا کردن ایران از دوستان آن در جهان است. این جوهر اصلی نقشه امیربالیسم آمریکا برای منزوی کردن ایران و سپس نابود کردن انقلاب ایران است. بر همه نیروهای انقلابی است که در برابر این ترفند هشیار باشند.

### نمایندگی‌های محترم فروش "اتحاد مردم" دوستان و هواداران اتحاد دموکراتیک مردم ایران!

خواهشمند است بهای نسخه - های هفته‌نامه "اتحاد مردم" و کمک‌های نقدی خود را طی حواله‌های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آریا شهر به نام محمود اعتمادزاده واریز و فتوکی قبض آن را به نشانی: تهران منطقه پستی ۱۳، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۲ ارسال فرمایند.

با درود و سپاس:  
هفته‌نامه "اتحاد مردم"

### تصحیح و بوزش

مناسفانه، در عنوان شعری که هفته گذشته چاپ شد، اشتباهی رخ داد. ضمن بوزش از شاعر ارجمند و خوانندگان عزیز، بدینوسیله توضیح داده می‌شود که صحیح آن "در مشایعت" می‌باشد.

شوروی حمله و شود ظرف دوسه هفته، "برق آسا"، کار شوروی را هم بسازد و سپس به آسانی (!) "جهان" را تصرف کند. شرح حرواحات پیچیده دوران جنگ دوم جهانی در حوصله این مقال نیست. این قدر باید گفت که این سیر حوادث پیچیده از جمله باعث شده که

آمریکا و انگلستان "نق نق ران" وارد ائتلاف ضد هیتلری با اتحاد شوروی شوند، آمریکا به این امید که بعد از پایان جنگ، با استفاده از ضعف ناشی از "خونریزی" همه دولت‌های جنگنده (از جمله و بویژه انگلستان) سلطه "خویش را بر جهان بگستراند، و انگلستان به این امید که شاید بتواند لااقل "بخشی" از امپراطوری را، که در آن "آفتاب بر روی پرچم دولت فحیمه" غروب نمی‌کرد، حفظ کند. به همین دلیل و در راه دسترسی به همین مقصود، در اوایل جنگ و آنگاه که شکست هیتلر و متحدانش دیگر محرز شده بود و چگونگی وضع آینده جهان مطرح بود، در کفرانسی که در مسکو، با شرکت مولوتف وزیر خارجه شوروی، آچسن، وزیر خارجه آمریکا، و بوین، وزیر خارجه انگلستان تشکیل یافت، انگلستان و آمریکا به اتحاد شوروی پیشنهاد کردند که ایران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شود.

این پیشنهاد با شدت از سوی اتحاد شوروی رد شد. مولوتف اعلام داشت که اتحاد شوروی تمامیت ارضی و استقلال ایران را رضامند کرده است و اتحاد شوروی از اصول سیاست خارجی خود، که احترام کامل به استقلال و تمامیت ارضی همه کشورهاست، تخطی نمی‌کند و نخواهد کرد. دولت پیشنهاد تقسیم ایران از دستور مذاکرات باید خارج شود، چونکه اساساً قابل طرح و مذاکره نیست.

تجدید این پیشنهاد، چنان که مارتین کال مدعی است که از سوی کارتر به وسیله شمشیت به اتحاد شوروی شده، این

فرار دادی به امضا رسید که طبق آن قرار شد بخش شمالی ایران قلمرو سلطه روسیه، تزاری، بخش جنوبی بر سلطه امپراطوری انگلستان و یک بخش میانه "بیطرف" نیز بعنوان حائل دو بخش دیگر باشد. تا این دو جانور بهم نرسند و هر کدام با خاطری آسوده به عارت استعماری بخش "خویش" مشغول شود.

انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثر، که سال ۱۹۱۷ بساط سلطنت مطلقه تزارها را در روسیه ریخت و آزار برای همیشه به ریاله دان تاریخ افکند، مانع از اجرای این قرارداد و تقسیم ایران گردید. دولت جوان شوروی، که به ریاست لنین بر روی ویرانه رژیم تزاری پایه عرصه وجود نهاد اعلام داشت که تمام قراردادها و موافقت نامه‌های سری با علنی را که بین روسیه تزاری با هر دولت دیگر، بریان استقلال و تمامیت ارضی کشور ثالث و یا برای سلطه بر کشور ثالث، انعقاد یافته است، ملغی می‌داند. دولت شوروی اعلام داشت که احترام به حق حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی همه کشورها، سیاست اصلی اوست و در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ برای تقسیم ایران محکوم و ملغی اعلام گردید و تمامیت ارضی ایران حفظ شد.

سالها گذشت و دولت‌های امیربالیستی، همه دست بدست هم دادند و فاشسیم آلمان و ماشین جنگی بهمیش را بعنوان نیروی صرستی امیربالیستی بر پا داشتند، تا با تهاجمی "برق آسا"، اتحاد شوروی را درهم شکنند. ولی با وجود سبهکاری چمبرلین (انگلستان) و دلالادیه (فرانسه) در مذاکرات "مونیخ" هایتلر، که مضمون آن "کش دادن" هیتلر برای حمله به شوروی بود در تاریخ ۳۰ سپتامبر مونیخ "تست شد" هیتلر در صدد برقراری "نظام نوین" در "جهان" برآمد و برای رسیدن به این مقصود، ابتدا به فرانسه و انگلستان حمله برد، تا پس از تصرف اروپا و خالی کردن میدان از رقبا، آنگاه به

### بقیه از صفحه ۱۴ آمریکا هم چنان...

شوروی در می‌آید و قسمت جنوبی در اختیار آمریکا قرار می‌گیرد، که این پیشنهاد از طرف شوروی رد شد."

این خبر باید درست باشد، نه فقط بدلیل اینکه وقاحت آمریکا حد و مرز نمی‌شناسد، بلکه همچنین بدلیل این که تخریب ایران هدف دیرینه‌ای است که امیربالیسم، به سرکردگی آمریکا، همواره تعقیب کرده و در شرایط کنونی نیز بصورت - های مختلف تعقیب می‌کند، تا بدین وسیله، با حذف موجودیت ایران، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشکند. شاید خوانندگان ما با خاطر داشته باشند که سال گذشته روزنامه "تیلیتس" چاپ هندوستان، روزنامه "پراودا"، چاپ شوروی، فاش ساختند که آمریکا طرحی برای تجزیه ایران در چنته دارد. به نام طرح "لوتیز" (یکی از صهیونیست‌های هارو معروف که طراح آن است). طبق این طرح، که برزیلنکی آنرا "اصلاح" کرده، تا قابلیت اجرای بیشتری پیدا کند، آمریکا کوشش خواهد کرد که از طریق تجزیه برخی کشورهای بزرگ منطقه (از جمله ایران) کشورهای کوچک تری بوجود آورد که آسوتر قابل "اداره" باشند.

طبق این طرح، کردستان ایران، خوزستان و بلوچستان ایران می‌بایستی از ایران جدا شوند و هر کدام با بخش کوچکی از سرزمین‌های کشورهای هم‌مرز، کشور - های کوچکی را تشکیل دهند، تا اگر سیری ناپدید آمریکا بهتر بتواند آنها را سلطه از "طرح لوتیز" که گذریم، مایند یادآوری کنیم که در ۱۹۰۷، آنگاه که تزارها در روسیه سلطنت مطلقه داشتند و روسیه تزاری دولتی استعمارگر و امپراطوری انگلستان نیز سردمدار امیربالیسم جهانی بود، بین این دو دولت سلطه‌گرو عارتگر

توطئه بزرگ

بقیه از صفحه ۱

"میتسوبیشی" و "ایدمیتسو" بر اساس قرارداد هائی که با ایران امضاء کرده بودند، روزانه ۲۳ هزار بشکه نفت مستقیماً از شرکت ملی نفت ایران خریداری می کردند.

خبرگزاری فرانسه در توضیح این خبر خود اضافه می کند که، این نخستین بار است که شرکت های نفت ژاپن به قرارداد های خرید مستقیم نفت از یک کشور عضو "اوپک" پایان می دهند، در گزارش واحد مرکزی خبر، به نقل از رویتر، از قول مقامات دولتی توکیو گفته می شود که:

"وضع نا پسامان ایران باعث شده است که ادموآر دات نفت ژاپن از ایران و تکمیل ساختمان طرح چند میلیارد دلاری پتروشیمی در ساحل خلیج فارس در معرض شک و تردید قرار گیرد".

بدون آنکه محتاج توضیح و تفسیر بیشتر باشیم، خودخبر نشان می دهد که تصمیم ژاپن به لغو خرید های نفت از ایران و معلق نگاه داشتن تکمیل ساختمان طرح پتروشیمی بندر امام خمینی یک تصمیم سیاسی است و نه تصمیمی اقتصادی، که بالا بودن قیمت های نفت ایران بهانه تاختان قلمداد شده است.

اینکه گویا بعلت بالا بودن قیمت نفت ژاپنی ها خرید نفت ایران را به حال تعلیق در آورده اند و می خواهند بجای نفت ایران با بهای بشکادی ۳۷ دلار، به خرید بیشتر نفت عربستان سعودی با بهای نازل، ۳۲ دلار اقدام نمایند، صرفاً یک بهانه است. درست است که دولت عربستان سعودی با خیانت آشکار به سازمان کشورهای صادر کننده نفت - اوپک منافع همه اعضا این سازمان را زیر ضربه قرار داده و بازار جهانی را با تولید زیاد نفت و بهای نازل اشباع نموده است، لیکن تصمیم شرکت های ژاپنی در مورد لغو خرید های نفت خود از ایران علل سیاسی بسیار مهمتری دارد و از توطئه های بزرگ علیه انقلاب ایران خبر می دهد.

هنگام پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی مردمی و اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، ایران از نظرون مخصوص صنایع استخراج و صدور نفت، چه بصورت خام و چه به شکل فرآورده های نفتی در بازار جهان سرمایه داری موقعیت ممتازی داشت و علاوه بر ذخایر ارزی ایران و امکانات اقتصادی و مالی کشور در حدی بود که، در صورت اقدام دولت های پس از انقلاب به حل سریع مسئله احیاء و رشد صنعتی و کشاورزی در داخل کشور، اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب قطعا با رونق و شکوفائی سریعی همراه می گردید.

در یک چنان شرایطی البته تحریم خرید نفت از ایران نه فقط به زیان دول امپریالیستی و انحصارات نفتی بود، بلکه موجب می گردید که ایران انقلابی در اتخاذ شیوه ضد امپریالیستی به ویژه در زمینه استفاده از ذخایر و صنایع نفت با قاطعیت عمل کند و اقتصاد خود را از وارد آمدن ضربات غافلگیرانه و مهلک مسون نگاه دارد. به همین دلایل و با اعتماد به اینکه توطئه روی کار آوردن دولت لیبرال "گام به گام" و سپس بنی صدر، ایران انقلابی را به دامن امپریالیسم باز خواهد گرداند، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، به ویژه اعضا کارتل بین المللی نفت - "هفت خواهران"، هنوز از ایراد ضربات قاطع به نفت ایران، خودداری می کردند.

طی دو سال ونیمی که از پیروزی انقلاب می گذرد، امپریالیسم و در رأس آن آمریکا جنایتکار و انحصارات امپریالیستی نفت، هم زمان با نومیدی بیشتر به بازگشت اوضاع به سود خود، بی دردی ضربات مهلک تر و کمر شکن تری به اقتصاد ایران وارد آورده اند. آنهانه فقط به طرق مختلف از احیاء و رشد تولید داخلی در ایران جلوگیری کرده اند، بلکه ابتدا با تحریم اقتصادی سپس با محاصره مالی و بالاخره با تحمیل جنگ راهزانه صدام به ایران، مواضع کشور ما را، چه در زمینه اتکاء به صنعت نفت، که ستون فقرات اقتصاد ایران را تشکیل می داد، و چه در زمینه کاهش شدید امکانات مالی و ارزی بزرگی که از ابتراه در اختیار ما قرار داشت، بیش از پیش ضعیف ساخته اند.

به یک سخن، امپریالیسم جنایتکار آمریکا با انهدام بخش مهمی از صنایع نفت در جریان جنگ، با جلوگیری از صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی به خارج و حتی با مجبور ساختن کشور ما به صرف مبالغ مهمی از ارزهای موجود برای خرید مواد نفتی، همزمان با جلوگیری از احیاء و رشد تولید صنعتی، کشاورزی و خرابکاری در اقتصاد و مالی ایران، وضع اضطراری جدی برای کشور ما بوجود آورده است، بطوریکه امروز احتیاج کشور ما به فروش نفت و دریافت درآمد های ارزی، چه برای تأمین هزینه های جنگ تحمیلی و چه تأمین نیازهای وارداتی، به مسئله مبرم و حیاتی بدل شده است.

باکشور بوتان آشنا شویم

شاه بیست و پنج ساله بوتان چهارمین شاه سلسله "وانگ چوک" - سیاست اصلاحات محتاطانه پدر خود را ادامه داده است: تحدید امتیازهای فئودالی لاماها و تدابیری در جهت امروزین سازی کشور، که ۲۵ سال پیش با تدوین و اجرای برنامه های اقتصادی پنج ساله آغاز گشت.

بوتان از ۱۵ استان تشکیل می شود. پایتخت این کشور "تیمبو" (در حدود ۲۳۵۰۰ نفر) نام دارد.

تاریخ: تپوها، که ساکنان بومی بوتان بودند در سده هفتم میلادی به بودایی گری گرویدند (مروجان این مذهب در بوتان کشیش های هندی بودند). در سده بعد، کشور به سیادت تبست درآمد.

بعدها بر پایه در آمیزی خلق های تپو و تبت، بوتایی ها پدید آمدند و لامائیسم تبتی به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد. در اواسط سده شانزدهم میلادی (۱۵۵۷)، شابدونگ ری میوچی ناوانگ نامگیال، سرکرده بوتیا با زمام قدرت را بدست گرفت و استقلال کشور را از تبت بدست آورد. حاکمیت را "دارمه راجه" (رهبر مذهبی) و "دب راجه" (رهبر غیر مذهبی) میان خود تقسیم کردند. اما در واقع قدرت حقیقی در دست لاماها باقی ماند.

شاه سابق بوتان که تا سیزده سال پیش بساط سلطنت مطلقه خود را در این کشور گسترده بود، از حق وتوی خود در برابر مجلس ملی (تسونگدو) صرف نظر کرد و بدین ترتیب "تسونگدو" به بالاترین نهاد کشور بدل شد.

"تسونگدو" ۱۵۰ عضو را در بر می گیرد: ۱۰۰ نفر را غیر مستقیم ریش سفیدان دهات بر می گیرند، ۱۰ تن لاما هستند (که نمایندگی در حدود ۵۰۰ کشیش را بعد از دارند) و ۴۰ کرسی متعلق به دولت است، که کارمندان، وزیران، معاونان آنها و قضات بلند پایه را به سمت نمایندگی منصوب می کند. مجلس ملی بوتان نیز می تواند وزیران را برگزیند، آنها را عزل کند و حتی با اکثریت دوسوم آراء شاه را نیز از مقام خود برکنار سازد (اما حائشین او باید از سلسله "وانگ چوک" باشد).

در اوایل سده بیستم (۱۹۰۷)، خاندان "وانگ چوک" سلطنت موروثی را مرسوم ساخت. سه سال بعد (۱۹۱۰)، بریتانیا استقلال بوتان را به رسمیت شناخت، ولی همچنان نظارت خود را بر سیاست خارجی این کشور حفظ کرد.

در تابستان ۱۳۲۸ (اوت ۱۹۴۹)، میان بوتان و هند قرارداد دوستی امضاء شد. از آن هنگام تا کنون هند همواره به کمک اقتصادی به همسایه در بوتان متوجه هستند.

در این شرایط و در حالیکه اوضاع داخلی کشور بر اثر ترورها و کشتارهای فجیعی که بطور عمده به دست عمال امپریالیسم صورت می گیرد متشنج گردیده و از نظر محافل امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی گویا زمینه برای ایراد ضربات نهائی "به موجودیت جمهوری اسلامی ایران فراهم می گردد، خبر تصمیم ژاپنی ها به لغو قرارداد های خرید نفت از ایران انتشار می یابد.

پرواضح است که تصمیم مقامات دولتی و انحصارات ژاپنی در این موقع تصمیمی سیاسی است. هدف این تصمیم ضربه مستقیم به انقلاب عظیم مردم ما و موجودیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می گردد. تصمیم انحصارات امپریالیستی ژاپن بخشی از توطئه بزرگ امپریالیستی است، که می خواهد فشار مالی و اقتصادی به کشور ما را از راه تحریم خرید نفت، به عنوان آخرین حربه، برای از پا در آوردن جمهوری اسلامی ایران بکار گیرد. اولین واکنش مقامات دولتی، به ویژه وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه جدید امپریالیسم جهانی و انحصارات عمده غارتگر نفتی، صدور اطلاعیه ایست، که طی آن اعلام میدارد: "ملت مبارز و مسلمان ایران می تواند اطمینان داشته باشد که با توجه حکومت جمهوری اسلامی ایران صنایع نفت کشور را پس از هشتاد سال از جنگال امپریالیسم و شرکت های نفتی چند ملیتی نجات یافته: اکنون اداره تمام آن در دست خود مردم ایران قرار دارد و درآمد های حاصله از این ثروت خدادادی عاید بیت المال می شود." روزنامه "کیهان" ۱۷ شهریور ۱۳۶۰ بخاطر ما، این واکنش است کاملاً به جا، منطقی و لازم.

خود اقدام کرده و در گستره سیاست خارجی، نمایندگی آن را بعد گرفته است. در این میان، بریتانیا "دوایخیری" را به بوتان بازگردانید.

اقتصاد: بوتان کشوری است دارای کشاورزی عقب افتاده. بر پایه آمار سالنامه ۱۹۸۱ آسیا ("هونگ کونگ")، از ۳۰۰۰۰۰۰ نفر شاغل در بوتان، ۹۴٪ در کشاورزی و ماهیگیری، یک درصد در کارگاه های صنعتی، ۱/۳ درصد در ساختمان، یک درصد در خدمات و بازرگانی، ۲/۳ درصد در ادارات دولتی و ۴/۵٪ در دیگر گستره ها کار می کنند.

مهمترین محصولات کشاورزی و دامداری بوتان عبارتست از برنج، گندم، ذرت، کره و پشم، به کمک هند قرار است یک کارخانه سیمان سازی و یک نیروگاه آبی (به ظرفیت ۳۳۶ مگا وات) در بوتان احداث شود.

تنها ۱۵٪ هزینه های عمرانی بوتان از بایت منابع خودی تأمین می شود. بقیه این هزینه ها را هند (هند در دوران برنامه پنج ساله چهارم ۸۱ - ۱۹۷۶) ۹۰۰ میلیون روپیه در اختیار بوتان گذاشت (و سازمان های بین المللی تقبل می کنند).

بازرگانی خارجی: صادرات بوتان در سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۱/۵ میلیون دلار ایالات متحده بود، که از ۹۸٪ مواد خام و ۲٪ کارهای دستی تشکیل می شد. در همین سال واردات بوتان ۲ میلیون دلار ایالات متحده بود. هند با ۹۰٪ سهم در مبادلات بازرگانی، مهم ترین شریک تجارت خارجی بوتان است. سه سال است که بوتان می-کوشد مقداری ادویه جات، سیب زمینی، سیب و پرتقال به بنگلادش و نیپال صادر کند.

آموزش و پرورش: بیشتر از ۹۰٪ مردم بوتان بی سوادند. این کشور در سال ۱۹۸۰، تنها ۷ مهندس، ۹۰ پزشک، سه کارشناس کشاورزی و سه دامپزشک داشت. در آن سال ۱۳ دانشجوی این کشور در هند و ۴ کشور دیگر تحصیل مشغول بودند.

بوتان در زمینه سیاست خارجی خود را پیرو اصل عدم تعهد اعلام می دارد. این کشور در سال ۱۳۵۰ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و یکسال بعد برای نخستین بار دارای وزیر خارجه شد. بوتان در سطح سفارت در هند و بنگلادش، نمایندگی دیپلماتیک دارد.

عمده نفتی به تحریم خرید نفت ایران توجه کرد و هر چه سریعتر به اتخاذ تصمیمات مشخص و قاطع برای خنثی ساختن چنین توطئه های خطرناکی پرداخت. به نظر ما، چنین تصمیماتی رافق در چهار چوب سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت می توان اتخاذ نمود و به اجرا گذاشت تنها این سیاست است که امکانات وسیعی را برای برهم زدن و خنثی ساختن توطئه نفتی امپریالیسم و انحصارات نفتی در اختیار کشور ما قرار می دهد، اتخاذ و اجرای سیاست فعال ضد - امپریالیستی در نفت به کشور ما فرصت می دهد که با تکیه بر امکانات صنعتی، فنی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای ضد - امپریالیستی، استفاده از تضاد و رقابت در بازار سرمایه داری جهانی نفت، موکول ساختن فروش نفت به مبادلات پایا پای نفت - کالا و نظیر این اقدامات، نه فقط هر چه سریعتر صنایع نفت و پتروشیمی را در داخل کشور احیاء و تکمیل کنیم، بلکه به فروش موفقانه نفت خود، در حدی که نیازهای وارداتی ما را برآورده سازد، تا ثل آتیم. به هوش باشیم که اعمال سیاست انزوا - طلبی، به ویژه در آنچه به صنعت و بازرگانی نفت مربوط می شود، (با توجه به اینکه صنعت و بازرگانی نفت به معنی واقعی کلمه جهانی است) و تا بحال ناآگاهانه به کشور ما تحمیل شده، خطرات بسیار جدی برای انقلاب ما در بردارد. نفت در دوران سلطه امپریالیسم و ارتجاع بر کشور ما وسیله غارت و اسارت کشور ما بود، نفت در دوران انقلاب می تواند و باید حربه کار - آبی باشد، که پیروزی نهائی انقلاب شکوفائی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه تبدیل به استقلال اقتصادی کشور ما را تأمین نماید. در کاربرد نفت بدین صورت نباید کمترین تردیدی به خود راه دهیم.

### وقایع مهم جهان در یک هفته

## نیروهای آفریقای جنوبی پیران، زنان و کودکان آنکولا را می کشند

به گفته وزارت دفاع آنکولا، آفریقای جنوبی در آغاز هفته اخیر به گسترش تجاوز خود دست زد.

در استان کونته ۱۱ هزار سرباز آفریقای جنوبی و واحدهای باندنروستی "اوبینا" بصری برند، نیروهای رژیم نژادپرست همین سگداری بخشی از سربازان مری دست زده اند. شهرها و روستاهای استان کونته یا خاک یکسان شده است. هواپیماهای آفریقای جنوبی مدارس و بیمارستانها را بمباران می کنند. حتی آمبولانسهای "صلیب سرخ" که قصد بیرون بردن زنان و کودکان را از منطقه نبرد دارند، یا محدودیت های فراوان رویرو می شوند.

به گزارش خبرنگار "ناس" از لوآندا، نیروهای آفریقای جنوبی بسیاری از غیر نظامیان، از جمله پیران، زنان و کودکان را به هلاکت می رسانند. هواپیماهای نژاد پرستان حتی از بیمارستان بیمارستان انسانی ویران در منطقه میان اوچوا و لوانگو، نیروهای آفریقای جنوب حرس دهقانان را می سوزانند و خانه های آنها را ویران می سازند. نیروهای تجاوزگر سزدوران ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای غربی را در برمی گیرند.

در لوآندا، پنجاه هزار نفر در گرد همایی اعتراض خود را علیه تجاوز آفریقای جنوبی به کشور خود، که اریستیبانی ایالات متحده آمریکا

برخورداری شود، اعلام کردند. دومینگوش، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی "میلا- حزب کار"، در سخن رانی خود گفت، که نژاد پرستان هفت سال است که به جنگی اعلام نشده علیه مردم آنکولا، اشتغال دارند.

از آغاز تجاوز کنونی آفریقای جنوبی تا کنون ۱۴ هزار آنکولایی از پیماندهای خانمان-سوزان رنج برده اند.

سوزانگران خارجی، که از استانهای جنوبی آنکولا دیدار کرده اند، از بمبارانهای ددمنشانه آبادیها و اردوگاههای پناهندگان خبر داده اند.

یک خبرنگار "خبرگزاری فرانسه" می گوید که شهرک گاهاما، در ۱۳۰ کیلومتری مرزهای "بیا" به تل خاکستر تبدیل گردیده است، که تنها سه های آوار ه در آن دیده می شوند.

بر پایه این گزارش، نه تنها خانه های مسکونی، بلکه همچنین مدارس و بیمارستانها هدف بمباران هواپیماهای آفریقای جنوبی قرار گرفته اند.

بگفته نماینده آنکولا در سازمان ملل متحد تاکنون حداقل ۷۰۰ نفر قربانی تجاوز آفریقای جنوبی شده اند.

از سوی دیگر، نیروهای مسلح آفریقای جنوبی روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ۶۰ به منطقه "سه ساکه" زامبیا حمله ور گردیدند. بگفته سخنگوی دولت زامبیا، این حمله بخشی از کوشش "پرتوریا" برای ثبات زدایی در جنوب آفریقا است.

نویسنده: پرتوف

### اتحاد شوروی در برابر تجاوز آمریکا ساکت نخواهد نشست

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، گفته است که "اتحاد شوروی جویای برتری نظامی نیست و از کشورهای دیگر می طلبد که از نقشه تولید جنگ افزایش جدی دست بردارند."

وی، که در صیافتی به افتخار لاهدان، رهبر ویتنام، سخن میگفت، از کوشش ایالات متحده برای تبدیل به قدرتمندترین کشور برتری جویی جهانی انتقاد کرد.

برژنف گفت: "چنین چیزی در تاریخ معاصر نازگی ندارد و همه میدانند که چنین تلاشهایی به کجا انجامیده است."

وی گفت: "در حالی که ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای جنگ افروزی جدید دست می یابند اتحاد شوروی ساکت نخواهد نشست. در چنین حالتی نیروهای مسلح شوروی نیز باز دارند. های مناسب را در برابر چنین جنگ افروزیایی در اختیار خواهند داشت."

رهبر شوروی یادآور شد، که بیست و ششمین کنفرانس کمیته است اتحاد شوروی برنامه جامعی برای پیشبرد صلح در سالهای ۸۰ ارائه داشته بود و افزود، که "هدف این پیشنهادها بهبود اوضاع در همه مناطق جهان است."

برژنف از سیاست ایالات متحده و چین در آسیا انتقاد کرد و از کوشش ویتنام، لائوس و کامبوجیا برای تبدیل آسیای جنوب خاوری به منطقه صلح و ثبات استقبال کرد.

به نوشته "ایزوستیا"، اتحاد شوروی آماده است تا برای از میان برداشتن خطر جنگ هسته ای به جامع ترین اقدامات دست زند. این اقدامات میتواند ایجاد مناطق بری از سلاحهای اتمی در سراسر اروپا باشد.

"ایزوستیا" خاطر نشان می سازد، که حتی در این مرحله میتوان با ایجاد مناطق بری

از سلاحهای اتمی در بالکان و شمال قاره از تنش فزایی جلوگیری کرد.

به گزارش "ایزوستیا"، سران کشورهای سوسیالیستی، که در ماههای تابستان با لئونید برژنف در کیمه دیدار نمودند، بدین اعتقاد دست یافتند و خواست فزاینده مردم اروپای غربی برای پیشبرد تنش فزایی این اعتقاد را تحکیم بخشیده است.

در بریتانیا "راه پیمایی زنان برای صلح" در "گرین هام کاس"، در نزدیکی یکی از پایگاه های نظامی آمریکا، که موشکهای "کروز" قرار است در آن استقرار یابد، پایان پذیرفت.

زنان بریتانیایی و کودکان آنها در این راه پیمایی ۱۷۰ کیلومتری ندای اعتراض خود را علیه نقشه های خطرناک ایالات متحده و "ناتو" بلند کردند.

سازمان "حزب سوسیال دمکرات آلمان (غربی)" در اسلرویک هولشتاین طوماری را منتشر ساخت، که به ماضی ۳۰ هزار شهروند آلمان فدرال رسیده است و امضا کنندگان تولید جنگ افروزی نوترونی در آمریکا و استقرار آنها را در خاک آلمان غربی محکوم کرده اند.

لرد نوتل بیکر (بریتانیا) برنده جایزه نوبل گفته است که مقایسه میان سخنرانی ها و انتکارات رهبران آمریکا و اتحاد شوروی انسان را بر آن مبدار که به فعالیت های لئونید برژنف در راه صلح ارج فراوان نهد.

لرد نوتل بیکر در مصاحبه ای با "ایزوستیا" اظهار داشت، "این نظر را خیلی ساده میتوان توجیه کرد. لئونید برژنف پیشنهاد کاهش بودجه های نظامی را داده است، ریگان آنها را بالا برده است. لئونید برژنف پیشنهاد تحدید مسابقه تسلیحاتی را کرده است، ریگان بدان سرعت بخشیده است. لئونید برژنف پیشنهاد گفتگوی ریگان را کرده است، ریگان با اتخاذ سیاست "گفتگو از موضع قدرت" در این راه سنگ انداخته است."

## اعلامیه شورای جهانی صلح

بمناسبت روز جهانی صلح ۱۹۸۱\*

تسلیحات می اندازد، سلاح نوترونی بسیار به آسانی می تواند آش جنگ هسته ای جهانی را برافروزد. خود وجود این سلاح به این پندار خام که جنگ هسته ای محدود امکان پذیر است مایه می دهد. این تصمیم حمله ای جنایت آمیز به صلح جهانی است، خوار شمردن اراده ملت ها است، و منظور از آن کسب برتری نظامی است برای اعمال سیاست باجگیری در برابر کشورهای سوسیالیستی در هم شکستن جنبش های رهایی بخش ملی، از بین بردن استقلال ملی ملت ها و تحقق بخشیدن به رهبری جهانی آمریکا.

شورای جهانی صلح اعلام می کند: احتمالات خطرناک بروز جنگ سوم جهانی پیوسته فزونی می گیرد. قدرت ویرانگری چنین جنگی، اگر درگیر شود، بی اندازه بزرگتر از آن چیزی خواهد بود که در جنگ جهانی دوم بوده است. هیچ کشور، هیچ قاره ای از آن سالم بماند نخواهد آمد. به همین علت است که بشریت سلاح های تازه کشتار جمعی را رد می کند. ملت ها نیازی نه به موشک های میان برد دارند، نه بمب نوترونی، آنها خواستار مذاکرات سازنده فوری و پیشروی واقعی به سوی خلع سلاح می باشند. این یگانه شیوه متوقف ساختن خطر، یگانه راه آزاد ساختن منابع مالی و انسانی است که آن همه برای از بین بردن محرومیت و فقر و قحطی و بیماری و نیز درد بیسوادگی که در جهان امروز همچنان به میزان بلندی شایع است فوریت و لزوم دارد.

شورای جهانی صلح، بادر نظر گرفتن در سه های تاریخ، به ویژه واقعه اول سپتامبر ۱۹۳۹، همگان را به مناسبت روز جهانی صلح ۱۹۸۱ به فعالیت های وسیع و انبوه تازه ای برای صلح جهانی فرامی خواند.

مبارزه جهانی بی سابقه ای باید همه ملت ها و همه قاره ها را گرد آورد و بی هیچ توقفی به پیش روی ادامه دهد، تا همه دولت ها و همه پارلمان ها ناگزیر شوند به این اراده ملت ها تن در دهند، ماملت ها، اگر با هم دست به عمل زنیم، توانایی آن را داریم که تاریخ را خود شکل دهیم و آن را به طور قطع به راه صلح مداوم، خلع سلاح و تشنج زدایی در اندازیم.

مطمئن باشیم که ندای ملت ها شنیده خواهد شد. موشک های میان برد بمب های نوترونی آمریکایی نه! مذاکره درباره صلح اقدام مشخص بر ضد تهدید هسته ای آر! با هم برای نجات فرزندانمان و نامین آینده ای سعادت آمیز عمل کنیم!

\* با آن که از روز اول سپتامبر دو هفته ای می گذرد، انتشار این اعلامیه که دیر به دست ما رسید، به علت اهمیت موضوع آن، لازم و سودمند تشخیص داده شد. از تاخیری که ناگزیر روی داد پوزش می طلبیم - اتحاد مردم

در آستانه اول سپتامبر، چهل و دومین سالگرد آغاز دومین جنگ جهانی، ملت های بیش از هر زمان دیگری خواستار حفظ صلح و دور کردن خطر درگیری جنگ هسته ای می باشند. تلفات بیشمار جانی و مالی که تجاوز فاشیستی برای جهان به بار آورده برای همیشه در یاد ملت ها نقش بسته است. ملت ها مراقبت خود را تازه نگه می دارند و مردمان و زنان را، از هر عقیده سیاسی و فلسفی و از هر ایمان و مذهبی، بسیج می کنند و متشکل می سازند، به ویژه جوانان سراسر جهان را که برای حفظ صلح، این گرانبهارترین نعمت بشریت و این حق اساسی انسان، آماده همه گونه فداکاری هستند.

برغم امیدواریها و بهرغم خواست بارها اعلام شده سراسر بشریت شیفته صلح، ابرهای مخاطره باری آسمان سیاست را تیره ساخته است چنان که همه آنچه را که تاکنون به دست آمده از نوبه بحث می گذارد و همه فرآورده های، معنوی و فرهنگی سراسر تاریخ بشر را به خطر می اندازد اگر در گذشته، مسئولیت اصلی در اعمال سیاست کشورگشایی و استعمار و ویرانگری بر دامنه و کشتار جمعی بر عهده نیروهای امپریالیستی و فاشیستی آلمان هیتلری بود، امروزه این مسئولیت بر عهده دولت ایالات متحده آمریکا و سودجویان مجتمع های نظامی - صنعتی بین المللی است که با تشدید دیوانه وار مسابقه تسلیحات هسته ای جهان را به سوی فاجعه ای بازوحشت با ترمی رانندگی ابعاد آن را به سختی می توان در تصور آورد.

اگر کاری صورت نگیرد که به بهبود اوضاع منجر شود، همه آنچه در طی سالهای هفتاد به برکت سیاستی در راستای صلح و همزیستی مسالمت آمیز و تشنج زدایی و سود متقابل به دست آمد، - سیاستی که نقطه اوج آن تشکیل کنفرانس درباره امنیت و همکاری در اروپا بوده - صدور قطعنامه نهائی کنفرانس و دیگر موافقت نامه های مهم بین دولت ها انجامیده است. - بار دیگر مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

و اینک بهرغم اراده همه ملت ها، و در حالی که همه جا اهالی خواست خود را مبنی بر صلح و تشنج زدایی و مخالفت با انباشت تسلیحات آمریکا و آرایش سلاح های تازه کشتار جمعی مانند موشکهای پر شینگ ۲ و موشک های میان برداز سوی آمریکا در اروپای غربی به قوت ابراز می دارند، ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، درست چنین لحظه ای را برای اعلام تصمیم تولید سلاح های نوترونی انتخاب کرده است.

این تصمیم بس پیشروانه در جهت خلاف مذاکرات کنونی و نفی امکان شروع فوری گفت و گو های سران درباره سلاح های نوترونی در اروپا و بازگشت به روند سالت سیر می کند. اقدام آمریکا به تولید کلی سلاح نوترونی بشریت را با زیست بیشتر به راه افزایش کنترل ناپذیر

## تور خائنانه امام جمعه تبریز را محکوم می کنیم

در پی آخرین توطئه بمب گذاری در مرکز دادستانی انقلاب و شهادت حجت الاسلام والمسلمین علی قدوسی دادستان کل انقلاب بدست ایادی امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا بانهاست تاسف خبر یافتیم که عوامل ضدانقلاب پرورده امپریالیسم یکی دیگر از یاران وفادار امام و انقلاب خونبار مردمی و اسلامی ایران را این بار در تبریز قهرمان بشهادت رسانیدند.

اگر چه این جنایت مانند موارد مشابه آن برای ملت ما فاجعه بزرگی است، اما در نهایت هیچ تزلزلی در اراده مردم پیکارجوی ما در مبارزه با امپریالیسم خونخوار آمریکا و ایادی گوش بفرمان آن ایجاد نخواهد کرد.

ما با محکوم کردن این تبه کاری های ردی لانه، شهادت آیت الله مدنی امام جمعه تبریز را به رهبر انقلاب و مردم قهرمان ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم.

### ضیاء الحق در چین بمب اتمی آزمایش می کند

گروهی از کارشناسان هسته ای پاکستان از دیماه سال پیش تاکنون در چین به تدارک نخستین انفجار بمب اتمی پاکستان اشتغال دارد. یک هفته نامه فرانسوی به نقل از مقامات اطلاعاتی بریتانیا خبرنامه مرده را پخش کرده است. بر پایه این گزارش همکنست که نخستین آزمایش پائیز امسال صورت گیرد.

از سوی دیگر جیمز باکلی، معاون وزارت خارجه آمریکا، برای گفتگو پیرامون "کمک آمریکا به پاکستان وارد اسلام آباد شد. قرار است، که آمریکا در پنج سال آینده ۲۰۰ میلیون دلار، به ویژه به شکل کمک نظامی، در اختیار پاکستان بگذارد

هند و دیگر کشورهای منطقه این "کمکها" را محکوم کرده اند.

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴